

نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران



با تأسف بسیار در فاجعه سیل بنیان کن در گلستان،
چابوم، الیگودرز و ... تعداد زیادی از هموطنان ما
جان خود را از دست دادند. سازمان چریکهای فدایی
خلق ایران به بازماندگان این فاجعه بزرگ تسلیت
گفته و خود را در غم آنان تسریک می داند.

بنیاده شورای ملی مقاومت ایران در باره انتخابات ریاست
جمهوری رژیم، فعالیتهای مقاومت و خیزشهای اجتماعی
صفحه ۹

اطلاعیه دبیرخانه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون
برگزاری اجلاس کمیته مرکزی سازمان

صفحه ۲

یک هفته تظاهرات و آکسیونهای اعتراضی دریادبود
قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در ۱۱ شهر جهان
صفحه ۲

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درگذشت پدر آقای
محمدرضا روحانی، پدر آقای مازندرانی و پدر آقای اسماعیل
وفا یغمایی را به خانوادههای روحانی، مازندرانی و وفا یغمایی
تسلیت می گوید.

سرمقاله —

تقلب در نگرش،

بن بست در روش

در صفحه ۳

مصاحبه با آقای قصیم —

با رژیم آخوندی فاجعه های زیست

محیطی گسترش می یابد

در صفحه ۴

اخبار کارگری

صفحه ۵

یادداشت و گزارش

صفحه ۷

تنفیذ بازوی اجرایی نظام

صفحه ۱۳

بحران کارگری

از انکار تا واقعیت

صفحه ۱۲

در گوشه و کنار جهان

صفحه ۱۵

ادبیات ایران د هزاره دوم

نگاهی به گذشته و اشاره یی

به هزار سال مبارزه فرهنگی

صفحه ۱۷

کابینه خاتمی و کشمکش آن

صفحه ۸

یادداشت سیاسی

— مهدی سامع

در ماه گذشته رویدادهای گوناگونی در ایران اتفاق افتاد که هر یک بازتاب، شدت و حدت تضادهای انباشته شده در جامعه و بیانگر عمق این تضادها به طور عام و تضاد بین مردم با رژیم حاکم به عنوان تضاد عمده جامعه به طور خاص است. تداوم و گسترش اعتصابها و تظاهرات کارگری که آخرین مورد آن حرکت چند روزه کارگران کارخانه بارش در بستن جاده اصفهان به تهران بود، گسترش موج سرکوب و از جمله اجرای احکام ارتجاعی شلاق، اجرای مداوم حکم اعدام، احضارها و دستگیریهای گسترده، تشدید تضاد بین جناحهای حکومتی که خود را در اختلاف نظر بر سر تعیین سه حقوقدان شورای نگهبان و با رأی سفید ۱۶۰ نماینده دوم خردادی به نحو برجسته نشان داد، انتشار متن کامل گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ارتجاع، انتشار اخبار دزدیها و سوء استفاده های آفازدها، معرفی کابینه خاتمی و بحث پیرامون آن در مجلس ارتجاع و نیز فاجعه سیل در استان گلستان، چابوم و الیگودرز از جمله مهمترین این رویدادها بود. سیر حوادث در ماه گذشته باز هم بر این حقیقت مهر تابید زد که رژیم استبدادی — مذهبی ولایت فقیه جر با سرکوب و گسترش ترور و اختناق نمی تواند به حیات ننگین خود ادامه دهد. همچنین شدت و حدت گیری تضاد بین جناحهای حکومتی و مداخله مستقیم ولی فقیه برای کنترل این تضادها وجه دیگری از بحران انقلابی در جامعه ما را نشان داد. در مورد مداخله ولی فقیه نظام برای جلوگیری از گسترش شکاف در حکومت بسیار اسنانه خواهد بود اگر این مداخله و حل و فصل مقطعی بعضی از تضادها از طریق «مجمع تشخیص مصلحت نظام» را کارساز تلقی کنیم. راست این است که مداخله آشکار و جانبدارانه ولی فقیه نشان دهنده ته کشیدن ذخائر نظام و جلوه روشن ناتوانی و بن بست کل نظام برای حسل و فصل تضادها بشان می باشد.

فقیه در صفحه ۲

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

وقتی خاتمی از عدم حل مسأله تعیین سه حقوقدان شورای نگهبان از طریق مجلس و قوه قضائیه با تأسف یاد می‌کند، به نحوی به همین بن‌بست و ناتوانی اعتراف می‌کند. افزون بر این مداخله مستقیم، آشکار و جانبدارانه ولی فقیه برای کنترل تضادها و خارج کردن رژیم از بن‌بست تصمیم‌گیریهای مقطعی هر گاه با واکنش نسبتاً مناسب همه جناحها روبرو نشود، دستگاه ولایت را در بین «خودبها» به شدت بی‌اعتبار می‌سازد. رأی سفید ۱۶۰ نماینده مجلس ارتجاع به افراد پیشنهادی قوه قضائیه برای کسب کرسی حقوقدانان شورای نگهبان مسلماً تأثیر بسیار مخربی در روحیه نیروهای بدنه نظام و در مناسبات بین خودبها بر جای خواهد گذاشت. تنفر و انزجار سالیان سال مردم از دستگاه ولایت، اکنون به بدنه رژیم سرایت کرده و هر مداخله آشکار ولی فقیه اقتدار او را در بین خودبها و بدنه نظام ضعیفتر خواهد کرد. این که سرانجام اعضای حقوقدان شورای نگهبان، با مداخله خاتمی و طرح مجمع تشخیص مصلحت نظام انتخاب شدند به هیچ وجه ناشی از قدرت و قوت رژیم و توانایی ولی فقیه در حل و فصل و کنترل تضادها نیست. این انتخاب، آن هم با رأی بسیار ضعیف خودبها همراه با ۱۶۰ رأی سفید، نشان می‌دهد که کاربرد اشکال سازشکارانه با محتوای جانبدارانه از ناحیه ولی فقیه بیش از آن که مسأله‌ای را حل کند، تضادها را تشدید کرده و بر اقتدار ولی فقیه که حیات همه جناحها وابسته به آن است ضربه وارد می‌کند. این تضاد بین شکل و محتوای اقدامات تاکتیکی خاتمی در فقدان یک سیاست کلان از جانب او نه

فقط بر پیکر کل ولایت و شمیفتگان ذوب در آن ضربه وارد می‌کند، بلکه بن‌بست اصلاح‌طلبان قلابی را نیز نهادینه می‌کند. اظهار نظرهای اخیر سعید حجاریان، ملاقات بهزاد نبوی با رفسنجانی، طرح مسأله توسعه بر اساس متد چین از جانب بعضی از وزرای پیشنهادی خاتمی نشان دهنده جملی بودن آن پروژه‌ایست که قرار بود تحت عنوان «اصلاح‌طلبی» مردم را فریب داده و مشروعیت نظام را بازسازی کند. اکنون که در عمل به تئوریه‌های برجسته دوم خرداد ثابت شده که «توسعه سیاسی» حتی در شکل جعلی و قلابی آن به «براندازی» می‌برد، می‌خواهند با توسل به تئوری توسعه بر مبنای مدل چین (یعنی اصلاح ساختار اقتصادی همراه با سرکوب سیاسی) آب رفته را به جوی بازگردانند. از همین لحظه و در آغاز کار دوره ریاست خاتمی بر بخشی از دستگاه اجرایی ولایت خاتمی‌ها باید گفت که این نظریه نیز همانند نظریات قبلی تئوریه‌های دوم خردادی که همگی کپی‌برداری بی‌یال و دم از تحولات عمیق، شدت و نفرت عمومی از رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه بود. اکنون که این رسالت با بلوغ شقه در رأس نظام به نحو احسن انجام شده، تئوریه‌سینها و ریش سفیدان دوم خردادی می‌خواهند از زیر آواری که مردم و مقاومت سازمان‌یافته مردمی بر سر آنان ریخته‌اند خود و ولایت ننگین خاتمی‌ها را نجات دهند. از هم اکنون معلوم است که این پروژه نیز قیل از تولد مرده است.

اجلاس کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار شد

اجلاس کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با شرکت کلیه اعضا و بخشی از مسئولان نهادهای مرکزی در نیمه اول مرداد ماه امسال برگزار شد.

اجلاس با یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد همه کسانی که در راه دموکراسی، استقلال، صلح و سوسیالیسم جان باخته‌اند، کار خود را آغاز کرد. در ابتدای نشست سخنگوی سازمان گزارشی از تحولات سیاسی و مواضع اتخاذ شده از طرف سازمان و نیز بحثهای اجلاس اخیر شورای ملی مقاومت را به اجلاس ارائه داد. پس از آن، اجلاس به بحث و بررسی پیرامون سیاست خارجی سازمان و نتایج شرکت سازمان در جنبش جهانی علیه فقر، تبعیض و بی‌عدالتی پرداخت. در این بخش مسئول روابط بین‌المللی سازمان گزارشی از شرکت سازمان در تظاهرات جنوا ارائه نمود. کمیته مرکزی بر طبق قرار قبلی خود خواستار ارائه «طرح جدید» پیرامون سیاست بین‌المللی سازمان از طرف رفیق مسئول روابط بین‌المللی به شورای عالی شد. بخشی دیگر از اجلاس کمیته مرکزی سازمان، ترکیب کار آن بود. کمیته مرکزی پیرامون این مسأله قرارهای لازم را به تصویب رساند. اجلاس کمیته مرکزی سازمان با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۲۶ مرداد ۱۳۸۰
۱۷ اوت ۲۰۰۱

یک هفته تظاهرات و آکسیونهای اعتراضی در یادبود قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در ۱۱ شهر جهان

ایرانیان خواستار محاکمه عاملان این جنایت هولناک به ویژه خاتمی و رفسنجانی شدند. ایرانیان مقیم شهرهای پاریس، برلین، واشنگتن، رم، ژنو، استکهلم، اسلو، لاهه، کینهاگ، بروکسل و اتاوا، در یادبود قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در تابستان ۶۷ و در اعتراض به موج جدید اعدام و سرکوب در سراسر ایران، یک هفته تظاهرات و آکسیونهای اعتراضی از ۲۲ تا ۲۶ مرداد (۱۳ تا ۱۷ اوت) برگزار کردند. تظاهر کنندگان خواستار محاکمه مسئولان قتل عام هولناک سال ۱۳۶۷ به ویژه خاتمی و رفسنجانی در یک دادگاه بین‌المللی به خاطر جنایت علیه بشریت شدند.

در آکسیونهای اعتراضی ایرانیان صحنه‌هایی از جنایاتی که روزانه در سراسر ایران جریان دارد از جمله شلاق زدن، دست و سربریدن، حلق آویز، گورهای دسته‌جمعی و تیرباران و زندان به نمایش گذاشته شد. هم‌چنین تظاهر کنندگان تصاویر شمار زیادی از شهدای قتل عام مرداد ۱۳۶۷ را با خود حمل می‌کردند. این اسناد و شواهد هولناک توجه بسیاری از شهروندان و رسانه‌های جمعی را به خود جلب کرده بود.

سیزدهمین سالگرد قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در شرایطی برگزار شد که رژیم آخوندی پس از نمایش انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ماه گذشته، موج جدیدی از شلاق زدن و حلق آویز در ملاعام را به منظور ارباب مردم و مقابله با اعتراضات و خیزشهای مردمی به راه انداخته است. بنابه اعتراف روزنامه‌های حکومتی از آغاز سال ۲۰۰۱، ۲۲۱ نفر در ایران اعدام شده‌اند، که ۹۵ مورد آن مربوط به دو ماه اخیر می‌باشد.

قطعه‌نامه پایانی با اشاره به مخاصمات درونی رژیم آخوندی بحرانهای لاعلاج آن که بخصوص پس از انتخاب مجدد خاتمی ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفته می‌افزاید رژیم آخوندی ناتوان از مواجهه با مقاومت گسترش‌یافته مردمی برای کنترل و مهار اوضاع بار دیگر به سرکوب گسترده و عریان روی آورده است. دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران - ۲۸ مرداد ۱۳۸۰

تظاهرات در مراسم اعدام در منطقه خاوران تهران

خبرگزاری ایرنا: ۲۴ مرداد: «در جریان مراسم اعدام یک قاتل در تهران، که حکم آن از سوی دیوان عالی تأیید شده بود، برخی از حاضران خواستار عفو وی از سوی اولیای دم شدند. این قاتل، عصر امروز (چهارشنبه) در ورزشگاه شهید نباتی در منطقه خاوران، در جنوب شرق تهران، به دار مجازات آویخته شد. "ولی هزار اسب" معروف به "ولی هزاری"، که از خلاقان بنام منطقه بود، سال گذشته در درگیری با بهروز وهابیان وی را با ضربات چاقو به قتل رساند. پس از قرائت حکم عده‌ای از تجمع کنندگان با سر دادن شعارهایی، خواستار عفو مجرم از سوی خانواده مقتول شدند. این عده با دادن شعار "یا حسین، یا زهرا، العفو، العفو" از پدر مقتول خواستار بخشش قاتل بودند. پس از مشخص شدن این موضوع که اولیای دم خواستار قصاص قاتل هستند، عده‌ای از تجمع کنندگان شروع به اعتراض کردند، که نیروی انتظامی که در صحنه حضور داشت، اوضاع را تحت کنترل درآورد. در مراسم اعدام که رأس ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه امروز آغاز شد، افزون بر دو هزار نفر شرکت داشتند. پس از اعدام قاتل، عده‌ای از تجمع کنندگان با سردادن شعارهایی به مأموران اعتراض کردند.

سیر مقاله

تقلب در فکرتشی، بن بست در روشی
منصور افغان

به بن بست رسیدن "پروژه اصلاحات" در چارچوب جمهوری اسلامی حتی بدون شواهد فراوانی که در خلال دوران بدست گرفتن بخشی از قدرت توسط متصدیان آن، چهره نمائی کرده اند، امری قابل پیش بینی بود. هیچ‌یک از صاحب نظران مسائل ایران در عدم دگرگون شدن ساز و کار جامعه توسط ترم هائی همچون "جامعه مدنی" یا "سماهل" و "قرائت‌های متفاوت از دین" تردید نداشته اند. آنچه که "اصلاحات" را به معیاری برای تحلیل مشخص سیاسی و ارزیابی توازن قدرت در نبرد جناح‌های حکومت تبدیل کرده است نه از جوهره اجتماعی و برون گرای آن بلکه از ماهیت برنامه ای و درخود "پروژه اصلاحات" به مثابه برنامه و راهکاری برای مقابله و به عقب راندن ولی فقیه و طیف پیرامون او، سرچشمه می‌گیرد.

برخورد به مقوله "اصلاحات" و نمایندگانی سیاسی آن در حکومت می‌تواند از زاویه دیگری هم صورت پذیرد و آن قرار دادن مقاصد اعلام شده و طرح‌های فرضی به عنوان پایه اصلی تحلیل رویداد های جاری و تبیین فراز و نشیب کشاکش در بالا بر اساس آن است. یک دیدگاه عمل گرایانه و معطوف به نتیجه، یقیناً در مبانی تحلیلی خود این متد را به گونه مرکزی دخالت خواهد داد زیرا داوری پیرامون پدیده‌ها جز با آثاری که برجای می‌نهند نمی‌تواند چندان واقع بینانه باشد. خطر واقعی هنگامی است که این انگارتهای سیاسی، به طور مجرد، تعیین کننده جهت گیری اجتماعی ارائه دهندگان تصور شود و طرح‌ها و برنامه‌ها، آئینه بلافصل گرایش استراتژیک تدوین کنندگان آنها تلقی گردید. در این حالت پراگماتیسم یک سویه به تدریج از داده های عینی منوجه نیات غیرقابل اثباتی می‌گردد که تنها در فرضیه های به غایت خوش بینانه و امیدوارانه مجال ظهور پیدا می‌کنند و طرح های سیاسی بیشتر از آن که از زاویه ضرورت اجتماعی آنها مورد کنکاش قرار بگیرند از حیث امکانات عمیق معجزه گران پس از این، در دستور کار گنجانده می‌شوند.

بنابراین نقد "اصلاحات" - براساس متد نخستین - همواره برخورد به یک روش و نه یک نگرش است. تفاوت این دو ترم از شالوده های متفاوتی که بر آن منتنی هستند، نشأت می‌گیرد. در حالیکه نگرش ذاتاً نهادی و سازمان‌واره است، روش الزاماً تابع و می‌تواند متغیر باشد و از همین رو قابل تجزیه به

که اینجا و آنجا عرصه و تلیع می‌کنند، محدود نمی‌شود. بسا بیشتر تأثیر این شکاف اجتناب ناپذیر را می‌توان در گستره عمل و نفوذ آن یعنی جامعه، جایی که انتظارات واقعی پاسخ‌های غیر ملموس و فانتزی گونه را برنمی‌تابد، سراغ گرفت. عمیق تر شدن دره هائی که مردم را از "دوم خرداد" جدا می‌کند، به نسبت ریزش نیروهای موثلف در آن، نگرانی کمتری را برمی‌انگیزد. چه سحه های تجربه شده ای از آن دست که در ۱۸ تیر به اجرا گذاشته شد، همواره فرجه ای برای التیام! یائین باقی می‌گذارد. مساله هنگامی جبران ناپذیر می‌شود که نقاط وصل بین "دوم خرداد" و افشار اجتماعی و به عبارت دقیق تر آن دسته نیروهائی از این جناح که بار اصلی انتقال دوسویه مفاهیم و مطالبات را به عهده دارند - و بر حسب همین نقش در سمت چپ "دوم خرداد" جای گرفته اند - بر بهبودگی این بازی بی سرانجام نقطه پایان بگذارند. در این صورت جناح یاد شده، یگانه کارت معتبر و قابل اتکاء خود در نبردهای درونی حکومت را از دست خواهد داد و به یک هدف علامت گذاری شده برای نشانه روی، در هر کجا و هر نقطه ای که رخ بنماید، تبدیل می‌گردد.

اما پیش از آن که خاتمی و یاران به چاره اندیشی و اتخاذ تدابیری برای پیشگیری از این مشکل بپردازند، می‌بایست تهدید بالفعل دیگری که بر فراز نقشه های انسان سیاه سنگین خود را گسترانیده است را در دستور کار قرار دهند. خطری که باز هم بی واسطه از دوگانگی سیاست، آنها ریشه گرفته و اشتباهی روز افزون باند رقیب به تهاجم را برانگیخته است. ساده اندیشی است هرگاه کمان برده شود جناح ولایت فقیه، تصور روشنی از اهداف و تاکتیک‌های هم‌اورد خود ندارد. حتی اگر پیشینه همکاری درازمدت این دو در سطوح گوناگون، کمکی به کسب این درک نکرده باشد، عملکرد چهار ساله "دوم خرداد"، یقیناً جانی برای سوء تفاهم نسبت به درونمایه نقشه های آن و رهیافتهایش برای تحقق آنها باقی نگذاشته است.

در تغییراهنگ برخورد دسته بندی ولایت فقیه به حریف خود نتواند ۱۸ تیر را یک نقطه عطف تلقی کرد. هنگامی که آشکار گردید دامنه مبارزه جوئی "اصلاح طلبان" - علی‌رغم ادعاهای بررگشان - هرگز به سطح گسترش نبرد در میدان عمومی و پذیرفتن ریسک بحران اجتماعی لب پر نخواهد زد، شمارش باژگون برای انگاشت "فشار از پائین و چانه زنی در بالا" هم آغاز گردید. ابزار "فشار" های مدنی همچون مطبوعات "دوم خردادی" برای باند ولایت بی‌ارزتر از آن هستند که بتوانند تأثیر بازدارنده و همزمان به

اجزایی است که دربرچه های متفاوتی از نگرش را

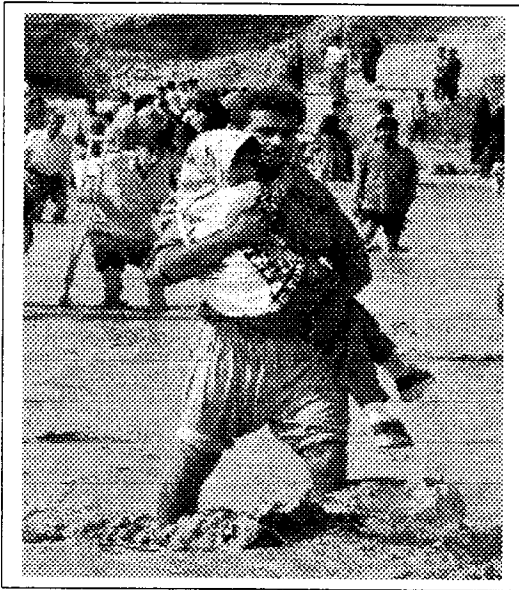
به روی عینیت موجود می‌کشایند. این اصل که روش همیشه و به طور خود به خودی رونمای نگرش نیست حداقل از ماکیاول به بعد، دربرچه ای هم به جامعه شناسی گشوده است. "پروژه اصلاحات" روشی است که "دوم خرداد" از منفذ آن به صحنه سیاسی وارد می‌شود تا به محدود ساختن دایره قدرت و نفوذ رقیب خود اهتمام ورزد. ناهمگونی اختیارات ولایت فقیه با حقوق مدنی مردم و وجود گرایش نیرومندی در جامعه که خواهان غلبه بر این تناقض است، یک پیش شرط سیاسی و یک زمینه عمل واقعی را برای این جناح حکومت به وجود آورده است. امکانات و راه‌های دیگری که بتوانند به عقب راندن قدرت متمرکز در نهاد ولایت و ارگان های رسمی و غیر رسمی آن منجر گردند، بسرای "دوم خرداد" نمی‌تواند مطرح باشد. زیرا یا باید به سمت پائین و بسیج آن نظر کند که در این صورت معلوم نیست انتهای داستان همان‌گونه رقم بخورد که مطلوب است! یا بورش در بالا را انتخاب کند که این نیز با توجه به توازن قدرت در هر دو بخش قانونی و قهری، کارساز نخواهد افتاد.

یک ترکیب بی‌خطر از هر دو اینها، راه حلی است که دوم خرداد آنها را فرمول "فشار از پائین و چانه زنی در بالا" توضیح می‌دهد. و این درعمل به مفهوم سوار شدن بر جنبش اجتماعی، به مصالحه وادار نمودن جناح ولایت و سپس جایگزینی اجزای قدرت خود در پوشش "جامعه مدنی" به جای زمینهای خالی که حریف بر جای می‌گذارد، می‌باشد. به این ترتیب "اصلاحات" چیزی جز قدرتی که پشت درهای بسته و نیمه باز نظام ولایت فقیه، فرارسیدن هنگام خود را انتظار می‌کشند، نیست. نشانه های پیدا و نه کاملان نهمان درهم آمیزی این دوم مفهومی و مترادف دانستن آنها از سوی "دوم خرداد"، به فراوان مشاهده می‌شود، اما بطور کلی این گرایش را می‌توان در تلاش برای سنجش پیشرفت یا واگرد "توسعه سیاسی" با محک گشایش یا محدودیت دایره تحرک "دوم خرداد"، به حویلی خلاصه کرد. و این نه فقط متد استدلالی جناح دی نفع برای ترسیم وضعیت "اصلاحات" است. حتی جریاناتی که با وجود تقدیم پشتیبانی بی‌چون و چرا، به سبب "غیر خودی بودن"، جذامیه‌های "جامعه مدنی" محسوب می‌شوند، عملاً و به گونه خود غرضانه ای به مبلغان این درک کمراه کننده تبدیل شده اند. گسیختگی در هویت جعلی "اصلاح طلبان" فقط به مبادی نظری اشفته ای

بیش برنده ای داشته باشند. و این فضا امری مربوط به محتوا و جهت گیری آنها نیست. در شرایط نه هیچ انکاسته شدن فاکتوری به نام افکار عمومی توسط یک نظم تمامیت گرا و زمانی که بخش مهمی از تدابیر جاری حکومتگران بر رونین تن نمودن خود در برابر آن متمرکز گردیده است. بالطبع نقش حلقه های واسطه ای در هیأت مطبوعات که منعکس کننده تمایلات و گرایشات دوطرف هستند، چیزی فراتر از چرخ پنجم نمی‌تواند باشد. آنها حداکثر مراحماتی محسوب می‌شوند که بی نوآندشان همچون نخود و لوسا به صور "قله ای" از حساب رقیب بیرون کشید، در کیسه ریخت و به حساب خویشتن گذاشت.

نخستین دسته ای که می‌بایست به این واقعیت باور می‌آورند، مدافعین گرایش "شفافیت" در جهه "دوم خرداد" بودند، کسانی که بیش از آن که قربانی افکار خود شمرده شوند، موقعیت نامطلوبی که بدان دچار گردیدند را مدیون معلق بودن سیاسی هستند که مطلقاً از توانایی و اراده کافی برای پی گرفتن عملی نیات خود بی بهره است. توجه این خسارات با اشاره به هزینه "تسخیر مجلس"، از خود نمودن کرسی ریاست جمهوری و پیشرویهای محدود در ترکیب بوروکراسی دولتی، یکجانه و پیرایش بخش مطلوب واقعیت است. آنچه که پس از این "پیروزی" ها سه بیرون تراویده، اندک تناسی با غریب سیبور فتح و پیاده های از صفحه خارج شده دارد. نتایج بی‌رنگ سیاست یاد شده، این پرسش که آیا "روش اصلاحات" اصولاً حتی برای موفقیت دارد را محق می‌سازد. برای پاسخ به این سؤال ابتدا می‌بایست هدف محوری این طرح که با محدود ساختن گستره قدرت ولایت فقیه از طریق بدست گرفتن نهادهای انتخابی و اشاع ظرفیت پیش بینی شده آنها در قانون اساسی نیبیر می‌شود، در مد نظر قرار گیرد. به بیان دیگر، همانگونه که آشکار است از آن‌جا که جهت گیری "اصلاحات" چهره به "بالا" گشوده است، عینی ترین ارزیابی از وضعیت آن نیز در همین کادر اعتبار می‌یابد. نگاهی به ادبایر حقارت آمیزی که "محس اصلاحات" - نه فقط - طی سه هفته گذشته حان وتن بدان سپرده بود. رهگشائی عیبی این "روش" و افقی که بسوی آن روان است را به وکالت از سوی دیگر کرسیها و مسند های "فتح" شده، بخوبی به نمایش می‌گذارد.

برای گرفتن سهم در کله کرگه‌ها، باید بتوان به همان خوبی رفا زوزه کشید. آقای خاتمی و "دوم خرداد" او، پوست به استخوان چروکیده، فقط ناله می‌کنند و آن‌هم با تقلید صدا!



به مناسبت فاجعه سیل مهیب و ویرانگر اخیر در استان گلستان از آقای قسیم، مسئول کمیسیون محیط زیست شورای ملی مقاومت، تقاضا کردیم به چند پرسش ما راجع به دورتسلسل فاجعه های زیست محیطی در کشور پاسخ دهند. همین جا از شرکت ایشان در این گفتگو تشکر می کنیم.

نبرد خلق

محل نیز مفقود اعلام شده اند. تعداد زیادی دام از بین رفته اند. در همه این نقاط، مدت ها طول کشیده تا از جانب «مقامها و مراجع مربوطه» اقدامی در جهت امداد رسانی به جریان آفتد. ابعاد و عمق تخریب در جریان سیل در استان گلستان، واقعا فاجعه مهیبی است. تا اعماق جنگلهای این منطقه سیلابها بعضا تا صد درصد عرصه ها را ویران کرده اند. منطقه وسیعی از بوستان گلستان - که یک منطقه به اصطلاح

با رژیم آخوندی فاجعه های زیست محیطی گسترش می یابند!

سوال: همان طور که اطلاع دارید، سیل خیلی سنگین و ویرانگری در استان گلستان، در شمال ایران، جاری شده و خسارتهای جانی و مالی و محیط زیستی شدید و گسترده ای داشته است. برنامه تلویزیون رژیم، مورخ ۲۲ مرداد ماه از ۳۰۰ نفر کشته این سیل گزارش داده که خود این رقم سنگین خسارت جانی حاکی از اوضاع بحرانی آن منطقه است. علاوه بر این از خسارتهای گسترده به آبادیها و روستاها، راهها، کشاورزی منطقه، حتی عرصه های جنگلی گزارش شده است. شهر کلاله صدمه شدید دیده، مردم محل بعضا همه چیز خود را از دست داده اند. در برخی جاها حتی نان برای خوردن وجود ندارد. شمار زیادی نیز مفقود الاثر هستند. این سیل مهیب وسط تابستان پیش آمده و در عین حال هنوز هم از خشکسالی و کمبود آب و خسارتهای گرفتاریهای مربوطه صحبت می شود. همزمانی خشکسالی و سیلزدگی، به نظر عجیب می آید. می توانید کمی در این باره توضیح دهید؟

جواب: پیش از هر چیز اجازه بدید به همه خانواده های داغدار و مردم اسب دیده محل تسلیت بگویم. بعد از وقوع این سیل بی سابقه، اوضاع منطقه، همان طور که گفتید، تندبدا بحرانی شده است. یک روز پس از گزارش تلویزیون رژیم که شما اشاره کردید، حمرگزارای فرانسه اما، کشته سدگان سین استان گلستان را بالغ بر ۲۴۰ نفر و مفقودان را ۳۰۰ نفر ذکر کرد. همچنین باید از مصیبت سیل در شمال خراسان، با ۱۵ نفر کشته، سیل شدید در مشکین شهر، ۳۰ هرقریانی، سین در مینودشت و در اسفرائین هم یاد کرد. در همه این منطقه ها، سیلابهای سنگین خسارتهای وسیع به مراکز کشاورزی محل، راهها، یلها و خانه ها وارد کرده اند. علاوه بر قربانیان پیدا شده، شماری از مردم

سالم است که تغییرات عمیق جوی از جانب مراکز علمی ملل متحد اعلام شده اند و درباره کلیه عواقب و عوارض احتمالی اطلاعات به دولتها داده شده است، از جمله راجع به احتمال وقوع خشکسالی و کمبود نزولات آسمانی و نیز وقوع بارشهای ناگهانی و بعضا سنگین از طرفی، از دورتر از یک دهه پیش، شماری از کارشناسان برجسته ایرانی و اساتید دانشگاه نیز نسبت به اوضاع نامساعد منابع آب - اعم از آبهای جاری و زیرزمینی کشور - و نیز افزایش ضریب آلودگی و اتلاف منابع آبی موجود صریحا و به تکرار هشدار داده اند. شما می دانید که کمیسیون محیط زیست سوریا نیز در طول قریب ۸ سال عمر خود، به طور مرتب به این مشکلات پرداخته و به تأسی از ارا و نظرات اهل علم و تخصص مدام راه و چاه نشان داده است. ماحصل همه راهکارها و برنامه های حفاظت از منابع و پیشگیری از خطر هم یک دستورالعمل اساسی پیش نبوده است. مهمترین توصیه علمی و رهنمود تجربه شده عملی این بوده که جلوی تخریب پوشش گیاهی و جنگلی کشور را بگیرید.

هرچه پوشش گیاهی و جنگلی بیشتر و کیفیت آنها بهتر، خطر سیل و ویرانی و کم آبی نا زلتر. در ایران آلوده، اما، به خصوص در دهه اخیر، یک روند غارت فزاینده جنگلها و تخریب مداوم پوشش گیاهی داشته ایم. بنابراین، مصیبت بزرگ خشکسالی، یعنی کمبود و در عین حال اتلاف آب در ایران، در واقع یک فاجعه پیش بینی شده بوده و مقامها و مسئولان تراز اول و همه سطوح اداری و تصمیمگیری دقیقاً در جریان موقوف بوده اند. خلاصه، هیچ «بلائی آسمانی» در کار نبوده، «بلا» در واقع آخوندی بوده و هست. و این که می پرسید چرا در عین حال که

خشکسالی است، چنین سیلابهای مهیب جاری می شود، پاسخ در همان نابودی بیش از پیش پوشش گیاهی و فرسایش خاک کشور نهفته است، به خصوص در استانهای سابقا جنگلی.

سوال: در اصول کلی درست است. اما اگر ممکن است برای خوانندگان ما توضیح دهید که منظور آن سه طور مشخص چیست. بطور رسمی شود که باران در شرایط خشکسالی، به جای آن که عطش زمین را رفع و مزارع و کشاورزی را سیراب کند، به این صورت وحشتناک خرابی به بار می آورد؟

جواب: باران موقعی رحمت است که جذب زمین شود، نه این که به صورت سیلاب سنگین هجوم آورد. از نظر فنی، حجم عظیم آب و سنگینی سیل و بستر آسیب دیده، باعث این ویرانیها می شوند. ببینید، سابق، وقتی در یک منطقه ای مثل استان گلستان، که آبراه و رودخانه فراوان دارد، باران می بارید، هرچه قدر هم بارش تند و زیاد بود، باز پوشش انبوه جنگلی ضرب نزولات را می گرفت، حجم بارش را تقسیم می کرد، بخشی از آن را توسط برگها و شاخه ها نگه می داشت، بخش دیگر بارشها توسط زمین نرم و اسفنجی جنگلی جذب می شد. باقیمانده، یعنی بخش جاری شده بارشها نیر عمدتا در مسیر طبیعی آبراهها و رودها پخش و منتقل می شدند. فوق سطح رودخانه ها بالا می آمدند و کمی لبریزی شدند ولی سیل سنگین و کوبنده که شهر و روستا را خراب کند راه نمی افتاد. تا همین ۱۵ یا ۲۰ سال پیش مردم شمال کشورمان اصلا در آن جا هیچ سیل سنگین و ویرانگری به صورت کنونی - خاطر نداشتند. ولی حالا، تا باران یک دو ساعت می بارد، جریان قوی آب

اخبار کارگری ---

اتشی در زیر خاکستر

خبرگزاری ایسنا ۲۶ تیر- نماینده سندج در مجلس ششم، سرکوب و قوانین بیش از حد کنترلی را عامل تشدید بحرانهای کارگری دانست و خاطرنشان کرد: با محدود کردن آزادیهای فردی و اجتماعی و سرکوب کارگران نه تنها هیچ مشکلی حل نمی شود بلکه مشکلی بر مشکلات افزوده می شود. لذا ندادن حق آزادی و حق اندیشه به کارگر راه حل رفع این بحرانها نیست. وی بی توجهی به بحرانهای کارگری را عامل لطمه زدن به واحدهای تولیدی و صنعتی کشور دانست و گفت: وضعیت فعلی اشتغال اتشی در زیر خاکستر است و صبر بیکاران در حال لبریز شدن است و در این شرایط اگر در واحدهای تولیدی و خدماتی دچار بحران شویم، طبیعتا معضل تشدید می شود.

حق اعتصاب

کارواگر ۲۶ تیر- دبیر اجرایی خانه کارگر تشکیلات کرج گفت: در صورت عدم تصویب قانون بازتشیستی پیش از موعد توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، کارگران دست به تجمع و راهپیمایی خواهند زد.

پیرویز احمدی با اظهار نگرانی از وضعیت بحرانی کارخانجات ریشه این بحران را سیاستهای نادرست برخی از مدیران عنوان کرد و گفت: به آنان که مخالف قانون کار هستند، می گوئیم که حق اعتصاب را به کارگران بدهند، قانون کار ارزانی شما؟ وی به مشکلات کارگران شرکتی حامکو و سادان پور اشاره کرد و گفت: چنانچه مشکل این کارگران حل نشود، دست به اعتصاب غذا خواهیم زد تا فریاد مظلومیت آنان را به گوش مسئولان برسانیم.

پیرویز احمدی همچنین از برخورد ناتیست ماموران نیروی انتظامی با کارگران معترض جامکو و سادانپور در مقابل مجلس انتقاد کرد و گفت: وقایع این روز نشان داد که کارگران واقعا مظلوم هستند.

بیست و پنجمین روز تحصن جمعی از مرغداران

جمهوری اسلامی ۲۷ تیر- «جمع کثیری از مرغداران و نمایندگان اتحادیه های مرغداری سراسر کشور طی ۲۵ روز گذشته با تحصن در مقابل نهاد ریاست جمهوری خواستار رفع مشکلات صنعت مرغداری خصوصا کارشکنیها و سوء تدبیرهای مدیران شرکت پشتیبانی امور دام وزارت جهاد کشاورزی شدند. آقای عزیز صدیق از مرغداران شهرستان

میانه که طی ۲۵ روز گذشته در مقابل نهاد ریاست جمهوری مانده است درباره مشکلات صنف مرغداران گفت: مدیران شرکت پشتیبانی امور دام وزارت جهاد کشاورزی به جای اینکه با عوامل شکست صنعت طیور برخورد کنند با خود مرغداران برخورد می کنند و عجیب این که آنها ما را رقیب خود می دانند! اوی افزود: اگر آنها بر اساس مصالح ملی مدافع تولیدکنندگان و به موازات آن مصرف کنندگان بودند ما امروز مجبور نبودیم دادخواهی خود را به ریاست جمهوری ببریم و ۲۵ روز گرمترین فصل سال را بر روی آسفالت داغ خیابان سر کنیم.»

اعتراض کارگران ایران خودرو به عدم تشکیل شورای کارگری

جمهوری اسلامی عمرداد- کارگران شرکت ایران خودرو خواستار اعزام هیاتی توسط رئیس جمهوری جهت بررسی علل مخالفت مدیریت شرکت از تشکیل شورا شدند. به گزارش خبرنگار اقتصادی ایسنا، جمعی از کارگران شرکت ایران خودرو با ارسال ناپری به این خبرنگاری با بیان این مطلب مدعی شدند: متأسفانه مدیریت شرکت ایران خودرو تا نوسل به انواع ترفندها عملا چند سال است از تشکیل شورا جلوگیری می کند. این کارگران همچنین در این نصاب خاطر نشان کردند: در مجمع عمومی کارگران ایران خودرو (چهارم مردادماه سال جاری) که قرار بود نماینده هیات تشخیص صلاحیت انتخاب شود، برخی کارگران به دلیل ممانعت از ورودشان به شرکت، در این مجمع حضور نداشتند و حتی در ساعات اولیه نیز کار تعطیل شد.

تجمع کارگران شرکت داروگر در مقابل اتاق بازرگانی

خبرگزاری ایرنا ۲۷ تیر - جمعی از کارگران شرکت داروگر همزمان با محل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در تهران تجمع کردند. کارگران که پلاکاردهایی در دست داشتند، نسبت به اخراج حدود ۶۰ کارگر قراردادی این شرکت توسط مسئولان آن و استفاده از حدود یکصد کارگر یک شرکت پیمانکار به جای آنها، اعتراض داشتند. «منذر پیری»، یکی از کارگران معترض، به خبرنگار ایرنا گفت، حدود ۳ ماه است که حقوق نگرفته ایم و اخراج شده ایم. این در حالی است که چند تن از کارگران اخراج شده، در فروردین ماه امسال برای راه اندازی دستگاههای فرسوده، از مسئولان شرکت تشویق نامه دریافت کردند. وی از اینکه مسئولان وزارت کار تاکنون به

آنان پاسخ قانع کننده نداده اند، و نیز پاسخ مدیر امور اداری شرکت به مساله اخراج کارگران، انتقاد کرد. جعفر محمدی وکیل کارگران متحصن در مقابل اتاق بازرگانی با اشاره به سابقه شماری از کارگران اخراج شده (حدود چهار سال)، گفت، آنان در این مدت در کارهای سخت، بدون هیچ گونه مزایای رسمی، مشغول به کار بوده اند. وی فرار کارفرما از تعهدات و تقیدات قانونی اش در برابر کارگران را از دلایل اخراج آنها، عنوان کرد. کارگران مدعی بودند که مسئولان شرکت داروگر به آنان وعده پرداخت ۲۰۰ هزار تومان در مقابل باز خرید خدمت آنان را داده اند، اما این مبلغ تاکنون پرداخت نشده است.

بیکاری ۸۶۹ نفر از کارگران کارخانجات یزد بافت

جمهوری اسلامی ۲۸ تیر- ۸۶۹ نفر از کارگران کارخانجات یزدبافت یزد طی پنج روز دیگر بیکار خواهند شد و از اول مرداد، تحت پوشش بیمه بیکاری قرار خواهند گرفت. علت این کار تغییر ساختار در خط تولید کارخانه یزدبافت اعلام شده است. در استان یزد ۴۳۳ واحد نساجی وجود دارد که حدود ۲۳ هزار نفر کارگر در آنها مشغول به کار می باشند. بنا به گفته مسئولین اغلب واحدهای نساجی استان یزد، فرسوده هستند و تعدادی از واحدها جهت افزایش تولید و دستیابی به بازارهای جهانی، درصدد تغییر ساختار خط تولید می باشند.

ریزش تونل در معدن زغال سنگ

جمهوری اسلامی ۳۰ تیر - یک منبع مطلع در شهرستان رامیان گفت: بر اثر ریزش تونل شماره ۳ معدن زغال سنگ این شهرستان و در نتیجه افزایش گاز داخل آن، دو نفر از معدنکاران جان باختند. این منبع که خواست نامش فاش نشود در گفتگو با خبرنگاری جمهوری اسلامی، اسامی کشته شدگان این حادثه که روز چهارشنبه رخ داده است را "حضرت قلی مصطفی لو" و "قاسم کوهساری" ذکر کرد. وی گفت: پس از وقوع حادثه از ماموران امداد تقاضای کمک گردید، اما آنها با تاخیر در محل حاضر شدند. وی افزود: اجساد از داخل تونل بیرون آورده شده و برای خاکسپاری به شهرستانهای مینودشت و ازادشهر انتقال داده شدند.

خودکشی به دلیل بیکاری

جمهوری اسلامی اول مرداد- مردی ۲۵ ساله ای در ایذه خود را به دار آویخت. وی متاهل و دارای دو فرزند بود که به علت بیکاری و فقر، دچار

اختلافات تشدید خانوادگی شده بود. مدتی است در شهرستان ایذه، چندین خودکشی در بین افراد جوان و نوجوان به وقوع می پیوندد که فقر و بیکاری علت اصلی آنست.

کارگران ۳ کارخانه نساجی همزمان در اصفهان تجمع کردند

کیهان ۸ مرداد- «کارگران سه کارخانه نساجی اصفهان به طور همزمان در اعتراض به مشکلات موجود به تجمع و مسدود کردن خیابان دست زدند. بالغ بر ۵۰ نفر از کارگران کارخانه بافناز اصفهان مقارن ساعت ۸ صبح دیروز در اعتراض به مشکلات موجود با گذاشتن مانع در خیابان چهارباغ بالای اصفهان مانع عبور و مرور شدند. همچنین ۳۰۰ نفر از کارگران کارخانه رحیم زاده در محل کارخانه و حدود ۳۰۰ نفر کارگران کارخانه پروین نیز در محل اداره کل کار و امور اجتماعی دست به تجمع زدند و ضمن مطرح کردن مشکلاتی نظیر مشکلات کارگران کارخانه بافناز خواستار رسیدگی مسئولان شدند.»

تجمع اعتراض امیز در شهرضا

نوروز ۱۰ مرداد - به گفته یک منبع مطلع حدود ۱۰۰ نفر از کارگران واحد صنعتی "پاتله" شهرضا از توابع استان اصفهان در اعتراض به آن چه تاخیر در دریافت حقوق خود می خواندند در دو روز گذشته مقابل این واحد، اجتماع اعتراض آمیزی بر پا کردند. این واحد تولیدی در زمینه طراحی و ساخت، نصب، راه اندازی و نگهداری تجهیزات مربوط به دیگهای بخار و سازه های فلزی فعالیت می کند. وی که خواست نامش ذکر نشود، گفت پرداخت حقوق تیر ماه این کارگران چند روز به تأخیر افتاده بود. به گفته وی این واحد تولیدی وابسته به سازمان کسترش و نوسازی صنایع ایران است که حدود ۱۴۰ کارگر دارد.

تجمع کارگران کارخانه نساجی کاشان

روزنامه تهران تایمز ۱۱ مرداد- شماری از کارگران کارخانه نساجی کاشان در مقابل شورای شهر تجمع کرده و علیه پرداخت تنها قسمتی از حقوقشان دست به اعتراض زدند. به گفته یک منبع مطلع، این کارگران زیر پوشش بیمه بیکاری می باشند.

اعتراضات کارگری در اصفهان

روزنامه ایران دلیلی ۱۱ مرداد - شماری از کارگران کارخانه نساجی رحیم زاده اصفهان بولوار امام خمینی را در

اخبار کارگری —

بقیه از صفحه ۵
اعتراض به عدم پرداخت شدن حقوقشان طی چند ماه گذشته، مسدود کردند. حدود ۲۰۰ نفر از اعتراض کنندگان شکایت کردند که به علت نبود مصالح اولیه، این کارخانه در ظرفیت حداقل کار می کرده است.

تجمع اعتراض امیز کارگران کارخانه نساجی رحیم زاده اصفهان

خبرگزاری ایرنا: ۱۳ مرداد - حدود ۳۰۰ نفر از کارگران کارخانه نساجی "رحیم زاده" اصفهان (مرکز ایران) صبح روز شنبه و همزمان با کارگران واحدهای نساجی "بافناز"، "اجتماع" اعتراض امیز برپا کردند. این کارگران در اعتراض به دریافت نکردن حقوق و مزایای خود به مدت پنج ماه، در مقابل این واحد نساجی جمع شدند. کارخانه نساجی رحیم زاده که دارای ۸۰۰ کارگر است، توسط شرکای فامیلی اداره می شود و در ماههای اخیر، بارها شاهد برپایی اجتماعات کارگری بوده است. تجمع یاد شده حوالی ظهر امروز خاتمه یافت.

تجمع اعضای سندیکای کارخانجات چای شمال

خبرگزاری ایرنا: ۱۵ مرداد - تجمع اعضای سندیکای کارخانجات چای شمال ایران، که امروز (دوشنبه) در اعتراض به مدیریت سازمان چای، در محل استانداری گیلان برگزار شده بود، پایان یافت. مسئول اطلاعات و اخبار استانداری گیلان، در این زمینه گفت، این تجمع که از ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه آغاز شده بود، پس از گفت و گوی معاونت سیاسی استانداری گیلان با نمایندگان سندیکای کارخانجات چای شمال، پایان یافت. "نورالدین نورحسینی" افزود، در جریان گفت و گوهای انجام شده، مقرر شد، از سوی استانداری گیلان مشکلات کارخانجات به مقامات مسئول انعکاس داده شود. حدود ۷۰ نفر از اعضای سندیکای کارخانجات چای شمال، روز دوشنبه در محل استانداری گیلان در اعتراض به عملکرد مدیریت سازمان چای تجمع کرده بودند. شرکت کنندگان در این تجمع، خواستار رسیدگی به مشکلات کارخانجات چای سازی شدند.

تحصن کارگران کارخانه بافناز اصفهان

خبرگزاری ایسنا: ۱۵ مرداد - کارگران کارخانه "بافناز" اصفهان، امروز بار دیگر در مقابل سردر این کارخانه تحصن و خیابان اصلی شهر را مسدود کردند.

به گزارش خبرنگار اقتصادی ایسنا، کارگران این کارخانه علت تحصن خود را اعتراض به تاخیر چند ماهه به وجود آمده در پرداخت حقوق حویش عنوان کردند. یکی از متحصنین به خبرنگار ایسنا گفت: از آنجا که این کارخانه زیر نظر موسسه خیریه همدانیان می باشد، "کوهپایه"، رییس این موسسه، هفته پیش قول داد که ۵۰ میلیون تومان وجه در اختیار کارخانه قرار دهد تا حقوق کارگران پرداخت شود، ولی تاکنون هیچ اقدامی در این خصوص صورت نگرفته و این در حالیست که وی روز گذشته از مسئولیت خود کناره گرفت. "م.م" یکی دیگر از متحصنین افزود: ریاست سابق موسسه خیریه همدانیان، به استاندار و فرماندار اصفهان در مورد پرداخت حقوق کارگران قول مساعد داده بود، ولی تا به امروز به وعده خود عمل نکرده و مسئولیت خود را به شخص دیگری واگذار نمود. در حال حاضر نیز کارگران در بالاتکلیفی به سر می برند.

وی افزود: این موسسه، به دلیل تغییر ساختار و جابجایی مدیریت، ۹ نفر از کارگران خود را تحت پوشش بیمه بیکاری درآورده و حدود صد نفر از کارگران به رضایت خود باز خرید شده اند. مابقی نیز به دلیل نبود مواد اولیه از ۸ ماه پیش بیکار می باشند.

گفتنی است "سیاه مردان"، عضو شورای اسلامی کار کارخانه بافناز، در تحصن حاضر شده و متحصنین را به آرامش دعوت نمود اما کارگران همچنان به تحصن خود ادامه می دهند و ترافیک سنگینی را در خیابان "چهارباغ بالای" اصفهان بوجود آورده اند.

پایان تجمع اعتراض امیز کارگران "بافناز"

خبرگزاری ایرنا: ۱۵ مرداد - تجمع اعتراض امیز کارگران کارخانه نساجی "بافناز" اصفهان که از صبح روز دوشنبه آغاز شده بود، با وعده مدیر عامل این واحد تولیدی منی بر تحقق مطالباتشان، حوالی ظهر پایان یافت. تجمع کنندگان که حدود ۱۵۰ نفر تخمین زده می شدند، خواستار احقاق حق خود از سوی مسئولان امور شدند. مدیر عامل جدید "موسسه خیریه همدانیان" در سخنانی در جمع اجتماع کنندگان این کارخانه به آنها قول داد تا ۱۰ روز دیگر مشکلات فراروی آنان را مرتفع کند. کارخانه نساجی "بافناز" یکی از کارخانه های زیرمجموعه موسسه خیریه همدانیان است که به دلیل مشکلات سوی مدیریتی دچار وقفه در تولید شده است.

با رژیم اخوندی فاجعه های

زیست محیطی

گسترش می یابد

بقیه از صفحه ۴

سرازیر می شود و با کندن و بردن خاکهای فرسوده و سست یک سیلاب گل آلود و سنگین راه می افتد. خرابی و لای گرفتگی و فقدان ظرفیت رودها و آبراهها، کاررا خرابتر می کند. نه بستر آنها مهندسی می شود و نه ساحل و کناره رودخانه ها را به موقع درست می کنند. در چنین وضعی معلوم است که جریان سنگین و پر گل ولای یک حجم عظیم آب باعث طغیان شدید رودخانه می شود و سیلاب از کناره های بیرون می زند و در مسیر دیگری راه می افتد. و وقتی تمام رودخانه ها و آبراههای یک استان و یک کشور همین وضع اسفناک را داشته باشند، آن وقت به محض یک بارش چندساعته، هرمنطقه را آب می گیرد و سیلابهای مخرب هجوم می آورند، به خصوص اگر بارش در ناحیه ای کوهستانی روی دهد که شیب کوهستان سرعت و قوه تخریب را به طور تصاعدی افزایش می دهد. علاوه بر این، در سالهای اخیر، فرسایش خاکهای کشور در اثر خشکسالی تشدید شده. تصور کنید زمین یک منطقه سابقا جنگلی، در اثر نابودی پوشش گیاهی، دیگران حالت نرم و مرطوب و اسفنجی را ندارد، خشک شده و کم کم در اثر گرما به صورت یودر خشک زود از جا کنده می شود. خوب، به مجرد بارندگی شدید، این خاکهای خشک و سست از جا کنده و با جریان آب قاطی می شوند. به این صورت سیلاب با حجم عظیمی خاک فرسوده تبدیل به یک جریان بسیار سنگین گل آلود و کوبنده می شود. وقتی این سیلاب سنگین ازدامنه های کوهستانی بی درخت، یا کم درخت سرازیر شود، در واقع به یک نیروی مخوف و ویرانگر تبدیل می گردد که اگر در پایین کوه به آبراههای باز و مناسبی راه سرد و کانالیبره و یخس نشود، آن وقت بروز فاجعه حتمی است. وضعی که متأسفانه در استان گلستان و جاهای دیگر عینا اتفاق افتاده است. وقتی، این جریان سنگین و کوبنده وارد رودهایی می شود که ظرفیت حمل ندارند، چه می شود؟ سیلاب مهیب از کناره های خراب و آسیب پذیر رودها بیرون می زند و به طرف روستا و

شهر و مناطق کشاورزی هجوم می آورد و با آن وزن سنگین و الودگی شدید همه چیز را می کوبد و با کثافت می پوشاند. «گناه کبیره» در این قضیه، همان نابودی شدید و بی وقفه جنگلها و پوشش گیاهی است. این واقعیتی است که، به رغم دعاوی دولتی و مقامات مسئول، توسط برخی از اساتید و کارشناسان داخل صریحا بیان شده و من یک نمونه اخیر آن را برایتان می خوانم. از خبرگزاری ایرنا، ۲۲ مرداد، که موضع «یک عضو هیأت علمی دانشکده زمین شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران» را چنین نقل می کند: «تخریب پوشش گیاهی از عوامل جاری شدن سیلهای اخیر در ایران است... به رغم حرفهای زیادی که درباره حفظ جنگل در ایران زده می شود، جنگلها در کشور به سرعت در حال تخریب هستند.»

سؤال: بنابراین راه درمان این وضعیت فاجعه بار نیز غیر از بستن ابر حیا پوشش گیاهی، بله؟

جواب: این یک پاسخ فنی و

ساده به یک مساله پیچیده و عمیقاً عرفی در ابعاد کشوری است. وسعت تخریب پوشش جنگلی و گیاهی، نابودی آبراهها و خرابی رودخانه ها و فرسایش خاک در ایران به حدی است که بدون تغییر اساسی در سیاستگذاریهای کلان کشور و تحول آشکار و بنیادی در سمنگیریهای استراتژیک ملی حل این بحران محیط زیستی، یا حتا توقف روند تخریب امکان عملی پیدا نمی کند. با این و آن طرح مقطعی جنگلکاری و احیا عرصه - که تا سیل می آید حرفش را زیاد می زنند - به هیچ وجه نمی شود دینامیس فاجعه محیط زیست ایران را متوقف کرد و دور باطل را شکست. سیاستهای کلان توسعه پایدار و آبخیزداری، مناقرادادن حفظ و بهبود منابع طبیعی کشور در سیاستگذاریهای درازمدت و الویت دادن به روشها و برنامه های پیشگیری، در عین آمادگی برای مقابله با رویدادها، اینها همگی مستلزم یک تحول و دگرگونی عمیق سیاسی است که با ادامه نظام ولایت مطلقه فقیه و غارتگریهای بی مهتابی آن تدنی نیست. در صورت ادامه این رژیم، متأسفانه باید گفت فاجعه های محیط زیستی و مردمی با زهم گسترش و ژرفای مهیتر پیدا می کنند.

یادداشت و گزارش

اش مفسر

otanes_mofasana@hotmail.com

کشمکشهای بعد از انتخابات

بالاخره دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی با مراسم تحلیفی که در پی کشمکش مجلس با قوه قضائیه کمی تاخیر بر گزار شد، آغاز شد. کشمکش بر سر انتخاب سه حقوقدان از شش حقوقدان شورای نگهبان بود. بنا بر اصل ۹۱ قانون اساسی رژیم مجلس ناگزیر است حقوقدانان شورای نگهبان را از بین کسانی که قوه قضائیه معرفی می کند انتخاب کند. در این ماجرا جناح ۲ خردادی تصمیم گرفت کمی مزه لچ بازی را به جناح هار بچشاند، حقوقدانان شورای نگهبان بنا بر این نامه و مقررات رژیم باید با رای اکثریت مطلق (نصف به علاوه یک) نمایندگان حاضر در جلسه انتخاب بشوند. بنابراین بدون رای مثبت نمایندگان خردادی، جناح هار نمی توانست برای حقوقدانان مورد نظر از مجلس رای تأیید بگیرد. چرا که تعداد نمایندگان متعلق به جناح هار به اضافه مرده ها و دارنگان "موضع لغزنده" بیش از هیمین شصت و چند نفری که بعد از اعلام نظر مجمع تشخیص مصلحت به حقوقدانان مورد نظر جناح هار رای دادند، نیست. اگرچه در این ماجرا خامنه ای بازمه ستابزده به نفع جناح هار وارد معرکه شد و در پیامی به رئیس مجلس خواهان به تعویق افتادن مراسم تحلیف تا انتخاب حقوقدانان شورای نگهبان شد، پیامدهای ماجرا نشان داد که هرچه ولی فقیه بیشتر از موضع مقام معظم رهبری وارد معرکه می شود و در امری دخالت می کند، به قول آن مرد عشیره بی فیلم "عروس اتش" بیشتر خود را "خنده زار" خاص و عام می کند، البته به انرجار سست به خودش هم دامن می زند.

خامنه ای از "کیان" ولی امر مسلمین برای دعوای جناحی، به طور جانبدارانه مایه می گذارد، در عوض جناح مقابل بدون جفتک انداختن و بستن تیزی به ریش مقام معظم رهبری، در ازای سیخونکی که دریافت کرده، به کشیدن آنچه بارش کرده اند تن در نمی دهند. خامنه ای که خود با دخالتش ساعت گره خوردگی بیشتر مسأله شده بود وقتی مسأله بین مجلس و قوه قضائیه به بن بست رسید، این بار سعی کرد شکل قانونی به کارش بدهد؛ به همین خاطر با توسل به بند ۱۸

اصل ۱۱۰ قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام را فرا خواند که سر گاوی را که قوه قضائیه بود و در حمره مجلس گیر کرده بود از حمره خارج کند. راه حلی که عقلای رژیم برای این مشکل پیدا و به خامنه ای

ارائه کردند این بود که معیار انتخاب به جای اکثریت مطلق به اکثریت نسبی تغییر کند. خامنه ای این نظر را پذیرفت و آن را برای زور چپان کردن دو حقوقدان مورد نظر به اکثریت ۲ خردادی مجلس، چاره ساز دید. اما همانطور که همگان اطلاع دارند، نمایندگان جناح ۲ خردادی با یک همصدایی و همستگی کم سابقه، با دادن رای سفید به حقوقدانان مورد نظر جناح هار، هم به صلاح دید مقام معظم رهبری، هم به مجمع تشخیص مصلحت نظام از آن کارها کردند. این دو حقوقدانان با اکثریت نسبی و با تعداد ۶۷ و ۶۲ رای به شورای نگهبان راه یافتند در حالی که تعداد نمایندگان حاضر در جلسه ۲۴۳ نفر بود. گزیدگی جناح هار از این امر را می شود از مقاله روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷ مرداد دریافت که اقدام اکثریت ۲ خردادی را با مخالفت آن ۹۹ نفر نماینده با نخست وزیر سدن میر حسین موسوی برای دوره دوم که بر خلاف توصیه حمینی عمل کردند مقایسه کرد و این اقدام اکثریت را یک امتیاز منفی برای آنان دانست و آنها را به خاطر رویا رویی با رهبر و مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد سرزنش و تقیح قرار داد.

خاتمی از اولین ساعات آغاز دور دوم ریاست جمهوری با پاسخی که به سوال خبرنگاری در باره تعطیل و توقیف سدن روزنامه ها داد، باعث حیرت و در عین حال سرخوردگی حامیان و سینه چاکانش شد. او گفت از کجا معلوم که توقیف روزنامه و زندانی شدن روزنامه نگاران غیر قانونی بوده است. تذبذب خاتمی که از زبونی و فرصت طلبی او سرچشمه می گیرد، بار اول نبود که چنین سبب نمایان شدن چهره واقعی او، یعنی تزویر و ریا کاریش شد. خاتمی در معرفی کابینه اش دو روز بعد از مراسم تحلیف شگفتی بررکنری آفرید و سرو صدای ۲ خردادیه را در مجلس و بیرون مجلس را در آورد. قاسم شعله سعیدی از نمایندگان سابق مجلس رژیم در مصاحبه بی با یکی از رادیو های برون مرزی ضمن انتقاد از این عملکرد خاتمی و این که اگر به جای خاتمی بود حتی منتظر نمی ماند که برای بار دوم رئیس جمهوری شود بلکه بعد از انتخابات مجلس ششم که اکثریت آنرا اصلاح طلبان تشکیل دادند، دست به ترمیم کابینه می زد، یاد آور شد که بی توجهی خاتمی به مطالبات مردم ممکن است او را دچار سرنوشته رئیس جمهور قبلی یعنی رفسنجانی کند که چگونه بعد از پایان دوره دوم وقتی خواست در انتخابات مجلس شرکت کند با آن واکنش منفی مردم رو به رو شد و ناچار شد با وضع بدی صحنه را ترک کند.

بهاءالدین ادب نماینده سندنجد در مجلس رژیم نیز در گفتگو با رادیو فرانسه در روز ۲۲ مرداد، ضمن انتقاد از عملکرد

خاتمی تنها احتمال خوشبینانه بی که برای عملکرد خاتمی در معرفی کابینه در نظر گرفت، این بود که ممکن است او تحت فشار هایی ساگزیر به چنین انتخابی دست زده و کار را به عهده مجلس گذاشته و این مجلس است که باید به افرادی که توانایی لازم برای انجام مسئولیتهایی که به آنان واگذار شده ندارند، رای ندهد. برخی اظهار نظرها حتی تا احتمال رد صلاحیت تا ده وزیر یعنی نیمی از افراد معرفی شده را بعید ندانسته اند. مسأله عدم حضور حتی یک زن در بین افراد معرفی شده از سوی خاتمی و تشکیل کابینه یکدست مردانه هم جای خود دارد. به هر حال تردید نیست که این کوه «۲۱۰ میلیون» رای «مثل آن کوه» ۲۰۰ میلیون «چهار سال پیش اگر چیزی بزیاید جز موش نخواهد بود و به طور کلی تا رژیم سرکوبگر و فاسد روضه خوانها و قانون اساسی ولایت فقیه بر جامعه حاکم است خیری از آزادی و دموکراسی و گشایشی در زندگی مردم نخواهد بود. "سید مظلوم" که تعهد و التزام عملیش را به ولایت فقیه و قانون اساسی ارتجاعی آن و حفظ مرز بین خودی و غیر خودی را بارها نشان داده، حالا در آغاز دوره دوم باعث سر خوردگی و خشم کسانی شده که چهار سال پیش به او دخیل بسته بودند.

تولد دیگر

روزنامه کیهان ۱۸ مرداد خبر داد که ایست الله موسوی اردبیلی در یک سخنرانی در اردبیل از این که اخیرا از بابک خرمین به عنوان یکی از مفاخر اردبیل و آذربایخان تجلیل می شود اظهار تاسف کرد و گفت که: "منطقه اردبیل در طول تاریخ شخصیت های بزرگ علمی و دینی و مذهبی را تحویل جامعه داده است اما به جای آرج نهادن به چهره هایی که برای منطقه افتخار آفرین بوده اند، اینک چهره هایی چون بابک به عنوان مفاخر این منطقه مطرح می شوند". موسوی اردبیلی مدعی شد که بنا بر آنچه خود او در تاریخ خوانده بابک شهر اردبیل را تاراج کرده در منطقه عرشه اردبیل به اندازه موی سر به کشتار مردم اقدام کرد. پدر کشتگی موسوی اردبیلی و سایر سردمندان رژیم با قهرمانان و مفاخر ملی مردم ایران تجبجی بر نمی انگیزد. چون هر حرکتی که در ایران برای مردم و برای آزادی ضد استبدادی بوده، منافع آخوندهای بی پدر مادر سفاک حمینی صفت را به خطر می انداخته است. هم چنانکه اینان با مبارزان انقلاب مشروطیت، با مصدق و با مبارزان قهرمان فدایی و مجاهد دوره شاه کینه و دشمنی دارند. اما در مورد بزرگداشت بابک خرمین، — بابک که مظهر مبارزه با اجداد موسوی اردبیلی و حمینی و خاتمی و خامنه ای است — در اردبیل، اهمیت مسأله این

است که این رویداد اقدامی از سوی گروهی روشنفکر با دانشجو و استاد دانشگاه صورت سوده است، بلکه اقدامی خود جوش و مردمی بوده که بر خلاف کارشکنیهای مقامات رژیم در منطقه، مردم به برگزاری آن پای فشردند و آنرا عملی کرده اند. رادیو فرانسه در شامگاه روز انتشار اظهارات موسوی اردبیلی در کیهان ۱۸ تیر - ۹ اوت، مصاحبه ای دانست با یک پژوهشگر ایرانی به نام ضیاءالدین صدر الاشرافی که از لجه اش به نظر می رسد که از مردم آذربایجان است. او که با سابقه امر آشنا بود در مورد چگونگی و آغاز این ماجرا گفت که ابتدا سال قبل مردم روز ۹ و ۱۰ تیر ماه برای بزرگداشت روز تولد بابک خرمین عازم محل قلعه بابک در منطقه ارسباران در دامنه سیلان شدند. بوی افزود مقامات محلی در برابر این اقدام مردم کارشکنی بسیار کردند و حتی فروش نان و آب را به کسانی که عازم شرکت در این مراسم بودند، ممنوع کرده بودند. مسافران را کنترل می کردند و ساز «عاشقها» را از آنان می گرفتند اما به هر ترتیب عدد بی توانسته بودند سازها را بدون کشف شدن، از کنترلها عبور دهند. عده ای هم شب را در کوه گذرانده بودند تا بتوانند در جشن روز تولد بابک شرکت کنند. بوی یاد آور شد که اقدام مردم سال قبل خود جوش و ساگهانی بود و شرکت کنندگان از اهالی منطقه و آذربایجان بودند. اما امسال حشر بزرگداشت روز تولد بابک شرکت کنندگانی از همه جای ایران داشت و چون کارشکنیهای رژیم در سال قبل با اعتراض شدید مردم رو به رو شد، امسال رژیم کارشکنی نکرد. ایس پژوهشگر در پاسخ به این سوال که چرا آیت الله موسوی اردبیلی از بزرگداشت بابک خرمین اظهار تاسف کرده است گفت: «بابک مظهر ضدیت علیه اسلام و عرب تلقی می شود، مردم در عین اینکه به بابک حرمت قائل می نسوند، بیش آن در واقع یک نوع ابزار مخالفت با شیوه اداره امور و با حققان موجودی است که بخشی از فرهنگ منطقه و مردم و کل ایران را زیر سوال برده اند و به آن جنبه سیاسی و خط ایدئولوژیکی داده اند، مردم با این مخالفت می کنند. بابک هم بهانه ایست مثل بهانه های دیگر». واقعا شکلها و راههایی که مردم برای ابزار مخالفت و واکنش در برابر رژیم منحوس و ضد ایرانی و مرگ اندیش روضه خوانها پیدا و ابتداء می کنند شگفت انگیز است. همین مورد شاید برای نسلهای آینده نمونه بی بسیار گویا از راز جاودانگی ایران و ایرانی باشد و به آنها بیاموزد که نیاکان و گذشتگان آنان در تاریکترین ایام و در برابر سخت ترین توفانها چگونه توانسته اند پایدار بمانند و چگونه توانسته اند بقیه در صفحه ۸

یادداشت و گزارش

بقیه از صفحه ۷

هویت تاریخی و فرهنگی خود را در برابر یورش اجداد خمینی خامنه ای و خاتمی (حمله اغراب) و یورش اجداد رفسنجانی و رحیم صفوی و موحدی کرمانی (حمله مغولها) حفظ کنند. در زمان شاه هم البته در کتابهای درسی تاریخ در مورد بانک به اشاره کوتاهی بسنده شده بود چون شاه هم نمی توانست نظر خوشی به بابک داشته باشد چرا که بابک از میان مردم بر خواسته بود و شاهزاده نبود، و در ضمن "سرخ جامه" بود. اما به فکر کسی هم نمی رسید که مثلا به عنوان ابزار مخالفت با شاه به طور پنهانی هم شده روز تولد او را جشن بگیرند. به هر حال جشن گرفتن روز تولد بابک "کبر" با ساز و آواز آنهم توسط مردم منطقه اردبیل که از شهرهایی که دارای مردمی "مذهبی" است، شناخته می شود مساله ایست که به اعتقاد من جای مطالعه دارد. من بر این باورم که این حکومت ارتجاعی و زندگی سوز که پایه های قدرتش را بر جهل توده استوار کرد و امام خمینی - که مرقدش توطئه گاه کردشگران ایران و جهان باد - با سوء استفاده از همین جهل و ناآگاهی از آنان قربانی بسیار گرفت، سب بوجود آمدن نوعی باز شناسی و باز اندیشی در تاریخ و سبب نوزایی فرهنگی در جامعه شده که البته خواست رژیم موده بلکه واکنش مردم در برابر رژیمی بوده که می خواسته از آنان سلب هویت کند و به آنان به عنوان صغیر و ناقص العقل که نیاز به قیم دارند یا گله گاو و گوسفند که باید چوپانی آنان را از اغل به چراگاه و بالعکس هدایت کند نگاه کرده است به همین خاطر است فرهنگ و هنر هم وسیله و هم زمینه یی شده برای اظهار وجود و حفظ هویت و اعلام استقلال در برابر رژیم. نفرت از تفکر و فرهنگ آخوندی چنان است که گاه روزنامه ها یا کسانی از عناصر جناح هار مثل حسین صفار هرنندی، دست اندر کاران انجمنهای اسلامی دانشجویان را متهم می کند که زمزمه هایی در بین آنان شنیده می شود که می خواهند صفت اسلامی را از عنوان انجمن خود بر دارند. ماجرای نمایشنامه "کنکور وقت ظهور" را هم به یاد دارید، هم چنانکه عربده کشیهای یاسنار نقدی و بی تابی او برای ریختن خون نویسنده ان و دست اندرکاران آن نشریه دانشجویی متعلق به انجمن اسلامی که نمایشنامه را چاپ کرده بود. بر این باورم که اگرچه زیر فشار اقتصادی و سرکوب بخشی از نسل جوان قربانی و تباه می شود، به دام اعتیادی و قاچاقی و کارهایی از این دست کشیده می شود. اما بخشی دیگر به فرزانی چشم گیری دست یافته که

وقتی آدم اظهار نظرهای آنان را در مورد مسائل رور می شنود، از تیز بینی آنان شگفت زده می شود. به همین خاطر معتقدم اگر به آن چه از بعد از روی کار آمدن خمینی در ایران اتفاق افتاده، خارج از ظرف زمان، خارج از افت و خیزهای دیروز امروز و در بستر مبارزات مردم ایران برای آزادی و دموکراسی نگاه کنیم می بینیم که به رغم آن همه کشتار و اعدام و به رغم هشت سال جنگ، جنگی که پوششی برای سرکوب مردم و قتلگامی برای جوانان میهن بود، مبارزه مردم برای آزادی و دموکراسی نه تنها متوقف نشده بلکه اگرچه با سرعتی آهسته اما در بستری عمیق جریان یافته و جریانی چنان نیرومند است که بخشی این رژیم ویرانگر که اسم اصلاح طلب بر خود نهاده برای این که رژیم را از ویران شدن در اثر این جریان نیرومند نجات دهد راه تملق گویی از مردم پیش گرفته و مزورانه تلاش می کند خود را همسو با خواست آنان نشان دهد. من بر این باورم که از پس آن افسون زدگی و مسخ شدگی توسط امامی که عکسش در ماه افتاده بود، به راستی ملتی در حال تولد است که ویژگی آن خود باوری است و ایمان به نقش آفرینی خویش. بر جری از احبار مربوط به تظاهرات یا گردهماییهای دانشجویان شاید خواننده باشد که "یار دبستانی من" را خوانند. خیلی مایل بودم بدانم که این سرود چیست که ایقدر برای این جوانان دانشجو جاذبه دارد و انگیزاننده است. نسخه یی از آن به دستم رسیده است. اطلاع ندارم کی و به چه مناسبت ساخته شده شاید هم مربوط به موزیک متن فیلمی باشد، به هر حال در شعر آن، به رغم هر صفت شعری یا غیر شعری که اهل فن ممکن است در آن بیابند، اعتراض به سرکوب و نشانه های آن خود باوری که گفتم به روشنی دیده می شود و جاذبه این سرود برای جوانان دانشجو هم به گمان من در همین است. شعر این سرود پایان بخش یادداشت و گزارش این شماره است.

یاردبستانی من

بامن و همراه منی

چوب الف بر سرما

بعض من و او منی

حک شده اسم منو تو

رو تن این تحت سیاه

ترکه بیداد و ستم

مونده هنوز رو تن ما

دشت بی فرهنگی ما

هرز تمام علفاش

خوب اگه خوب بد اگه بد

مرده دلای ادماش

دست منو تو باید این

پرده ها رو پاره کنه

کی می تونه جز منو تو

درد ما رو چاره کنه

کابینه خاتمی و کشمکش آن

— اناهیتا الف

در ماه گذشته کشمکش بین مجلس و قوه قضائیه بر سر انتخاب حقوقدانان شورای نگهبان و نامه خامنه ای به رئیس مجلس ارتجاع مراسم تحلیف ریاست جمهوری را به تأخیر انداخت. ولی فقیه با نامه ای به مجمع تشخیص مصلحت نظام حواستار یک تنشست فوق العاده برای بررسی این موضع شد و در پایان این ماجرا دو حقوقدان توسط رای نسبی نمایندگان، انتخاب شدند. این مساله عملاً نشان داد که نظر نمایندگان مجلس ارتجاع مهم نیست و نقش مجلس، در حاکمیت استنادی - مذهبی، رأی دادن به افراد مورد نظر ولی فقیه است و نمایندگان مجلس در نهایت مطیع اوامر ولی فقیه هستند. برخورد ولی فقیه در مورد لایحه مطبوعات و وجود نهاد شورای نگهبان تحت فرمان ولی فقیه برای رد کردن هر لایحه خلاف نظر ولی فقیه و اقدام ولی فقیه در رابطه با انتخابات حقوقدانان شورای نگهبان همگی آهنگی است که گوش مردم ایران با آن آشنایی دارد و جنبش مردمی در طی این مدت که از مجلس ششم می گذرد متوجه شده اند که این مجلس به اصطلاح اصلاح طلب حتی نتوانسته حداقل منافع مردم را تأمین کند و اصلاحات در گام اول یعنی در نطفه خفه شده است. اتحاد تاکتیک شعار، عقب نشینی که همواره مورد نظر جناح به اصطلاح اصلاح طلب بوده، دست این جناح را برای مردم هر روز بیشتر از روز دیگر رو کرده است و جنبشهای اجتماعی مردم ایران برای رسیدن به آرمانهای واقعی خود که همانا سکولاریزم، دموکراسی و عدالت اجتماعی است صف خود را از موعظه حوانبهای دروغین به اصطلاح، اصلاح طلبان جدا کرده و خود را به مرور زمان سازمان داده و رادیکالیزه می کند تا ساختار سیاسی کنونی را دگرگون سازد. با وجود نهاد ولی فقیه، انحصار قدرت در قوه قضائیه و شورای نگهبان و با وجود ارگانهایی مانند بسیج، سپاه و دیگر نیروهای مسلح که برای سرکوب پایه ریزی شده اند، نمی توان تغییر و تحولی بنیادین در کشور ایجاد کرد. این امر محتاج جسارت سیاسی و ملاک قرار دادن منافع توده ها است. تجربه رفسنجانی از مضمون خوبی برای کسانی است که "حفظ نظام" را بر خواست و منافع توده های زحمتکش ترجیح می دهند.

با تمام این احوال و کشمکشها مراسم تحلیف خاتمی نیز به پایان رسید. خاتمی دوباره سوگند خورد و گفت: «حکومت موظف به ایجاد فضایی امن برای برخورد آندیشه ها و رأیها در چارچوب ضوابط اسلام و قانون اساسی است.» وی مردم سالاری دینی را هدف خود و مورد نظر رهبری دانست!!

خاتمی در مراسم تحلیف ریاست جمهوری در حضور رهبرش و سران قوای سه گانه و اعضای شورای نگهبان، نمایندگان خبرگان، و ائمه جمعه رهبری را محور نظام و در رأس همه قوای آن و آهنگ بخش حرکت نظام خواند و رئیس جمهور را بعد از رهبری مظهر اراده ملی و رئیس قوه مجریه و مسئول اجرای قوانین اساسی جز در مواردی که مربوط به رهبری می شود دانست، وی گفت: «رهبری محور نظام و مقام اول کشور است» و «رهبر را پاسدار اسلامیت نظام و مدافع قانون اساسی و نگهبان حق و حرمت مردم دانست.» وی در فقدان خمینی، وجود خامنه ای را باعث تداوم و استحکام حاکمیت سنگین جمهوری اسلامی دانست. خامنه ای نیز مردم سالاری دینی را حقیقت زنده و درخشان نظام جمهوری اسلامی خواند و متعادل و آرام نگه داشتن فضا از طریق منبرها، روزنامه ها و تریبونهای نماز جمعه و مجلس و صدا و سیما تأکید کرد. خامنه ای نیز اصلاح تسد!! او نیز از مردم سالاری دینی که ابتکار خاتمی بود استفاده کرد...

بحث کابینه خاتمی طی چندین هفته گذشته یکی از مهمترین مباحث روزنامه ها و دغدغه جناحها و باندهای حاکمیت بود. راه چمنی دبیر کل حزب همسنگی از تغییرات حداقل ۳۰ درصد کابینه آینده خبر داد. (ایسنا ۳ مرداد) و فاطمه رانکمی در مقابل سؤال خبرنگار در مورد اقدامات رئیس جمهور برای تغییرات اساسی و بنیادین در کابینه گفت اکنون مثل دوره قبل نیست که فشارهایی از سوی جناح مقابل باعث انتخاب برخی از وزراء شود. چرا که قوه مقننه و مجریه دست اصلاح طلبان است. (آفتاب یزد ۷ مرداد). اما با نگاهی به کابینه ای که خاتمی ارائه داد معلوم می شود که کابینه دوم خاتمی همان کابینه اول است و تغییرات چیزی جز حابه جایی مهره ها نیست. کابینه متکی بر نمایندگان سرمایه دار تجاری و سوزواری بوروکراتیک جدید است و نمی تواند هیچ گامی در راستای به تحقیق رساندن آرمانهای مردمی بردارد. حل معضصل و رشکستگی و رها شدن از بندهای اقتصاد تک محصولی و مهمتر از همه کاهش فشارهای کمرشکن اقتصادی، گرانی و تورم افسارگسیخته را نمی توان با جابه جایی مهره ها در درون کابینه ای که معتقد است که راه برون رفت از این معضلات خصوصی سازی بیشتر و ادامه سیاست تعدیل اقتصادی است، حل کرد. دوران دعای خیر و موعظه و نصیحت به سر آمده است. نگاهی به جنبشهای اجتماعی مردم ایران و جنبشهای کارگری در هفته های اخیر نشان می دهد که حل این معضلات فقط با شرکت نمایندگان قشرهای محروم جامعه در تصمیم گیریهای کلان، امکان پذیر است. اعلام کابینه جدید، چیزی جز دهن کجی به مطالبات حقیقی مردم ایران نیست.

بیانیه شورای ملی مقاومت ایران در باره انتخابات ریاست جمهوری رژیم، فعالیت‌های مقاومت و خیزهای اجتماعی

در پنج‌هفتمین سال انتخاب دکتر محمد مصدق به نخست وزیری و در سالگرد قیام ملی و تاریخی ۳۰ تیر روز فراموش نشدنی و پرافتخاری که در سال ۱۳۳۱ پیشوای نهضت ملی و ضداستعماری مردم ایران را به قدرت بازگرداند،

در بیستمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران در ۳۰ تیر سال ۱۳۶۰ که با ابتکار تاریخی و جسورانه آقای مسعود رجوی صورت گرفت،

همزمان با بیستمین سالگرد ۳۰ خرداد سرآغاز مقاومت مسلحانه و روز شهیدان و زندانیان سیاسی،

با گرمیادداشت یاد و خاطره زنان و مردانی که در سال‌های حاکمیت استبداد مذهبی در راه کسب استقلال کشور و آزادی مردم و نیز تحقق دموکراسی، عدالت و پیشرفت به شهادت رسیدند، و با گرمیادداشت سالروز بنیانگذاری ارتش آزادیبخش ملی ایران و خاطره رزمندگان دلیر ارتش آزادی و همه زنان و مردانی که در فاصله دو نشست شورا در عرصه نبرد با رژیم استبدادی حاکم جان باختند

شورای ملی مقاومت ایران اجلاس بزرگ سالانه خود را در پایان تیرماه به مدت سه روز با شرکت ۵۵۲ تن از اعضا، با حضور رئیس جمهور برگزیده مقاومت خانم مریم رجوی برگزار نمود.

اعضای شورای ملی مقاومت پس از استماع گزارش مسئول شورا درباره تحولات سیاسی کشور، فعالیت‌های شورا و کمیسیونها و نمایندگیهای آن و هم چنین استماع گزارش فعالیت‌های مقاومت سراسری در داخل کشور به بررسی و بحث و مشورت پیرامون مهمترین رویدادها در فاصله دو اجلاس شورا پرداختند و به نتایج زیر رسیدند:

بخش اول

بررسی مواضع شورا در چهار سال گذشته

در دوره اول ریاست جمهوری خاتمی، شورای ملی مقاومت ایران دو قطعنامه و دو بیانیه در مهر ۱۳۷۶، آذر ۱۳۷۷، فروردین ۱۳۷۸ و خرداد ۱۳۷۹ تصویب کرد و در آنها مواضع خود را به طور صریح و روشن پیرامون تحولات سیاسی کشور اعلام نمود.

در اجلاس اخیر شورا، مسئول شورا به هنگام بحث و بررسی مسائل سیاسی پیشنهاد کرد که این چهار سند مورد بررسی و ارزیابی مجدد قرار بگیرد. اجلاس شورا با قبول این پیشنهاد، یک بار دیگر مواضع خود را پیرامون موقعیت رژیم، ماهیت خاتمی، وضعیت مقاومت سازمانیافته و شرایط جنبش اجتماعی مردم ایران به تفصیل مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که صحت خطوط

کلی و مواضع اساسی اتخاذشده توسط شورا طی چهار سال گذشته در جریان عمل به اثبات رسیده است.

از این رو شورای ملی مقاومت ایران لازم می بیند برخی از مهمترین مسائلی و مواضع اتخاذ شده را مورد تأکید قرار دهد:

۱- ناکام ماندن تلاش خامنه ای و باند او برای قبضه کردن کامل قدرت در این انتخابات و شکست فاحش کاندیدای ولی فقیه از رقیبش چنان تغییری در صحنه سیاسی به وجود آورده که تصور هرگونه بازگشت به شرایط پیش از اخرداد را به رؤیایی پوچ و تحقق ناپذیر مبدل کرده است. وضع جدید، که نمایش کاملی از ناتوانی نظام ولایت فقیه و ریزش شتاب گیرنده نیروهای آن است، از نظر توازن قوای درونی رژیم و نیز از نظر توازن قوا بین رژیم و مردم، تداعی کننده گسستگی رژیم شاه در دوران پایانی عمر خود می باشد. (قطعنامه مهر ۷۶).

۲- رژیم ضدبشری و ارتجاعی حاکم بر میهنمان بر استبداد مذهبی و ولایت فقیه استوار است و تمامی دسته بندیهای درونی آن، از جمله باند خاتمی، در سرکوب مردم، ترور مخالفان و صدور ارتجاع و بنیادگرایی اشتراک نظر و اشتراک منافع دارند و تا آن جا که به مقابله با خواستههای دموکراتیک و ترقیخواهانه مردم ایران برسی گردد، هیچ تضادی با یکدیگر ندارند نظام ولایت فقیه به دلیل تضاد ماهیتش با حداقل حقوق شهروندان، قابلیت رفرم، گشایش، اصلاح و استحاله ندارد. (قطعنامه مهر ۷۶)

۳- رژیم ضدبشری ولایت فقیه راه که غاصب حقوق مردم ایران است، در تمامیتش با شعار مرگ بر خامنه ای - مرگ بر رفسنجانی - مرگ بر خاتمی نفی می کنیم و برای هیچ یک از جناحهای ذره بی مشروعیت قائل نیستیم. (بیانیه ملی ایرانیان - آذر ۷۷)

۴- از آن جا که موجودیت و قانون اساسی رژیم آخوندی بر سلب حق حاکمیت ملت مبتنی است و از آن جا که این رژیم با اعدام یکصدویست هزار تن از آگاهترین و فداکارترین فرزندان مردم ایران، با شکنجه و قتل عام زندانیان سیاسی، با سرکوب و کشتار اقلیت‌های ملی و مذهبی، با جنگ ضدمیهنی، با صدور خفقان مطلق و با برقرار کردن خفقان مطلق و با محازات‌های وحشیانه بی مانند سنگسار، دریایی از خون بیس خود و مردم

ستم‌دیده ایران ایجاد کرده است، دفاع از این رژیم و هر یک از جناحهای آن و برقرار کردن رابطه با آنها، ایامال کردن خون شهیدان و دشمنی با آزادی و حاکمیت مردم ایران است. طرد کامل

رژیم ولایت فقیه، مرز متمایز و خط قرمز یکبار آزادی به شمار می رود. عبور از این خط قرمز که حصار حیاتی و مرزبندی ملی ایرانیان در برابر حاکمیت آخوندی است، هر فرد با جریان سیاسی راه، هر چند سابقه یا داعیه مخالفت با رژیم داشته باشد، از جرگه مخالفان رژیم خارج و به ورطه خیانت می کشاند. (بیانیه ملی ایرانیان - آذر ۷۷)

۵- بیانیه ملی ایرانیان، که مصوبه شورای ملی مقاومت ایران است، از ارزشمندترین سندها و مصوبات مقاومت شمرده می شود. بیانیه ملی، که با مرزبندیهای اساسی خود هویت سیاسی ایرانیان میهن دوست و آزادیخواه را تعریف و مشخص کرده است، معیار تشخیص دوست از دشمن و منای قابل اتکای تنظیم رابطه با همه افراد و جریانهای سیاسی و جذب و دفع نیروهاست. (قطعنامه فروردین ۷۸)

۶- بالاگرفتن جنگ حناچه، محصول تضاد آشتی ناپذیر مردم با نظام ولایت فقیه و ناتوانی و بن بست کل رژیم ارتجاعی پس از وقوع سومین شقه در رأس آن است، رژیمی که ضربات و تهاجمهای سیاسی و نظامی مقاومت آن را از این پیش تر شقه و بی آینده کرده و به بن بست رسانده بود، وگرنه می توانست مانند رژیم شاه (در سال ۱۳۴۱) با مانورهای فریبکارانه خود را برای یک دوران از بن بست بیرون بکشد و تثبیت کند. (قطعنامه فروردین ۷۸)

۷- سه سره شدن رژیم، پدیده جدیدی را در جامعه به وجود آورده که هر روز ابعاد گسترده تری می یابد. این پدیده، فعال شدن پایه اجتماعی جنبش مقاومت سازمانیافته است که در پیوند با جایگزین دموکراتیک، ناقوس مرگ رژیم را به صدا درآورده است و آخوندهای حاکم را دچار وحشت و استیصال کرده است. (قطعنامه فروردین ۷۸)

۸- خاتمی که به عنوان دست پرورده و شاگرد بهشتی مورد توجه و عنایت ویژه محافل استعماری است، بارها به صراحت اعلام کرده که به ولایت خامنه ای وفادار است و آن را منتسب به وحی می داند، حال آن که لازمه رفرم در نظام چهار مذهبی حاکم بر کشور، حذف ولایت فقیه یا دست کم خلع ید عملی از ولی فقیه است. (قطعنامه فروردین ۷۸)

۹- گسستگیهای ناشی از دوره پایانی این رژیم، نشانه گشایش و استحاله نیست. تحولات و رویدادهای دوره ریاست جمهوری خاتمی هم نشان داده که باند او نه می خواهد و نه می تواند به رفرم سیاسی دست بزند. هدف واقعی این باند چیزی جز طولانی کردن عمر همین رژیم پیرامون عمود

حیمة نظام نیست. تلاشهای مدبوحانه آنها در جهت آن است که نارضاینها را کنترل کنند، از فوران خشم مردم و طغیان اجتماعی جلوگیری نمایند و به ویژه با جایگزین دموکراتیک و نیروهای سرنگون کننده رژیم نامشروع ارتجاعی به مقابله بپردازند چنین است که خاتمی، لاجوردی را خدمتگذار مردم و صیادشیرازی را سرباز فداکار اسلام و فرزند بیرومند ایران می نامد. در تمامی زمینه های اساسی سرسپردگی خود را به ولایت خامنه ای اعلام می کند و بر قتل‌های سیاسی و کشتار نویسندگان و روشنفکران سربوش می گذارد. (قطعنامه فروردین ۷۸)

۱۰- جنبش مقاومت براساس تشخیص درست واقعیت موجود از ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ به بعد، مقاومت قهرآمیز برای رسیدن به آزادی و حاکمیت مردمی در برابر استبداد خون آشام مذهبی را راه اصلی دانسته است از همین روست که ارتش آزادیبخش را ابزار اصلی و معتبر برای سرنگونی رژیم با کمک مردم ستم‌دیده ایران تلقی می کند. با این همه، هم چنان که مسئول شورا به کرات اعلام کرده است، اگر آخوندهای حاکم بر ایران و همدستانشان و همه آنهايي که به این رژیم نامشروع چشم دوخته اند، منکر حمایت اکثریت عظیم مردم ایران از این مقاومت هستند، می توانند بخت رژیم را در برابر شورای ملی مقاومت ایران در یک انتخابات آزاد سرای ریاست جمهوری، براساس اصل حاکمیت ملت (و نه ولایت فقیه) یا در انتخابات مؤسسان، با تصمیمهای کافی و تحت نظر ملت متحد، به آزمایش بگذارند. بنابراین باز هم تکرار می کنیم که این مقاومت خونبار توان و ظرفیت آن را هم دارد که برای اثبات مشروعیت خود و تعیین تکلیف نهایی با دشمن، به هر نوع آزمایش مسالمت آمیز از قبیل همه پرسی یا انتخابات آزاد با تصمیمهای محکم بین المللی تن دهد تا عدم مشروعیت رژیم ضدبشری را در تمامیتش به همگان اثبات کند. (قطعنامه فروردین ۷۸)

۱۱- بنا بر همه تجارب جهانی، رفرم و اصلاح واقعی در هماهنگی با اپورسیون انقلابی و با تکیه به این نیرو صورت می گیرد. رفرمیست واقعی، در مبارزه علیه استبداد مذهبی، با شورای ملی مقاومت همسو است. وگرنه ادعای اصلاح طلبی، گشایش یا طلب جامعه مدنی حرفی پوچ و ادعایی میان تهی خواهد بود. (قطعنامه فروردین ۷۸)

۱۲- باند خاتمی توانست اکثریت کرسیهای مجلس تشم ارتجاع را به دست آورد. اما این مجلس سربریده که بقیه در صفحه ۱۰

بیانیه شورای ملی مقاومت ...

بقیه از صفحه ۹
تمامی اعضای آن در طی مراحل مختلف این انتخابات، اعتقاد و التزام خود را به ولایت خامنه ای اعلام کرده اند و علاوه بر آن، چماق شورای نگهبان هم همواره بالای سر مصوباتشان خواهد بود، یارای مقابله تعیین کننده با ولی فقیه را ندارد. چنین مجلسی نمی تواند ابزار کارآمد مورد نظر استحاله طلبان باشد.

تبلیغات استعماری پیرامون این مجلس و القای این شبهه که گویا چنین مجلسی می تواند به توسعه سیاسی و امنیت اقتصادی کمک کند، ادعاهای پوچ و مسخره بی است که تنها برای غارت منابع ملی کشور ما ساخته و پرداخته می شود. (بیانیه ۳۰ خرداد ۷۹).
۱۲- تثبیت، تداوم و گسترش عملیات مقاومت در شهرهای مختلف ایران و عجز و ناکامی رژیم در مقابله سیاسی-امنیتی با آن، به خاطر برخورداری رزمندگان مقاومت از حمایت و استقبال مردمی محقق شده است عملیات مقاومت در داخل کشور و نیز حرکت‌های رادیکال مردمی (جنبشها و هیئت‌های توده‌یی در شهرها، قیام دانشجویان و جوانان در تیرماه گذشته و حرکت‌های دیگر دانشجویی و کارگری و...) در تضعیف تمامیت رژیم و به ویژه ناند غالب آن اثر مهمی بر جای گذاشته است.

این عملیات و هم چنین اعتراضات قهرآمیز مردمی، برخلاف یاهوهای باند خاتمی و دیگر فرومایگان دنیای سیاست، نه فقط موجب تقویت ولایت خامنه ای و باند او نشده، بلکه همان گونه که سیر واقعیتها نشان می دهد، قدرت خامنه ای و عمله و اکره او را برای سرکوب و حتی برای مهار و مرعوب کردن خاتمی و سرکاک، بسیار محدود کرده است.

واقعیت این است که در فقدان عملیات مسلحانه و حرکت‌های رادیکال مردمی، ولی فقیه می توانست خاتمی و دارو دسته او را به سهولت از صحنه سیاسی حذف کند. (بیانیه ۳۰ خرداد ۷۹)

۱۴- عملیات مقاومت و حرکت‌های قهرآمیز مردمی، تضادهای درونی ارتجاع حاکم را تشدید کرده و نه فقط موجب انسجام و یکپارچگی رژیم اخوندی و ولایت خامنه ای نشده، بلکه برخلاف آن چه مدافعان و مبلغان رژیم و سازشکاران و فرصت طلبان حرفه‌یی تبلیغ می کنند، باعث گسیختگی استبداد مذهبی و تعمیق بحران درونی آن گردیده و امکان هر چه بیشتری برای گسترش جنبش اجتماعی مردم ایران ایجاد کرده است. (بیانیه ۳۰ خرداد ۷۹)

بخش دوم

نمایش انتخابات ریاست جمهوری رژیم و نتایج آن

۱۵- ولی فقیه نظام، برای غلبه بر شقه بالایی رژیم و ممانعت از رسیدن خاتمی به دور دوم ریاست جمهوری، به اقدامات مختلفی دست یازید. توقیف اغلب مطبوعات وابسته به خاتمی و دستگیری برخی مسئولان و قلمزنان این مطبوعات، بی خاصیت کردن مجلس از طریق صدور حکم حکومتی، دستگیری و استگان به نهضت آزادی، محاکمه و برکناری رئیس ستاد انتخابات کشور و مهمتر از همه شلیک ۷۷ موشک زمین به زمین کشتارجمعی به قرارگاه‌های ارتش آزادیبخش ملی در طرف چند ساعت در این شمار است. چنین حمله‌یی حتی در جنگ ۸ساله بی سابقه بود.

۱۶- به کارگرفتن سلاح‌های کشتارجمعی و حمله گسترده و بی سابقه موشکی درست دو هفته قبل از شروع ثبت نام کاندیداهای ریاست جمهوری در ۲۹ فروردین صورت گرفت. تصمیم این حمله در بهمن ماه گذشته، هنگام نخستین همایش امنیت رژیم در شورای عالی امنیت به ریاست خاتمی، برای مقابله با عملیات مجاهدین و خنثی کردن خطر براندازی، گرفته شده بود. اما خامنه ای، به عنوان فرمانده کل قوای مسلح، زمان انجام آن را با تردستی تا استانه ثبت نام نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری به تأخیر انداخت. خامنه ای هم چنین دادن اجازه نامزدی به خاتمی را به آخرین فرصت و مشخص شدن نتایج حمله موکول کرده بود و سرانجام در ملاقات دوشنبه شب ۱۰ اردیبهشت با خاتمی، به او اذن ثبت نام داد.

خامنه ای که نمی توانست خاتمی را به شیوه قانونی و سیاسی منصرف یا حذف کند، قصد آن داشت تا با واردآوردن یک ضربه سنگین و قطعی به ارتش آزادیبخش ملی ایران، در تعادل درونی رژیم دست بالا را پیدا کند و به شرایط مناسب برای حذف خاتمی و ممانعت از رسیدن او به دور دوم ریاست جمهوری دست یابد. تنها در چنین صورتی بود که طرف سوم یعنی مقاومت سازمان یافته و خط براندازی، نمی توانست برنده حذف خاتمی باشد.

۱۷- ولی فقیه درصدد بود تا پس از وارد کردن ضربه قطعی به ارتش آزادیبخش و سپس حذف خاتمی، نهاد ریاست جمهوری ولایتش را به یک نهاد صرفاً اجرایی و غیرسیاسی تبدیل کند. بر این اساس، گروه‌های وابسته به باند خامنه ای، با آگاهی از شدت نفرت و انزجار عمومی از ولی فقیه و عمله و اکره شناخته شده او، تصمیم گرفتند که شخصیت سیاسی شناخته شده و واحدی را به عنوان کاندیدا معرفی نکنند تا

پس از وارد آوردن ضربه به ارتش آزادیبخش و حذف خاتمی، غیرسیاسی کردن نهاد ریاست جمهوری با سهولت بیشتر تحقق یابد.

۱۸- شکست مفتضحانه خامنه ای در حمله موشکی، و در مقابل، گسترش عملیات نظامی مجاهدین خلق، که مسلماً بدون حمایت و پشتیبانی مردم، در چنین ابعادی امکان نداشت، همراه با اعتلای مقاومت اجتماعی مردم ایران و حرکت‌های فزاینده اعتراضی به ویژه از سوی کارگران، دانشجویان و جوانان، خامنه ای را به این نتیجه قطعی رساند که در شرایط موجود، برنده اصلی و بلاواسطه حذف خاتمی، مقاومت سازمان یافته و مردم ایران خواهند بود. از این رو خامنه ای به ناچار به کاندیداتوری خاتمی و دور دوم ریاست جمهوری او تن داد.

درباره حمایت و پشتیبانی مردمی از مقاومت ایران و رئیس جمهور برگزیده اش، کفایت باآوری کنیم که ناند خاتمی برای جلب توجه زنان و جوانان، با توسل به یک تقلید مبتذل، اسامی سیمرغ و مهر را برای ستادهای انتخاباتی خود برگزیده بود. این نوع تقلیدهای شباهانه باند‌های هوادار خاتمی از مقاومت ایران در همه زمینه‌ها، بعضاً توسط رقیبانشان در حاکمیت گوشزد شده و مورد ملامت قرار می گیرد.

۱۹- شکست پروژه ولی فقیه و عقب نشینی او، تضاد میان گروه‌های وابسته به ولی فقیه را تشدید نمود. بدین ترتیب بود که ولی فقیه و گروه‌های پیرو او، پس از شکست مفتضحانه در ضربه زدن به ارتش آزادیبخش، در یک موقعیت ضعیف وارد بازی انتخاباتی شدند، با این امید که با معرفی کاندیدا آرای شرکت کنندگان در رأی گیری بین آنها تقسیم شود و در نتیجه خاتمی در تعادلی ضعیف تر از دوره قبل به ریاست جمهوری برسد.

۲۰- ناتوانی ولی فقیه در حذف خاتمی، قبل از هر چیز نشان دهنده بن بست، درماندگی، تسکندگی و بی ثباتی رژیم ولایت فقیه در کلیت آن است. این مشخصات از نشانه‌های آشکار موقعیت انقلابی است که تمامی سرکردگان رژیم از آن تحت عنوان خطر براندازی یاد می کنند.

۲۱- انتخابات ریاست جمهوری رژیم در شرایطی برگزار شد که حتی گروه‌های وابسته به بخش غیرحاکم ولی متعهد و ملترزم به حفظ نظام، اجازه فعالیت علنی نیافتند. مضحک این که خاتمی و باند مشارکت، آشکارا در جهت حذف اصغرزاده که یک کاندیدای خودی شمرده می شد مداخله کردند، درحالی که بنا به تنظیمات محتاطانه خودشان بعد از زندانی شدن ملی - مذهبیها دست کم می بایست پشت او را می گرفتند. خاتمی تاب تحمل هیچ خودی

را که فقط اندکی نندرو تر از خودش باشد نداشته است و ندارد.

در این انتخابات حتی زنان سرسپرده رژیم از کاندیداشدن محروم بودند و از میان ۸۱۴ داوطلب وفادار به نظام ولایت فقیه، تنها ۱۰ تن توانستند از صافی شورای نگهبان بگذرند.

۲۲- تحریم قاطع این نمایش انتخاباتی یک وظیفه ملی و مردمی و تنها موضعگیری اصولی در این زمینه شمرده می شد. شورای ملی مقاومت ایران مبتکر و مبلغ چنین سیاستی بود و پیشبرد آن را به منزله دفاع از حق حاکمیت مردم ایران اعلام کرد سیاستی که مورد استقبال وسیع مردم ایران قرار گرفت.

۲۳- نتیجه انتخابات از دو نظر به زبان خامنه ای در رأس رژیم ولایت فقیه، تمام شد:

از یک طرف این انتخابات با عدم شرکت توده‌های وسیع مردم ایران روبه رو شد. به طوری که حتی چند برابری اعلام کردن تعداد شرکت کنندگان، سو، استفاده از شناسنامه افراد فوت شده (که وابستگی باند غالب آن را هم‌پایون اعلام کردند و باند خاتمی به ۶۰۰ هزار به اشکال گوناگون فشار و تبلیغات، به ویژه در مورد جوانان ۱۵ساله که تازه حق رأی دادن پیدا کرده بودند، هیچ یک مؤثر واقع نشد و رژیم توانست تعداد شرکت کنندگان را به رقمی که چهار سال قبل اعلام کرده بودند، برساند. حتی آمار اعلام شده توسط رژیم، نشان دهنده پیروزی سیاست تحریم به خصوص در تهران است. عدم شرکت ۵۸ درصد از دارندگان حق رأی در انتخابات ریاست جمهوری رژیم.

در خارج کشور نیز که چندمیلیون ایرانی زندگی می کنند، براساس ارقام اعلام شده توسط رژیم (که مسلماً چندبرابر میزان واقعی است) فقط ۷۳ هزار نفر در رأی گیری شرکت کردند.

از سوی دیگر، صف آرای کاندیدا از جانب ولی فقیه در مقابل خاتمی هم نتوانست نتیجه موردنظر خامنه ای را حاصل کند و خاتمی در مقابل جناح‌های درون نظام، با نسبت سه و نیم بر یک، برنده شد.

حقیقت این است که شدت و دامنه انزجار عمومی از باند غالب و ولی فقیه، به عنوان محور و رأس نظام، و بازتاب آن در لایه‌های وابسته به رژیم، به حدی است که در هرگونه رأی گیری با رقابت انتخاباتی، این باند بازنده محتم است.

۲۴- هر چند خاتمی در جنگ قدرت درونی رژیم مجدداً به ریاست جمهوری رسیده و اکثریت مجلس را هم در اختیار دارد، اما برنده شدن او امری موقت، گذرا و تاکتیکی است، مگر این که بتواند در جنگ قدرت، با خلق ید از

بیانیه شورای ملی مقاومت ...

بقیه از صفحه ۱۰
خامنه ای و تغییر قانون اساسی، موقعیت خود را به طور استراتژیک تثبیت کند و به هزمونی دست یابد امری که در شرایط کنونی بسیار بعید و نامحتمل می نماید.

۲۵- رسیدن خاتمی به دور دوم و این که ولی فقیه قادر به حذف او نشد، به معنی تثبیت (بازگشت ناپذیری) و بلوغ شقه در رأس حاکمیت ارتجاعی است. شقه ۱۸ خرداد ۷۶ در ۱۸ خرداد ۸۰ به بلوغ رسیده و این تحول در تعیین تکلیف باندهای متخاصم یک سرفصل تعیین کننده محسوب می شود.

پرتاب ۷۷ موشک زمین به زمین به جانب قرارگاههای ارتش آزادیبخش در زمینه نظامی و بلوغ شقه درونی رژیم در زمینه سیاسی، گویای فعلیت یافتن مرحله سرنگونی است.

۲۶- بدون تردید برد موقت و تاکتیکی خاتمی نیز اساسا مرهون ارتش آزادیبخش ملی و عملیات نظامی مجاهدین در داخل کشور می باشد. این عملیات، که به ۹۵۱ رسته تهاجم و درگیری و مأموریت راهگشایی در ۴ سال گذشته بالغ می شود، ۱۸۰ رسته عملیات و درگیری در دوره عماهه قبل از انتخابات را هم در برمی گیرد. هزاران دستگیری و اعدام و شهادت در چهار سال گذشته بهای سنگین و خونین عملیات مقاومت در سخت ترین شرایط سرکوب و اختناق در داخل میهن اسیر بوده است.

۲۷- در فاصله دو اجلاس شورا، دشمن ضدبشری با انواع و اقسام توطئه ها و ترفندها، از جمله ۲۷ فقره عملیات تروریستی، کوشید تا مانع عملیات نظامی مقاومت شود. اما ۲۶۱ رسته

عملیات درخشان نظامی و درگیری با قوای سرکوبگر در تهران و شهرهای بزرگ و مناطق مرزی از ۳۰ خرداد ۱۳۷۹ تا ۳۰ تیر ۱۳۸۰، گواه آشکار فعلیت یافتن مرحله سرنگونی، به همت مجاهدان و رزم اوران پاکباز آزادی است که حماسه های زنده تاریخ ملت ایران هستند و در

صحنه های ییکار آزادی، مخصوصا در دوره عماهه قبل از انتخابات رژیم، بسا فراتر از حداکثر مورد انتظار، پیش رفتند.

۲۸- به همین خاطر، خاتمی در آذرماه گذشته، قبل از هر چیز همه را به استادگی در برابر کسانی که به شورش و نفی و براندازی می خوانند، دعوت کرد و هرگونه سخنی از تغییر قانون اساسی رژیم ولایت فقیه را خیانت به ملت ایران شمرد.

۲۹- خامنه ای در نخستین همایش امنیت رژیم، که در بهمن ماه گذشته با شرکت کلیه سردمداران رژیم و سرکردگان نظامی و انتظامی و امنیتی ۲۸ استان برگزار شد، به صراحت اعلام

کرد آن چیزی که باید آماج ذهن و فکر و عمل شما قرار بگیرد مسأله براندازی است. پس از آن مجلس خبرگان ارتجاع، ضرورت برخورد قاطعانه را با حرکتیایی که قصد براندازی و فتنه گری دارند اعلام نمود و فرمانده ارتش رژیم از تغییر آرایش نظامی در غرب کشور برای مقابله با تحرکات مجاهدین خبر داد.

۳۰- به راه انداختن سیستم گسترهای موسوم به ۱۱۰ در تمام کشور، برقرار کردن انواع تورها و پستهای بازرسی، اجرای صدها رزمایش و مانور، راه اندازی ۵ هزار تیم شناسایی با ۲۰ هزار بسیجی، مین گذاری گسترده مناطق مرزی، ایجاد موانع عبور، به آب بستن زمینهای دشتی در منطقه مرزی جنوب و بستن ابراهها و نهرهای فرعی، اذیت و آزار و کنترل دائمی خانواده شهیدان و هواداران مجاهدین به طور سراسری، اعلام سال اقتدار ملی و مانورهای ویژه اقتدار ۸۰، بخشی از ترفندها و اقدامات بازدارنده رژیم در برابر عملیات نظامی مقاومت بوده است. یونسسی، وزیر اطلاعات رژیم، به صراحت گفت اگر بازسازی بدنه وزارت اطلاعات نبود امکان برگزاری سالم انتخابات وجود نداشت.

۳۱- وجود مقاومت سازمان یافته، مداخله و تأثیر غیرقابل انکار آن در تشدید تضادهای فرساینده درونی رژیم و ایجاد سومین شقه در رأس حاکمیت و نیز گسترش مبارزه اجتماعی و عملیات رادیکال مردمی، نمایانگر بلوغ وضعیت انقلابی و شرایط سرنگونی است. به نحوی که با قطعیت می توان گفت که نه ولی فقیه به مثابه عمود خیمه نظام، تثبیت شدنی است، نه اصلاحات کاذب و فقهاتی خاتمی چاره ساز است و نه شرایط به قبل از ۱۸ خرداد سال جاری بازمی گردد.

۳۲- نابراین بازنده اصلی انتخابات رژیم، ولی فقیه و اساس نظام، برنده تاکتیکی آن خاتمی و برنده استراتژیک مقاومت عادلانه مردم ایران و یگانه جایگزین دموکراتیک (شورای ملی مقاومت ایران) است.

بخش سوم
فعالیت های مقاومت

۳۳- در اجلاس شورا فعالیتها و اقدامات مقاومت در زمینه های مختلف مورد بررسی قرار گرفت و باآوری گردید که در فاصله دو اجلاس هیچ عرصه یی نبود که از حضور و فعالیت رزم اوران و اعضا و نمایندگان و پشتیبانان مقاومت خالی مانده باشد. گذشته از عملیات و نبردهای نظامی، رهوس فعالیت های سیاسی و اجتماعی و بین المللی مقاومت در فاصله دو اجلاس به شرح زیر می باشد:

۶ رسته کارزار سراسری تبلیعی و ترویجی در داخل کشور در ارتباط با

آغاز سال تحصیلی، ۱۹ بهمن، چهارشنبه سوری، قیام ایلام، انتخابات و ۳۰ خرداد (در ۸۰۴ شهر) و هم چنین دومین سالگرد قیام تیرماه

۱۴۴ رشته تظاهرات و اکسیون اعتراضی در خارج کشور، شامل چهار تظاهرات بزرگ در المان (برلین)، امریکا (نیویورک)، سوئد (یوتوبوری) و ایتالیا (جنوا)

۴۴ کنفرانس مطبوعاتی
۴۵۱۳ ملاقات سیاسی ثبت شده
۲۱۳ مورد محکومیت رژیم از جمله در مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و سازمان بین المللی کار -امضای تومارهای محکومیت حکومت آخوندی توسط شخصیت های گوناگون در کشورهای مختلف جهان با ۱۰۱ هزار و ۲۵۰ امضا

۳۴- طی همین مدت ایرانیان هوادار مقاومت با بیش از ۱۰۰ اقدام جسورانه اعتراضی و پرتاب تخم مرغهای گندیده و رنگی، خاتمی و دیگر مقامات و هیأت های رژیم را در سفرهایشان به کشورهای مختلف از برلین تا لس آنجلس و از کاراکاس تا نیویورک، افشا و رسوا نمودند.

۳۵- اجلاس شورا با ستایش از زنان و مردانی که در بیکار عظیم رهاییبخش ملت ایران در داخل و خارج کشور شرکت کرده اند و ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهیدان قهرمانی که مشعل جنبش مقاومت مردم ایران را فروزانتر از گذشته کرده اند، به شرح زیر به تحلیل این فعالیتها پرداخت:

۳۶- مهمترین و محوری ترین سؤال، که هر جریان سیاسی باید بدان پاسخ گوید، این است که آیا کانون اصلی و مرکز ثقل تحولات در جامعه ایران ناشی از تضاد بین مردم و مقاومت سازمان یافته آنان با رژیم است یا ناشی از تضاد بین جناحها و باندهای داخلی رژیم؟

افراد و جریانهایی که سیاستهای خود را براساس فرضیه دوم قرار می دهند، به ناچار نمی توانند ارزش و جایگاه واقعی مقاومت رادیکال مردم و نیز مقاومت سازمان یافته و عملیات نظامی آن را دریابند و با حمایت از یکی از باندهای رژیم، در جهت تقویت ارتجاع حاکم و مقابله با مصالح و منافع مردم ایران قرار می گیرند.

۳۷- شورای ملی مقاومت ایران در مقابل این سیاست تسلیم طلبانه و ضد مردمی، معتقد است که مرکز ثقل و کانون اصلی تحولات در جامعه ما تضاد بین توده های مردم با رژیم حاکم است. این تضاد در وجه سیاسی، خود را در رویارویی بین مقاومت و رژیم نشان می دهد. تحولات و دگرگونی های سیاسی جامعه ما در شرایط کنونی از این تضاد سرچشمه می گیرد و تأثیر می پذیرد. شورا با در نظر گرفتن این واقعیت، بر نقش استراتژیک و تاکتیکی

مقاومت به مثابه طرف سوم تأکید می کند والا ولی فقیه می توانست خاتمی و دار دوسته او را به سهولت از صحنه سیاسی حذف کند.

بخش چهارم
جنبش اجتماعی، اعتراضات و خیزشهای مردمی

۲۸- در فاصله دو اجلاس شورای ملی مقاومت، حرکت های کارگری، دانشجویی و خیزشهای مردمی در شهرها و مناطق مختلف و نیز حرکت های اعتراضی جوانان در گوشه و کنار کشور، به ویژه در ورزشگاهها و در جریان بازیهای فوتبال، که با شعار آغاز می شوند و با درگیری پایان می یابند، گسترش بی سابقه یی یافتند که ۸۲۱ رسته از آنها توسط ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور به ثبت رسیده است.

۳۹- کمیت و کیفیت حرکت های اجتماعی، به ویژه حرکت های اعتراضی، اعتراضها و تظاهرات کارگران، ارجحانه راهپیمایی و تجمع کارگران کارخانه چیت سازی ری در مقابل مجلس ارتجاع و تخریب سردر آن و نیز حرکت های دانشجویی با شعارهای رادیکال که باند خاتمی همواره در مقابل آن فرار گرفته و نیز حرکت های مردمی در شهرهای مختلف مثل حرم آباد، آبادان، اصفهان، لامرد و سیاری شهرهای دیگر نشان دهنده آن است که این مبارزه نه در جهت برآوردن اهداف باند خاتمی، بلکه دقیقاً علیه تمامیت رژیم حاکم است. مضمون حرکت های اجتماعی مردم، مبارزه علیه استبداد مذهبی و رژیم ولایت فقیه و برای تحقق آزادی، دموکراسی و استقرار حکومت مردمی و غیرمذهبی (عرفی) است. خصلت رادیکال و شعارهای این جنبش نشان دهنده جهت گیری آن برای سرنگونی رژیم حاکم و تمامی دسته بندیهای درونی آن است. بیانیه ۳۰ خرداد ۷۹.

۴۰- شورای ملی مقاومت بار دیگر نقش برجسته حرکت های اجتماعی را به عنوان راهگشا و تضمین پیروزی نبرد رهاییبخش و مبارزه مسلحانه انقلابی مورد تأکید قرار می دهد.

در جریان اجلاس سه روزه شورا، فیلم نیم ساعته یی از صحنه های غرورانگیز عملیات نظامی یک واحد از رزمندگان مجاهد خلق در داخل خاک میهن که در تاریکی شب با اشعه مادون قرمز فیلمبرداری شده بود، نمایش داده شد که بسیار مورد توجه و تحسین قرار گرفت.

هم چنین جدیدترین اثر هنری خانم مرضیه (رزم زمان با آهنگ آقای محمد شمسی) و آثار آقای عماد رام (ستارگان در بزرگداشت شهدای قتل عام زندانیان سیاسی، و راهگشایان در تحلیل از رزم بقیه در صفحه ۱۹

بحران کارگری از انکار تا واقعیت

- م. حبیبی

mhabibifr2002@yahoo.fr

در شرایطی که مشکلات و نارضایتیهای کارگری، مدتهاست از مرز فاکت و موارد جزئی گذشته و به صورت یک بحران جدی اجتماعی درآمده است، «اصلاح طلبان» حکومتی این اعتراضهای به حق را، محصول حرکتهای سیاسی جناح رقیب می‌پندارند.

«اصلاح طلبان» می‌گویند که جناح رقیب، بعد از شکست در انتخابات ریاست جمهوری، برای تحت فشار قرار دادن خاتمی و به دست آوردن سهم بیشتری از قدرت، حرکتهای اعتراضی کارگران را سازمان داده‌اند!! این ادعای جناح خاتمی در حالی عنوان می‌شود که، ابعاد حرکتهای اعتراضی کارگران، از محدوده چند شرکت و واحد صنعتی، آن‌طور که مشاور اقتصادی خاتمی مدعی آن است، مدتهاست که فراتر رفته است. اگر آمار ارگانهای رسمی رژیم در خصوص ابعاد بیکاری را، که با واقعیات موجود در عرصه جامعه کارگری، اختلاف زیادی دارد را نیز منبأ قرار دهیم، خواهیم دید که، ابعاد رشد بیکاری مدتهاست که زنگهای خطر را برای رژیم به صدا در آورده است.

براساس گزارش کمیسیون صنایع و معادن مجلس اخوندی، که در حال حاضر عنوان مجلس «اصلاحات» را نیز یدک می‌کشد، نرخ بیکاری از رقم ۱۱/۷ درصد در سال ۷۶، به ترتیب به ۱۴/۶ و ۱۶/۲ درصد در طول سالهای ۷۷ تا ۷۹ رسیده است. مقایسه نرخ بیکاری سه سال گذشته، با نرخ بیکاری در پایان سال ۷۹ معادل ۳۸/۵ درصد رشد نشان می‌دهد. که این امر تعطیلی بیش از سه هزار کارگاه و کارخانه را در کشور به دنبال داشته است. از طرف دیگر بیش از چهار هزار کارخانه در مرحله ورشکستگی قرار گرفته‌اند که بسیاری از کارگران این کارخانه‌ها بین سه تا بیست و چهار ماه حقوق دریافت نکرده‌اند، و هفتاد درصد این کارخانه‌ها، دو سوم کارگران خود را احراج کرده‌اند. انتخابات فروردین ۸۰]

به این ترتیب بحران موجود، نتیجه بلافاصل سیاستهای اعمال شده رژیم طی این سالها، و تظاهرات اعتراضی کارگران، نتیجه منطقی اعمال این سیاستهاست. البته شایان یادآوری است که، «اصلاح طلبان» با طرح مساله سیاسی بودن اعتراضات کارگری، سعی در یوشاندن این واقعیت دارند که ابعاد نارضایتیهای کارگری که، تحت

فشارهای کمرشکن معیشتی، وارد مرحله‌ای جدیدی شده است، را کم اهمیت جلوه دهند. واقعیت این است که، اگر در گذشته حرکتهای اعتراضی کارگران در صحن کارخانه‌ها و یا نهایتاً در خیابانهای اطراف محل کار، صورت می‌گرفت، طی ماههای اخیر عرصه این نارضایتی‌ها به خیابانهای مرکزی شهرهای بزرگ نظیر تهران و اصفهان و ... گشاده شده است. پیام این نارضایتی‌ها و شرایط جدید را، فرماندهی نیروی انتظامی رژیم، با پیامهای هشدار گونه بهتر از «اصلاح طلبان» گرفته است. جانشین فرمانده نیروی انتظامی رژیم، با هشدار به بروز برخی نا آرامیهای کارگری در استان اصفهان می‌گوید: استان اصفهان کانون تمرکز بخش بزرگی از صنایع کشور است، که به دلیل عدم رسیدگی مسئولین به مشکلات کارگری در این استان، ناآرامیها و مشکلاتی به وجود آورده است که، نیروی انتظامی هم، به ناچار درگیر این مشکلات شده است.

ریشه‌های بحران موجود، وضعیت نابسامان واحدهای تولیدی

همانطور که قبلاً اشاره شد، بحران جاری نتیجه سیاستهای اعمال شده رژیم طی این سالها بوده است، که تحت تاثیر این سیاستها بنیادهای تولیدی کشور با مخاطرات جدی مواجه شده است. صنایعی که مدتها با ظرفیت تمام کار می‌کردند، به دلیل عدم بازسازی و استفاده از تکنولوژی جدید، یا به صورت صنایعی فرتوت درآمده‌اند که، استهلاک آنها زیاد است و یا از گردونه تولید خارج شدند. به عنوان نمونه صنایع نساجی که باید هر بیست سال یکبار نوسازی و تکنولوژی جدید جایگزین آن شود، اکنون بیش از پنجاه سال از عمر آنها می‌گذرد. عدم رسیدگی به این مهم را، با ارقام سرمایه‌گذاری‌های صنعتی بهتر می‌توان فرموله کرد. سهم سرمایه‌گذاری در طی سالهای ۷۳ الی ۷۸ به ترتیب عبارت است از: ۱۷/۸، ۱۷، ۱۴/۳، ۱۰/۶، و ۱۱ درصد بوده است و همین امار برای سال ۷۹ نیز ۹ درصد گزارش شده است. به عبارت روشنتر شاخص سرمایه‌گذاری صنعتی، که نمایانگر رض تپنده واحدهای تولیدی است، طی این سالها به شدت افت کرده است. البته لازم به یادآوری است که، تداوم نداشتن سرمایه‌گذاریها، باعث شده است که، همین میزان اندک سرمایه‌گذاریها نیز صرف استهلاک واحدهای تولیدی نشود، و در نتیجه میزان بهره‌وری سرمایه نیز در بخش صنعت به شدت پایین آمده است. آن‌طور که آمار

وزارت صنایع مشخص می‌کند، شاخص بهره‌وری سرمایه در سالهای ۴۰ تا ۵۵ معادل ۷/۶ درصد بود، همین شاخص برای سالهای برنامه اول به ۶۲ صدم درصد و در برنامه دوم توسعه به میزان ۶۴ صدم درصد رسید. تحت چنین فضایی، بهره‌وری نیروی کار، که نسبت ارزش افزوده واحدهای تولیدی و تعداد شاغلان است نیز، روندی نزولی به خود می‌گیرد، به طوری که براساس گزارش سازمان بهره‌وری، و رشد بهره‌وری نیروی کار در ایران معادل ۷/۲ دهم درصد است که، در مقایسه با بسیاری از کشورهای آسیایی رقم بسیار پایینی محسوب می‌شود. همین شاخص برای کشورهای نظیر مالزی و فیلیپین بین ۵ تا ۷ درصد است. به این ترتیب، ساخت و بافت تولیدی ایران طی این سالها، از نفس افتاده و زمینه لازم را برای موج بیکاریهای فزاینده فراهم کرده است.

واگذاری واحدهای تولیدی به بخش خصوصی

از دیگر عوامل موثر در بحران موجود، واگذاری واحدهای تولیدی است، که از زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی شروع شد و تابه حال نیز ادامه دارد. نحوه این واگذاریها که بیشتر به معاملات دلالی شبیه است باعث شد که تعداد کثیری از این واحدها بعد از واگذاری به «بخش خصوصی» ورشکسته اعلام شدند و کارگران این واحدها نیز اخراج شدند. در بسیاری از موارد افرادی که این واحدها به آنها واگذار شد، کمترین تجربه‌ای از مدیریت و کار تولیدی نداشتند، این افراد پس از ورشکسته اعلام کردن این واحدها و اخراج کارگران، ماشین‌ها و دستگاههای کارخانه را فروخته و حتی زمین کارخانه را جهت خانه سازی تقسیم و فروخته‌اند.

فقدان امنیت شغلی

یکی دیگر از عواملی که به بحران کارگری دامن می‌زند، نبود امنیت شغلی در جامعه کارگری ایران است. این فضای عدم امنیت شغلی در بستر قوانین ضد کارگری که، ارگانهای قانونی رژیم تصویب کننده آن بودند ایجاد شده است. قانون قراردادهای موقت کار، قبل از انقلاب به منظور آزمایش نیروی کار، برای یکدوره ۸۹ روزه به تصویب رسیده بود. مطابق این قانون، به کارفرمایان اجازه داده می‌شد که کارگران را برای مدت سه ماه بیمه کنند. سرنوشت این قانون که برای یکدوره آموزشی، مجوز اجراء داشت، این شد که در حال حاضر بسیاری از کارخانه‌ها، تا ۹۵ درصد کارگران خود را از این طریق استخدام می‌کنند. به این ترتیب قانون

قراردادهای دائمی جای خودش را به قراردادهای موقت کار داده است. بعد از قراردادهای موقت کار نوبت به قراردادهای پیمانی و روز مزد می‌رسد، که جامعه کارگری در ایران را بیش از پیش در تنگنا قرار می‌دهد. در یک چنین فضای دولت «اصلاح طلب» نه تنها گامی در جهت بهبود شرایط موجود برنداشته بلکه خود با تصویب قوانین، خود مسبب بحرانی تر شدن اوضاع نابسامان کارگران در ایران شده است. نمونه واضح این اقدام، سرنوشت قانون معافیت کارگاههای کمتر از سه نفر است. طرح قانون معافیت کارگاههای کمتر از سه نفر از شمول قانون کار، حداقل برای شش ماه تصویب از مسکوت ماند، ولی نهایتاً مجلس بعد از مدتی در تاریخ ۸ اسفند ۷۹ با سرعت ماده واحده‌ای را که کلیات تصویب شده آن مربوط به کارگاههای سه نفر کارگر و کمتر بود، به صورت ماده واحده‌ای برای کارگاههای پنج نفر کارگر و کمتر تبدیل و به تصویب نهایی رسانید. ضمن اینکه تصره‌ای به این قانون افزود که براساس این تصره کارگاههایی که بعد از تصویب این تشکیل خواهند شد، مشمول مقررات جدید خواهند شد. ماده واحده‌ای این قانون به این شرح است: از زمان تصویب این قانون تا پایان برنامه سوم، کلیه کارگاهها و مشاغل اداری پنج نفر کارگر و کمتر از شمول قانون کار معاف می‌باشند.

تصره یک- هر یک از کارگران و کارفرمایان نسبت به پرداخت حق بیمه کارگری مخیرند با توافق موضوع را حل کنند!!! در چارچوب این قانون، کارگر از کلیه حقوق قانونی خود باید صرف‌نظر کند. شایان یادآوری است، براساس آمار ۹۰ درصد واحدهای تولیدی در ایران را واحدهای کوچک تولیدی تشکیل می‌دهند. مافیای انحصار و قاچاق - از دیگر عواملی که در شرایط بحرانی موجود تاثیر گذار است، فعالیت مافیای انحصار و قاچاق، آنها هم در بهترین شرایط و با دست داشتن مجوز قانونی در واردات کالای مختلف است. در شرایطی که بسیاری از واحدهای تولیدی در اثر مشکلات گوناگون ناظر بر سازمان کرب این واحدها و همچنین در اثر انباشته شدن محصولات آنها در انبارهای کارخانه‌ها به دلیل فروش رفتن در بازار، یکی پس از دیگری از گردونه تولید و فعالیت خارج می‌شوند و انبوهی کارگر بیکار را وارد بازار بیکاران می‌شوند. حاصل کلام این که دولت «اصلاح طلب» می‌تواند بحران موجود در جامعه کارگری ایران را سیاسی تلقی کند. ولی واقعیتهای موجود گواهی می‌دهند که دولت آینده در این زمینه با چالشهای جدی مواجه خواهد بود.

تفنیذ بازوی اجرایی نظام

کریم قاضی

دوم» ریاست خاتمی است حاصلت نما نیست؟ لاعلاجی ساخت و پخت ناشی از ضعف مفرط و احساس وحشت عمیق از «شکله باروت و خطربراندازی» را بر نمی تابد؟ یک نمونه دیگر در ماندگی جناح «برنده»، گفته حجازیان در آستانه انتخابات، که می «باید اصلاحات در اصلاحات کرد تا انقلاب در انقلاب نشود»، در آن زمان به نوعی «راهکار سیاسی زیگزاکی» تعبیر شد، حال آن که غرض وی صرفاً «مارکشیندن» و فریب افکار عمومی در روزهای قبل از «رای» بود. اما، پس از حصول نتیجه، همین «استراتژ جامعه مدنی» را می بینیم که خفیف و درمانده، دانشجویان را صریحاً به «غیرسیاسی شدن» دعوت می کند: «من پیشنهاد می کنم دانشجویان یک مقدار درنگ کنند و یک مدتی غیرسیاسی بشوند و بیشتر بحثهای تئوریک بکنند» - سخنرانی برای دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، حیات بو، ۹ مرداد ۸۰ -

حیر، قطارقلابی و نمایشی اصلاحات ازدورافتاده. برعکس، جازدنیهای سران این جناح و شخص خاتمی و وادادن در تدارک کابینه به صورتی است که انگار «برنده» انتخابات دارد با دستهای بسته و «حشتک خیس» راه می رود.

xxx

واقعیت رکود و گیرکردن درونی جناح «دوم خرداد» را می شود در سردی و بی رمقی تدارکات تفنیذ هم دید. به خصوص، می توان در یک مرور مقایسه ای با تجربه «تفنیذ» در دوره اول نشان داد که تا چه حد افت کرده اند در طول این بازبینی به برخی علل ورشکستگی و درماندگی صاحبان «قرانت دیگر» نیز پی می بریم. نقل قولی که در تارک نوشته آوردم برگرفته از جدل «تفنیذ یا تفویض» است، که چهارسال پیش، به ابتکار همین سعید حجازیان، طی دومقاله نسبتاً تند علیه جناح مقابل در نشریه «عصرما» به چاپ رسید و مواضع وی در این باره، آن زمان بخشی از طرح پرمطراقی «قرانت دیگر» به شمار می رفت. این بحث جنجالی را حجازیان، مخصوصاً چهارروز قبل از امضای حکم خاتمی توسط خامنه ای، با انتشار مقاله «مفهوم حقوقی تفنیذ» در عصرما مورخ ۸ مرداد ۷۶، به راه انداخت. وی در ابتدای آن نوشته، با توپ پر، همزمان ناطق نوری و آیت الله خزعلی را می نوازد. اینها تفنیذ حکم خاتمی را واگذاری و «تفویض

«مطابق با نظریه خلافت، همه اوامر و اطاعات یک سرچشمه دارند و آن خلیفه الله فی الارض است و زنجیره ای از استخلاف همه اشخاصی را که نوعی فرماندهی دارند به خلیفه پیوند می زند و در طول او قرار می دهد.» - سعید حجازیان، هفته نامه عصرما، شهریور ۷۶ -

وقتی این سطور را می نویسم، دو روز به دوازدهم مرداد بیشتر مانده است چندی پیش، روزنامه های حکومتی طی یک خبر کوتاه اعلام کردند که خامنه ای، روزپنجمین آینده «حکم ریاست جمهوری» خاتمی را «تفنیذ» خواهد کرد، همین. هیچان خاصی از این خبرساطع نشد. نه از جناح چپ ابرازاحسانت شد، نه جناح راست بحث تفویض را پیش کشید. بگو مگوی «مراسم تحلیف» هم پیداست بیشتر به یارس خوابیده می ماند.

در این روزها، اکثر نشریات «ولایی» به جای هرکشمکش جدی، مقاله ها و گزارشهای خود را به مساله «قتلهای عنکبوتی در مشهد» و تبلیغ «مربودن قاتل از انگیزه و عمل مجرمانه»^[۱] اختصاص داده اند رسانه ها و سران جامعه مدنی هم به این منطق شیخ قرون وسطایی، اعتراضی ندارند. انگار، از بنظ هر دو جناح صدای آن جبار به گوش می رسد که خطاب به سلمان رشدی می گفت نو را بکشند برای خودت بهترست، زودتر از گناهانت خلاص می شوی! بحتک خمینی بر هر دو طرف حاکم است، فقط توان سیاسی و اقتدار عملی او را ندارند اینست که تعارضهای مالیخولیایی اکنون بیشتر از گذشته به چشم می خورد: «حسن و سرور انتخاب خاتمی» همزمان است با ساط اعداها و شلاق زدن آنها توسط پاسداران نقادار. در همین حال، «ستکرگفت وگویی تمدنها» از یکسو سیخ جنایت را نوازش می کند و از سوی دیگر به مراسم «بزرگداشت سهروردی» پیام می فرستد! در متن این طنزسیاه و شناعتهای بهت آور، اما «عقلای هردو جناح» به خصوص در بالا، سحت محتاط و دست به عصا راه می روند. یک نمونه موضوعی: کاده کشی «تحقیق و تفحص مجلس» در امور رادیو تلویزیون، با پرده دری فساد نفی حضرات پاسخ داده شد، ولی هردو طرف از ادامه و «تعیین تکلیف» این درگیرها اشکارا پرهیز دارند، از یک جا به بعد غلاف می کنند این سیاق کار و ویژگی آغاز «دوره

اختیارات ولی فقیه به رییس جمهور» اعلام کرده بودند. ناطق نوری طی مصاحبه ای گفته بود: «مشروعیت همه دستگاهها، از جمله مجلس، دولت و قوه قضاییه به ولایت فقیه است. ولی فقیه می تواند هر مقدار از اختیاراتش را که تفویض کرده است پس بگیرد». و خزعلی نیز، بیشتر، مساله را روشن چنین بیان کرده بود که «ولی فقیه فرمان قوه مجریه را دارد». حجازیان، اما، کاسه داغتر از آنش، مدعی بود که با «جمهوری اسلامی» و استقرار ولایت فقیه «نظام سیاسی نوینی مبتنی بر آرای مردم تأسیس شده ... و لذا تلقی تفویض یک شائبه است ... و این توهم که اختیارات رئیس جمهوری منبعث و مأخوذ از ولایت مطلقه فقیه است، به لحاظ قانون اساسی توجیهی ندارد». خلاصه، تازه رومده بودند و خیال می کردند پرچمداری «قانون اساسی» کفایت مقصود می کند. باری، در این جدال قلمی و مصاحبه ای، کسان دیگری هم وارد شدند از جمله فردی بنام ع. داوری، در شماره شهریور ۷۶ عصرما، نظریه حجازیان را به اتکای مواضع و نوشته های خمینی رد می کند، مثلاً از کتاب ولایت فقیه شاهد می آورد:

«اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت - علم به قانون و عدالت - باشد، به با خاست و تشکیل حکومت داد همان ولایتی که حضرت رسول اکرم (ص) در امر اداره جامعه داشت دارا می باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند. این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم (ص) بیشتر از حضرت امیر (ع) بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر (ع) بیش از فقیه است، باطل و غلط است ... - خمینی، کتاب ولایت فقیه، ص ۵۵ انتشارات آزادی قم -

همچنین، از «کتاب البیع امام خمینی»، ص ۷۹، نقل می کند که: «امور حسیبه اموری است که به یقین می توان گفت شارع مقدس راضی به وانهادن آنها به حال خود نیست و حتماً باید مسئولی عهده دار تصدی آن باشد ...» اموری نظیر حفظ نظام اسلامی، «پاسداری از مرزهای میهن اسلامی»، «حفظ جوانان مسلمانان از گمراهی و انحراف» و «جلوگیری از تبلیغات ضد اسلامی»، از روشنترین مصادیق امور حسیبه به شمار می روند ... این موارد نیز در دوران غیبت امام علیه السلام از جمله اختیارات فقیه خواهد بود.»

xxx

اما حجازیان، بحث را زمین نمی گذارد ادامه می دهد و در مقاله دیگری مندرج در همان شماره شهریور عصرما، آهنگ کلام را تندتر می کند. حتا،

تلویحاً، شباهت آرای مخالفان به «نظریه خلافت» را به رخشان می کشد برای فرار از منگنه «آرای امام راحل» نیز، حقه ای قدیمی را به کار می گیرد می آید به زعم خودش «نظرات اجتماعی و سیاسی امام ره» را به نظرات قبل و بعد از انقلاب تقسیم می کند و اصرار می ورزد که «آرای متأخر ایشان» را باید «اصل» گرفت: «در میان نظریات اجتماعی و سیاسی امام (ره)، با توجه به تحولات زمانه، تبدیل و تبدلاتی دیده می شود به گونه ای که از نظر ما، بعضی ناسخ بعضی دیگر هستند لذا اصل، برای ما، آرای متأخر ایشان است برای نمونه، با استقرار نظام «جمهوری اسلامی» ما وارد فضای کاملاً جدیدی شدیم که نمی توان انتظار داشت که امام راحل در درسهای نجف خود، متعرض مقوله ای مثل «جمهوریت» شده باشند ... خط امامی بودن، بدین معناست که قوانین جمهوری اسلامی را مراعات کنیم و محکمترین محکومات امام، یعنی اصل نظام جمهوری اسلامی و منای حقوقی آن یعنی قانون اساسی را محترم بشماریم.» و در ادامه این استدلال، در بحث تفنیذ بالاخره به جایی می رسد و اما واگرایی را ذکر می کند که قبایل تامل و یادآوری است:

«... پس از تأیید صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری توسط شورای محترم نگهبان و انتخاب مردم، رهبری هم حتماً حکم ریاست جمهوری را امضا می کند. والا اگر اراده ای را فوق اراده جمهور مردم بدانیم، با اصل جمهوریت نظام تنافی دارد.» - همان جا -

در این مجادله، حجازیان، به عنوان تنورسین و یکی از طراحان و تدوین کنندگان «قرانت دیگر»، و در ضمن یکی از سیاستکاران و مجریان تراز اول «پروژه خاتمی»، به انواع فوت و فن پلمیک متوسل می شود و - از رهگذر بحث و جدل سر «تفنیذ یا تفویض» سعی وافرمی کند ثابت نماید که:

۱- تنور آرای و عقاید بعد از انقلاب خمینی صرفاً متن و مفاد «قانون اساسی» بوده و ولایت مطلقه فقیه مفید به همین قانون است. ۲- ولایت مطلقه فقیه، گویایک نظریه مدرن و قانونی منبعث از رای مردم بوده و در «جمهوری اسلامی» چیزی به مثابه «اراده برتر» وجود ندارد. و اتفاقاً، به باور من، پاشنه آشیل بحث حجازیان نیز از همین دومدعای دروغین تشکیل شده، که پایبتر نشان خواهم داد. اگرما، در ارزیابی این جماعت، می گویم اینها اصلاح طلبان قلابی و سرسپرده فقهاتی هستند - بقیه در صفحه ۱۴

تنفیذ بازوی اجرایی نظام

بقیه از صفحه ۱۳

سوی سوابق اشتراک در تهمکارها و عدم امدادی نقد از گذشته و بسیاری همدستیهای جنایتکارانه اخیر - منظورمان از جمله همین است که، منطق نظری جناح خاتمی و دعاوی تئوریک آنها و مجموعه نظراتی که تحت عنوان «قرائت دیگر» در برابر جناح رقیب پیش می کشند، بار و توان تولد درست و حسابی ندارد. محصول انعقاد ایده و اجرای «پروژه» - البته علاوه بر مشارکت در قدرت و رانتهای ... - در مثل می گویم، یا سقط جنین بوده و یا ناقص الخلقه. علاوه بر این، چون سازوکار پاسخگویی در کار نیست و دغدغه رقیب در «فرم» هم ندارند، حذف خطا و دینامیسم کارآمد و نتیجه بخش نبر عاجل نیست. آخر، کسی مسئولیت خرابیها و شکستها را نمی پذیرد که تاوان پس دهد. زهدان فکری این جماعت همان «قانون اساسی» نظام قرون وسطایی است. با تعدی از این ایشخور، کلمه ها، ایده ها، حتی وقتی منعقد هم می شوند، درست عمل نمی آیند و طلی پروسه تجربه و آزمون بعدی، نارسا و عقیم مستهلک می شوند. این نوع «فرم» حکومتی، بیشتر به کار مشارکت و سهم گیری از قدرت می آید، چاره ساز و مشکل گشای بحران نیست. بیشتر آن را امتداد می دهد و نه جای سبک کردن بار، قوز بالای قوز آنها می گذارد و نیرویشان را بیشتر از پیش می خورد. اگر به سوابق مشترک «روحانیت» و درهم آمیختگی مالی و اقتصادی جناحها، وابستگی «تعبیرناپذیر» به زمینه فکری فقهانی و تعهد به «قانون اساسی» توجه کنیم و عامل قدرت طلی و سهم بازیافته از رانتهای و بودجه های میلیاردی و صندوقهای بادآورده مجلس و وزارتخانه ها و هزاران پست و مقام دوایر کشوری را هم در نظر بگیریم، آن وقت معلوم می شود چرا تضادهای جناحی و باندهای حاکم در نهایت بیهوده و از جنس «تضاد سقط» هستند و رو به جلو نمی دهند. دعاوی چهار سال پیش حجابیان، درباره تضاد «تنفیذ با تفویض» و ... به همین ترتیب شامل فرسایش و مرور زمان شدید و از کل «قرائت دیگر» و اقتدای به «قانون اساسی»، محصول سالم و یا به رشدی پدیدار نگشت، آخر خود آن «قانون اساسی» یکسره مقهور ولایت فقیه بود.

xxx

من، این جا، در ادامه مطلب، مایلم نکته ای را که جای دیگر هم نوشته ام تکرار کنم، تا روشن باشد. چرا در این

نوشته مستقیماً با مفاد قانون اساسی رژیم وارد درگیری و کنکاش نمی شوم، این متن موسوم به «قانون»، اساساً متضمن انواع تعیض و ابطالاید جنسی، مذهبی و ملی است. این متن آشکارا ناقض میثاقهای حقوق بشر و حق برابر انتخاب و حاکمیت مردم بوده و از نظر شورای ملی مقاومت فاقد مشروعیت اعلام شده است. کل و کمال آن را قبول نداریم که با بخشی از مفاد آن دعوا کنیم. ولیکن، می توانیم، در ادامه بحث فوق، با مراجعه به آرای محققان درونی نظام و حتی هم جناحهای حجابیان، بی پایه بودن دعاوی وی را نشان دهیم. مثلاً از بررسیهای محسن کدیور شاهد مثال می آوریم وی که ولایت انتصابی مطلقه فقیهان را «نظریه ابتکاری معمار بزرگ جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (قدس سره)» می داند، بارها، بطور مستند و مستدل، مسایل بالا را تشریح کرده است. حال، جهت فهم ساده تر موضوع، دعاوی حجابیان را به صورت دو پرسش تکراری کنیم:

ایا خمینی اساساً خود و ولایت فقیه بعد از انقلاب را به احکام شرع و متن قانون اساسی مقید می دانسته؟

- ایا در این جمهوری اسلامی، «اراده مافوق و برتر» وجود ندارد؟

- کدیور صریحاً از «عدم نقد ولایت مطلقه فقیه» به احکام فرعیته الهیه اولیه و ثانویه» یاد می کند و در رابطه با قوانین نیز، ولایت مطلقه فقیه را قطعاً به معنای «عدم نقد به قوانین بشری از جمله قانون اساسی» شرح می دهد. به عنوان مثال، با استناد به مواضع شخص خمینی (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۶۱) و صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، یعنی یک دهه بعد از انقلاب، چنین می نویسد:

«وقتی قانون اساسی مشروعیتش را از تنفیذ ولی فقیه کسب می کند، چگونه چنین قانونی می تواند ولایت مطلقه فقیه را مقید و محدود نماید؟ ولی مطلق فقیه هرگاه صلاح بداند و مصلحت اسلام و مسلمین را در طریق پیش بینی نشده در قانون اساسی بیابد، حق دارد قانون را نقض کند. اما این نقض ظاهری است. زیرا قانون واقعی همان قانون اسلام است که ولی فقیه آن را نقض ننموده است. او امر ولی فقیه در حکم قانون است و در صورت تعارض ظاهری با قانون، مقدم بر قانون است.» - کتاب نظریه های دولت در فقه شیعه، ص ۱۰۸ و ۱۰۹ -

این رأی کارشناسی درباره «اوامر ولی فقیه»، حاصل کارطولانی یک محقق معتبر «دوم خرداد» روی مجموعه آرای و عقاید خمینی - از اوان کار تا زمان «رحلت حضرت امام» می باشد، همین طور، ارزیابی و نظریه

مراجع مهم و مورد وثوق خمینی از «جناح دیگر» هم مؤید آنست که اساساً بحث «تنفیذ با تفویض»، در چهارچوب این «قانون اساسی» لایتغیر، چیزی جز یک تقابل سقط و بی ثمر نیست. زیرا اعتبار تمام نهادها و قوا و قانون اساسی و حتی «رأی مردم» نیز - چه به واسطه تنفیذ یا تفویض باشد - کلاً از منبع مشروعیت ولی فقیه، یا همان سرچشمه «خلیفه الله فی الارض» اب می خورد، مثلاً آیت الله مؤمن قمی، چنین می گوید:

«ولی فقیه منشأ مشروعیت نظام است و همه نهادهای حکومت، از جمله قوای سه گانه و قانون اساسی و قوانین عادی با تنفیذ وی مشروع می شوند.» - کلمات سدیدیه فی مسائل جدید، ص ۱۱ و ۱۲، نقل قول از همان کتاب کدیور، ص ۹۸ -

این تنفیذ یا تفویض در هیچ صورت برای «مقام معظم رهبری» تعهدی نمی آورد، او می دهد و می گیرد، هر وقت «صلاح بداند»:

«تنفیذ و امضای قانون اساسی الزام و تعهدی برای ولی فقیه ایجاد نمی کند. او می تواند در صورتی که صلاح بداند یک طرفه آن را لغو کند.» - آیت الله جوادی املی، کتاب «پیرامون وحی و رهبری»، ص ۱۶۸ و ۱۶۹ -

یعنی ولایت فقیه، گرچه در «قانون اساسی» صاحب لنگری است مشتمل بر هژمونی بر همه قوا و بالاتر از اینها، ولی حوزه بی کران اختیارات وی مافوق و فراتر از اینهاست. این معنا نیز فقط در استنباط «روحانیت فقهانی» چنین نیست، بلکه مکلاهای «جناح راست» نظام نیز همین را می گویند و به وجود و اقتدار «فوق قانون»، یعنی همان که «اراده برتر» باشد، شهادت می دهند:

«در نظام ولایت فقیه، فوق قانون وجود دارد ولی [فقیه] می تواند در هنگام لزوم بر قانون و یا حتی قانون اساسی پیشی گیرد.»

- محمد جوادی لاریجانی، کتاب «حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی» ۱۳۷۳، ص ۳۸ - گذشته از همه این مدارک و اسناد انکارناپذیر، همه می دانند که شخص خاتمی، خود بارها از ولی فقیه به مثابه «اراده برتر متناسب به وحی» یاد کرده و سرسپردگی خود را به این عمود

«فوق قانون» مورد تأکید قرار داده و در عمل نیز به همان ترتیب رفتار کرده است. و اتفاقاً این مواضع «پرچمدار اصلاحات»، در سقط کردن «تضاد» ها تأثیر مهمی داشته است. وانگهی، آیا موردی بوده که همین سران «جبهه مشارکت» و شخص حجابیان - مدعی حاکمیت مردمی -، سر بر نگاهها، یعنی آن جا که «اراده برتر» با یک حکم

حکومتی مداخله کرده و مثلاً مجلس و دیگر مسایل را بنا بر ملاحظاتی «اسلام عزیز» تمشیت داده، راست به اعتراض بایستند و بگویند نه، نی ات، بس است دیگر؟ پس ورشکستگی و درماندگی سیاسی - تئوریک کنونی آنها، مسبوق به سابقه چهار سال خلف وعده و ذلت و خفت مواضع نیز هست.

همان طور که می دانیم اختیارات «فراسلطنتی» ولی فقیه در اصل ۱۱۰ «قانون اساسی» فهرست شده است.

ولی جالب است که فقهای شورای نگهبان، که در این رژیم بالاترین مرجع تفسیر و تطبیق قانون یا موازین شرعی هستند، خودشان بارها تأکید داشته اند که این اختیارات به یازده بند مندرج در «قانون اساسی» محدود نمی باشد؟ «انتهایی که اختیارات ولی فقیه را

محدود به یازده بند قانون اساسی می دانند، اشتباه می کنند این یازده بند خاص ولی فقیه است و کسی نمی تواند در آن دخالت کند، نه آن که اختیارات ولی فقیه منحصر به این نکات باشد.» آیت الله یزدی، هنگام ابراز این نظر،

در نماز جمعه ۱۶ خرداد، ۷۶ هژور رئیس قوه قضاییه رژیم بود، اما اخیراً، در مقام عضو شورای نگهبان نیز، همان معنا را به تکرار گوشزد نمود:

«بالا تفاق و از همان روزهای اول گفتند معنی این اصل ۱۱۰ این هست که این وظایف فقط به وسیله رهبر انجام می گیرد... فرماندهی

بیرونی مسلح، عزل و نصب فرماندهان، عزل و نصب فقهای شورای نگهبان و همینطور موارد دیگری که در این ۱۱ بند آمده است، خوب این اختصاص دارد به رهبری یعنی این کارها فقط به وسیله رهبری انجام می گیرد، نه اینکه رهبر فقط این کارها را باید انجام بدهد.» - خطبه اول نماز جمعه ۲۹ تیر ۸۰ -

اینها، سر بر نگاهها، درسرخن و بخصوص در اقدام و عمل، معمولاً از این مواضع خمینیستی دست نکشیده اند. در آن طرف، «اصلاح طلبان» کذابی هم، در طول چهار سال، نتوانستند از بطن و متن «قانون اساسی» نظام، چیزی خارج از سیطره اقتدار ولی فقیه استخراج کنند که یا بگیرد و ریشه بدواند و رشد کند. پس، بی سبب نیست که در این ایام دیگر کسی برای تمایز تنفیذ، تفویض، نصب و ... خاتمی تره خرد نمی کند. تازه، وقتی «خلیفه الله»

در صبح روز انتخابات اخیر هم، آشکاراً فقط نقش ماسر اجرایی برای وی قایل شد و گفت: «ریاست جمهوری ... در واقع بازوی اجرایی نظام [ولایت فقیه] است.» - مصاحبه خانم ای با تلویزیون رژیم، ۱۸ خرداد ۸۰، - حجابیان و دیگر سران جبهه مشارکت لام از کام باز نکردند.

در گوشه و کنار جهان

— جعفر پویه

فلسطین



ترک مذاکرات سیاسی از جانب دولتمردان اسرائیل و بازگرداندن شرایط به گذشته روز بروز اوضاع را در منطقه بحرانی تر می کند. انجام خشونت از جانب دولت اسرائیل باعث فعالیت شدن گروه های تند رو فلسطینی شد و آنها با استناد به اعمال ارتش اسرائیل هر روز گروه های بیشتری از مردم را با خود همراه می کنند. در این نزاع نابرابر تنها عده زیادی از مردم بیگناه یا جان خود را از دست داده اند یا بر اثر حملات ارتش اسرائیل، بی خانمان شده اند. تا زمانی که اسرائیل عرفات را نه یک شریک صلح بلکه دشمن می پندارد و به جای مذاکره به تهدید او می پردازد، چشم اندازی بر پایان درگیریها متصور نیست. شکار فعالان سیاسی از زمین و هوا، و کشتار آنان، ورود ارتش اسرائیل به مناطق تحت اختیار دولت خود مختار فلسطین و تحت تعقیب قرار دادن فلسطینیها در آنجا و تخریب خانههای مردم بیگناه، اشغال اورینت هوس دفتر سیاسی دولت فلسطین در اورشلیم و ... نشان می دهد که اسرائیل شرایط را همچنان آشوب رده می خواهد. اعمال و گفتار سران دولت اسرائیل نشان می دهد که آنها هیچ برنامه ای برای حل مشکل ندارند و قراردادهای گذشته بین دولت فلسطینی و اسلاف خود را نیز به رسمیت نمی شناسند. اهمیت بیشتر دادن به گروه های تندرو و محدود کردن فعالیت سیاسی دولت فلسطین و بستن راه های سیاسی بروی سیاستمداران فلسطینی، نشان می دهد که دولت اسرائیل از بشرد مباحث سیاسی ناتوان است و به تنها راه باقی مانده متوسل شده است.

هند - ۳ مرداد

در اعتراض به سیاستهای دولت هند در امر خصوصی سازی و کاهش نیروی کار ۹/۵ میلیون نفر از کارمندان دولتهای ایالتی و مرکزی این کشور دست به اعتصاب زدند. سوکومال سین دبیرکل

فدراسیون کارمندان دولتهای ایالتی سراسر هند گفت: استادان دانشگاهها و آموزگاران مدرسه های دولتی نیز از اعتصاب عمومی کارمندان حمایت خواهند کرد. اتحادیه کارمندان بانکی سراسر هند نیز از این اعتصاب حمایت کرده است. بنا به گزارشات همه اتحادیه های برجسته کارمندی از اعتصاب پیشینهادی پشتیبانی کرده اند.

آرژانتین - ۹ مرداد

پس از تصویب لایحه تعدیل اقتصادی دولت توسط مجلس سنای آرژانتین، تظاهر کنندگان به خصوصی کردن شرکت برق دولتی در شهر کوردوبا با پلیس صد نورش درگیر شدند که به زخمی شدن و دستگیری انجامید. همچنین روز ۲۴ مرداد هزاران تن از بیکاران آرژانتینی در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت در بزرگترین خیابان مائتازا در حومه بوئنوس آیرس راهپیمایی کردند. تظاهر کنندگان همچنین در اعتراض به سه سال سیاست ریاضت اقتصادی، به مدت سه روز بزرگراه ملی را مسدود کردند. آرژانتین ۱۳ میلیون فقیر و ۱۶/۴ درصد بیکار دارد.

السالوادور -

۱۰ مرداد

دانشجویان السالوادوری در سالروز کشتار ۲۰ تن از دانشجویان در ژوئیه ۱۹۷۵ توسط گارد ملی این کشور و مفقود شدن ۸۰ تن از آنان، پرچم امریکا را در سنان

سالوادور به آتش کشیدند. دانشجویان دانشگاه ملی این شهر می گویند امریکا در قتل این افراد دست داشته است.

المان - ۱۱ مرداد

در مخالفت با نژاد پرستی و بیگانه ستیزی گروه مبارزین صد نژادپرستی از چندین نقطه شهر فرانکفورت اقدام به راهپیمایی کردند. آنها که شعارهایی بر علیه نژادپرستی و بیگانه ستیزی می دادند مخالفت خود را با رد درخواست پناهندگی پناهجویان و بازگرداندن آنها به کشورهایشان اعلام کردند. در همین حال تعدادی از تظاهر کنندگان سعی

کردند تا شهرداری را استغال کنند که نیروهای پلیس وارد صحنه شده و تعدادی از آنان را دستگیر کردند. در بین دستگیر شدگان یک عکاس خبرگزاری المان و نیز یک خبرنگار خبرگزاری اسوشیتد پرس وجود دارند.

کلمبیا - ۱۱ مرداد

ده هزار کشاورز کلمبیایی در اعتراض به شرایط سخت زندگی خود مهمترین جاده های این کشور را مسدود کردند. این کشاورزان می گویند در شرایط بحرانی به سر می برند و دولت آنها را فراموش کرده است. بنا به گزارش خبرگزاریها کشاورزان و روستائیان ۲۷ نقطه مهم از جاده های اصلی را بسته اند و در بسیاری از راهها از تردد وسایل نقلیه جلوگیری می کنند. همین منابع می گویند در بسیاری از استانها بومیان نیز به جمع کشاورزان پیوسته اند. در پاسخ به دستور دولت به ارتش و پلیس برای پراکنده کردن کشاورزان، معترضان می گویند تا پیدا کردن راه حلی توسط دولت برای مشکل انسان این اعتراض ادامه خواهد داشت. بازنگری در شرایط باز پرداخت وامهای بانکی یکی از خواسته های کشاورزان است.

در اعتراض به خشونت پلیس در ایتالیا - ۱۲ مرداد

و ایتالیا حمله کردند، که منجر به شکسته شدن شیشه های سفارتخانه ها شد و پلیس سه تن از تظاهر کنندگان را بازداشت کرد. در این حال کنسولگری ایتالیا در شهر مالمو و همچنین دفتر توریستی این کشور در استکهلم نیز با اعتراضات مشابهی مواجه شدند. طبق آمار رسانه های محلی در درگیری میان پلیس و تظاهر کنندگان در شهر جنوا، یک نفر کشته، ۵۶۰ مجروح، ۲۱۹ بازداشت شدند. همچنین ۸۳ دستگاه خودرو و ۴۱ باب مغازه، ۳۴ شعبه بانک، ۹ واحد اداره پست، ۱۶ پمپ بنزین، ۳ اداره دولتی، ۴ واحد مسکونی و تعداد بسیار زیادی زباله دانی شهرداری بطور کامل تخریب شدند.

۱۵ مرداد

نخست وزیر ایتالیا از ترس تکرار حوادث جنوا از سازمان جهانی حواریان (فائو) خواست تا اجلاس آینده آنرا که ۵ تا ۹ نوامبر برگزار می شود از رم به یک کشور آفریقایی منتقل کند. نخست وزیر دست راستی ایتالیا در دیدار با سناتورهای وابسته به حزب زنده باد ایتالیا (برگزاری اجلاس سران جهان در امر غذا در رم را بسیار خطرناک توصیف کرد و گفت در حال متقاعد کردن مقامات فائو برای انتقال محل این اجلاس از رم به مکان دیگری می باشد. این در حالی است که مخالفان جهانی



سازی در جنوا اعلام کرده بودند که برای حمایت از گرسنگان از ۵ تا ۹ نوامبر از سراسر جهان در رم گردهم خواهند آمد.

پلیس بین المللی - ۱۶ مرداد

به نوشته روزنامه کاردین ویرمان آرسد در المان و ایتالیا پیشنهاد تشکیل یک پلیس بین المللی برای مقابله با مخالفان جهانی سازی را داده اند که قادر به جابجائی از کشوری به کشور دیگر در سراسر اروپا باشد. اوتو اشیلی وزیر کشور المان پس از دو روز مذاکره با همتای

بقیه در صفحه ۱۶

در اعتراض به خشونت های پلیس در جریان اجلاس سران گروه ۸ در جنوا، مخالفان جهانی سازی به نمایندگیهای کانادا و ایتالیا در امریکا، انگلیس و سوئد حمله کردند. همزمان صد ها نفر دیگر در مقابل پارلمان ایتالیا در رم با شعار فاتیستها، فاتیستها به تظاهرات پرداختند و خواستار استعفای وزیر کشور و رئیس پلیس ایتالیا شدند. به گزارش خبرنگاریها از لندن مخالفان جهانی سازی در اعتراض به کشته شدن یک تظاهر کننده و خشونت های پلیس علیه تظاهر کنندگان با سنگ به ساختمان سفارتخانه های کانادا

در گوشه و کنار جهان

بقیه از صفحه ۱۵

مکزیک - ۱۷ مرداد

توافقنامه دوساله است، در حالی که کارفرمایان تنها با افزایش ۸ درصد دستمزدها موافقت کرده اند.

هزاران کشاورز مکزیک در اعتراض به



بیرامون دو محور اساسی خاورمیانه و پرداخت عرامت برده داری، یس از ۱۵ روز مذاکره به شکست انجامید. به گزارش خبرگزاری فرانسه از ژنو، امریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا حاضر نشدند هیچ یک از اسنادی را که

صهیونیسم را به شکلی به نژادپرستی تشبیه می کرد، بپذیرند. این اسناد قرار بود در کنفرانس ضدنژادپرستی سران در دوربان (۹ شهریور) به تصویب برسند. در ارتباط با دیگر موضوع حساس گفت و گوها نیز، کشورهای استعمارگر سابق به ویژه آن دسته از کشورهایی که به تجارت برده می پرداختند، حاضر نیستند به کشورهای مستعمره سابق و یا قربانی برده داری عرامت بپردازند.

ارژانتین - ۲۰ مرداد

یک قاضی ارژانتینی وزیر امور خارجه سابق امریکا و سه دیکتاتور پیشین آمریکای لاتین را در چهارچوب تحقیقات در مورد توطئه دولتهای نظامی این منطقه و امریکا در ادم ربایی و کشتار مخالفان در دهه ۱۹۷۰، رسماً به دادگاه احضار کرد. رژیمهای دیکتاتوری آمریکای لاتین در جریان عملیات معروف به کندور با

قیمت پایین قهوه و شکر در حیواناتهای مکزیکوسیتی راهپیمایی کرده و هشدار دادند که ممکن است حل نشدن بحران فزاینده کشاورزی به اعمال خشونت منجر شود. تظاهر کنندگان در چند نقطه شهر راه بنیان ایجاد کرده و مقامات را مجبور ساختند چندین حاده اصلی را مسدود سازند. کشاورزان مزارع اشتراکی، سازمانهای چپ و دهقانان فاقد زمین در این راهپیمایی شرکت کرده و گفتند در صورت عدم پاسخگویی دولت به درخواستهایشان

ایتالیایی خود در رم بر سر تشکیل چنین پلیس ضد شورشی به توافق رسیدند. دولتهای ایتالیا و آلمان در صددند نیروی چند زبانه برای جمع آوری و یک کاسه کردن اطلاعات امنیتی، نظارت بر مرزها، رهگیری رهبران گروههای صدجهایی سازی و توسعه تاکتیکهای مهار شورشها را تشکیل دهند.

اعلام تظاهرات در ناپل ۱۷ مرداد

مخالفان جهانی سازی در ناپل اعلام کردند که نشست ناتو در جنوب ایتالیا را به درگیری خونین تبدیل می کنیم. فرانچسکو کاراسو رهبر شبکه ضد جهانی سازی نوگلوبال در ناپل در مصاحبه ای با روزنامه ایتالیایی لاستامپا گفت: ما آماده نبرد هستیم و این بار آرام عمل نخواهیم کرد. سازمان نو گلوبال خواستار لغو نشست ناتو است و از فعالان ضد جهانی سازی در سراسر جهان خواسته است برای برهم زدن این اجلاس که در روزهای ۲۶ و ۲۷ سپتامبر در ناپل برگزار می شود بسیج شوند. کاروسو گفت پس از حوادث جنوا جنبش او به لزوم درگیریهای قاطعانه اعتقاد پیدا کرده است. به گفته او در ماه مارس هم ۳۰ نفر مورد ضرب و ستم بیرونی پلیس قرار گرفتند، اما این بار آنها می توانند مطمئن باشند که ضد جهانی سازی ها، اجازه این کار را نخواهند داد.

آفریقای جنوبی - ۱۵ مرداد

بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران صنایع خودروسازی آفریقای جنوبی در بی شکست مذاکرات اتحادیه های کارگری و مدیران کارخانه های خودروسازی بر سر افزایش دستمزد اعتصاب کردند. اتحادیه کارگران خواهان افزایش ۱۲ درصدی حقوق کارگران در یک

دست به یک اعتصاب سراسری خواهند زد.

نشست تدارکاتی کنفرانس ضد نژادپرستی - ۲۰ مرداد

نشست تدارکاتی کنفرانس ضدنژادپرستی در ژنو به دلیل عدم دستیابی شرکت کنندگان به توافقی

هدایت دولت وقت امریکا در دوران جنگ سرد، مخالفان سیاسی را در سراسر امریکای لاتین می ربودند و به قتل می رساندند. دادگاه عالی ارژانتین دیروز حکم بازجویی از هنری کیسینجر را به دولت امریکا ابلاغ کرد. رودلفو کانیکوباکورال قاضی ارژانتینی مسئول تحقیقات پرونده عملیات امریکایی



کندور همچنین فرمان بازداشت اگوستو بینوشت دیکتاتور سابق سینی را نیز به دولت این کشور ابلاغ و حورکه رافائل ویدلا دیکتاتور سابق ارژانتین را نیز در محل سکونتش در بوئنوس آیرس موقتاً بازداشت کرد. او همچنین فرمان بازداشت ژنرال خولیووادورا مقام عالی رتبه نظامی اروگوئه و مسئول سازماندهی بخش عملیات کندور در کشور اروگوئه را نیز به دولت موقتاً ویدئو ابلاغ کرد. در همین حال، مقامات قضایی شیلی به دادگاه عالی ارژانتین اعلام کردند در پی درخواست قضایی ارژانتینی مسئول پرونده کندور، مانوئل کونتراس مسئول سازمان مخوف اطلاعاتی رژیم بینوشت بازداشت شده و بزودی در اختیار قضایی قرار خواهد گرفت.

اسپانیا - ۲۳ مرداد

هواداران حزب هری باتاسونا در یک مراسم ویژه برگذاشت اعضای کشته شده سازمان اتا، پرچم اسپانیا را در سن سباستیا به آتش کشیدند و علیه دولت مرکزی این کشور شعار دادند. این حزب همچنین در حمایت از سازمان اتا هواداران خود را به برگزاری یک تظاهرات فرا خواند که طی آن حزب حاکم ناسیونالیست باسک و پلیس محلی به دلیل تمرکز فعالیت خود بر مبارزه با سازمان اتا به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. در این راهپیمایی که عصر یکشنبه تحت عنوان ما یک ملت مستقل هستیم برگزار شد، هزاران تن از اهالی باسک در حالی که پلاکاردهایی در حمایت از سازمان اتا با خود حمل می کردند، دست به تظاهرات زدند.

فرانسه - ۲۳ مرداد

هزاران مخالف جهانی سازی به رهبری ژوزه بووه رهبر اتحادیه کشاورزان فرانسه در اعتراض به نظام سرمایه داری در شهر لیون فرانسه در برابر یکی از شعبات مک دونالد به عنوان نماد این نظام تظاهرات کردند. در این تظاهرات که با حمایت هزاران نفر از اهالی لیون برگزار گردید، بووه اعلام کرد که همراه ۵۰۰ هزار نفر در تظاهرات اعتراض آمیزی در رم برای اعتراض به اجلاس سران جهان در امر غذا شرکت خواهد کرد. او گفت قصد آنها برگزاری یک تظاهرات آرام است، اما آماده اند در برابر تحرکات پلیس فاشیست ایتالیا واکنش نشان دهند.

برای دیدن عکسهای مربوط به شرکت فعالان سازمان در تظاهرات جنوا به آدرس زیر (جنگ خبر) مراجعه کنید.

www.jonge-khabar.com

ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره‌ی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۱۸)

— اسماعیل وفا یغمایی

قیام یوسف برم (سال ۱۶۰ هجری)

در سال ۱۶۰ هجری خراسان (شهر بخارا) شاهد قیام دیگری به سرکردگی مردی به جان آمده از ظلم و ستم بنام یوسف برم بود. یوسف برم در اندک زمانی شمار زیادی از مردم ستمدیده را گرد خود جمع کرد و نیروهای خلیفه در بخارا را شکست داده و فرمانروای دست نشانده آن ناحیه را از تحت قدرت به زیر کشید.

مهدی خلیفه وقت که از جانب شورشیان بخارا خطر بزرگی را احساس می‌کرد، به یزید ابن مزید شیبانی از بزرگترین فرماندهانش که در حال جنگ با نیروهای یحیی خارجی بود دستور داد جنگ با یحیی را رها کرده و به جنگ با نیروهای یوسف برم برود.

در این جنگ نیروهای شورشی از سپاه عظیم عباسی شکست خورده و یوسف برم را با وضعی توهین آمیز به حضور خلیفه بردند. یوسف برم در حضور خلیفه با شجاعت بسیار سخن گفت و او را دشنام داد و جنایات خلیفه و عمال او را باز گفت. خلیفه دستور داد ابتدا یاران یوسف را در برابرش گردن زدند، بعد دو دست و دو پای او را بردند تا جان داد، بعد او را گردن زدند و بنا به رسم آن روزگار پاره‌های پیکر او را بر پل روی دجله اویختند. مجری قتل یوسف، هرثمه ابن اعین از نزدیکان و سرداران مهدی و زبده جلالان خونخوار دستگاه حکومت بود. قیام یوسف برم صیغه سیاسی و نظامی و ضد ظلم داشت و از لحاظ ایدئولوژیک بر اسلام و گرایش‌های ملی استوار بود.

شورش سرخ پوشان (محمیره) در گرگان ۱۶۲ (هجری)

اندک زمانی پیش از پایان کار المقنع در گرگان شورش سرخ پوشان به رهبری فردی نام عبد القهار آغاز شد. این شورش کوتاه مدت ولی گسترده و حشن در آغاز با کشتار وسیع وابستگان و عمال حکومت در گرگان شعله کشید و سر انجام با سرکوب حشن و خونین سرخپوشان توسط نیروهای عمر ابن علی که در ناحیه ای از طبرستان مستقر بودند و به مصاف سرخپوشان آمدند خاتمه یافت. شورش سرخ پوشان در گرگان شورشی علیه ظلم و ستم بی حد و مرز عمال حکومت و عکس

العملی خونین در برابر ستم ملی، فرهنگی، دینی و طبقاتی بود.

برخی از تحولات، جنبشها و قیامهای دیگر از سال ۱۶۲ هجری تا حوالی پایان قرن چهارم هجری

زنجیره تقریباً گسست ناپذیر شورشیها و قیامها چه در سرزمینها و شهرهای حول و حوش مرکز خلافت و چه در قلب مراکز ایرانی نشین و مناطقی که سلطه حاکمان با کثرت یادگانهای نظامی و با قدرت شمشیر حفظ می‌شد، در تمام دوران طولانی عباسیان و تا وقتی که مبارزات استقلال طلبان ایرانی به ثمر رسید کشیده شده است. در میان حلقات این سلسله قیامها و شورشیها گاه با جنبشهای غول آسا و عظیمی چون جنبش خرمدینان در آذربایجان و قیام زنگیان بصره و اهواز و جنبش عیاران سیستان روبرویم که سالهای متمادی ادامه داشتند و بارها دستگاه خلافت را به لرزه در آوردند و در نبردهایشان خون دهها هزار تن بر خاک ریخت. گاه نیز در میان شورشیها و قیامها با قیامی کوچک روبرویم که چند ماهی بیشتر به طول نکشیده است.

این قیامها از زاویه فکری متفاوتند. برخی از آنها عمیقاً با بینش شیعی آمیخته اند، برخی ریشه در آیینهای کهن ایران باستانی و به ویژه آیین مزدک و مانی دارند. نمونه هایی از دعوی رسالت در میان منادیان این قیامها دیده می‌شود. نقاط ضعف و قوت این قیامها و شورشیها برای کسی که پس از قرن‌ها حکایت این قیامها را باز خوانی می‌کند و با معیارهای امروزی از مقولات آزادی و عدالت اجتماعی آنها را می‌سنجد یکسان نیست. در برخی از این قیامها چهره هایی و رفتارهایی را می‌بینیم که پس از قرن‌ها ما را به احترام و ستایش خود انگیزاننده وادار می‌کنند و برخی رفتارها و خشونتها و تعصبات و خونریزیها قابل قبول نیست. برخی افکار و عقاید شماری از مبارزان آن روزگار تحسین بر انگیز و دارای روح و درونه ای هنوز زنده است و برخی افکار و اعتقادات شورشیان قابل انتقاد و یا غیر قابل پذیرش است. در کار اندیشه انسان این روزگار با رگه هایی ریز و درشت از حرافات و باورهای عوامانه مردمان آن فرنها آمیخته است، ولی با تمام اینها این حقیقت قابل رویت است که یک ملت به آنجا مختلف و در طول چند قرن با هر امکانی که داشته است و با هر سلاحی که در اختیارش بوده است، شمشیر، سلاح اعتقاد و باورهای فلسفی و مذهبی و سلاح فرهنگ، علیه ستم سنگین و سیاه ملی، طبقاتی، دینی، سیاسی و... مبارزه کرده است. برای قضاوت منصفانه در مورد ضعفها و

کاستیهای این جنبشها و برای نظاره جنبه های درخشان و قهرمانانه این مبارزات، باید زمان و شرایط حاکم بر آن دوران و ظلم سنگین و خونین اوار شده بر ایران قرنهای اول تا چهارم هجری را به خوبی لمس کرد و صدای حشمگین ملتی را که در زیر بار ستم سنگین ملی، فرهنگی، طبقاتی و دینی حاضر به تسلیم نیست شنید، آن گاه هم نقاط ضعف و هم نقاط قوت در ترازوی انصاف وزن خواهند شد.

سخن گفتن و نوشتن از تمام این قیامها، جنبشها، تغییرات و تحولات حتی به اختصار در این یادداشتها امکان پذیر نیست و حتی اگر از هر کدام ده یا پانزده سطر نوشته شود باید صفحات زیادی به این کار اختصاص داده شود، بنابراین با اشاره به منتخبی از اسامی و تاریخ آنها تا حوالی سالهای سصد و هشتاد هجری، آغاز هزاره دوم میلادی جلو می‌رویم و پس از این به قلمرو فرهنگ و ادبی که در دومین هزاره میلادی در ایران پدید آمده است وارد می‌شویم. این اشارات کوتاه به عنوان مشتکی از خروار می‌تواند ما را در ترسیم مبارزاتی که برای آزادی و استقلال صورت گرفته است یاری برساند. برخی دیگر از شورشیها، قیامها و جنبشها و تحولات عبارتند از:

— شورش سرخ علمان (خرمدینان) در گرگان ۱۶۲ هجری
— فعالیت‌های گسترده زندیکان (زنادقه) و سرکوب و کشتار وسیع آنان توسط دستگاه تفتیش عقاید و شکنجه و کشتار مهدی عباسی ۱۶۳ هجری.
— زندیکان طلیف وسیعی از محالان حکومت را از پیروان دین زرتشت تا مانویان و مزدکیان و تازاد اندیشانی که به دین و مذهب خاصی پای بند نبودند تشکیل می‌داد.

— شورش خونین و حشن سراسر طبرستان به رهبری ونداد هرمزغیسه نمایندگان و نیروهای خلیفه و کشتار گسترده آنان توسط شورشیان ۱۶۶ هجری.

— شورش خراسان علیه عمال خلافت، ۱۶۶ هجری.

— سرپیچی طبرستان از اوامر دستگاه خلافت، ۱۶۸ هجری.

— گسترش مجدد فعالیت‌های مجدد زندیکان و طرفداران مانی و مزدک و زرتشت در بغداد و کشتار و سرکوب مجدد آنان و کشتن چند تن از رهبران فکری زندیکان.

— قیام بزرگ فح، قیام حسین ابن علی از نوادگان علی ابن ابیطالب و کشتار گسترده پیروان او، ۱۶۹ هجری.

— اوجگیری مجدد فعالیت‌های زندیکان و بر پا کردن هزار دار برای بر دار کشیدن پیروان مانی، مزدک و زرتشت و سایر نحله های فکری مخالف حکومت در بغداد، ۱۷۰ هجری.

— شورش فضل ابن سعید حروری علیه دستگاه خلافت، ۱۷۱ هجری.

— قیام یحیی ابن عبدالله علیه دستگاه خلافت در سرزمین دیلم، ۱۷۶ هجری.

— جنبش بزرگ حمزه ابن اذرک سیستانی علیه دستگاه خلافت، ۱۷۹ هجری.

— قیام ولید ابن طریف جانفروش علیه عمال دستگاه خلافت، ۱۷۹ هجری.

— شورش و تسلط سرخ پوشان در گرگان، ۱۸۱ هجری.

— قیام ابو عمرو جانفروش علیه دستگاه خلافت، ۱۸۴ هجری.

— شورش مردم طبرستان و قتل مهرویه رازی از سردمداران خلافت وقت، ۱۸۵ هجری.

— شورش ابی الخصب علیه دستگاه خلافت، ۱۸۶ هجری.

— شورش ثروان ابن سیف علیه دستگاه خلافت، ۱۹۱ هجری.

— جنبش و شورش بزرگ خرمدینان در آذر بایجان به رهبری جاویدان پور شهرک رهسیر شور و بزرگ خرمدینان، ۱۹۲ هجری.

— قیام محمدابن ابراهیم طالیبی (ابن طبا طبای) از نوادگان حسن ابن علی امام دوم شیعیان علیه دستگاه خلافت در کوفه، ۱۹۹ هجری.

— قیام محمد ابن سلیمان علوی از نوادگان امام دوم شیعیان و قیام زید ابن موسی علوی از نوادگان امام سوم شیعیان در مدینه علیه دستگاه خلافت، ۱۹۹ هجری.

— قیام ابراهیم ابن موسی، یزید ابن بلال، محمد ابن حمید، عثمان ابن افکل و علی ابن مرطابی در عراق علیه دستگاه خلافت، ۱۹۹ هجری.

— قیام ابو السرایا علیه دستگاه خلافت در عراق، ۲۰۰ هجری.

— اوجگیری جنبش بزرگ ملی و بیست و دو ساله (بابک پور مرداس) بابک خرمدین - جانشین جاویدان پور شهرک - سیمای فراموشی ناپذیر مبارزات استقلال طلبانه و از قهرمانان ملی ایران، ۲۰۱ هجری.

— ولایت مهدی علی ابن موسی الرضا و حرکت گسترده آل ابیطالب در حجاز و عراق و حرکت آنان به سوی خراسان، ۲۰۱ هجری.

— سرکوب گسترده علویان مهاجر پس از پایان کار علی ابن موسی الرضا و پراکنده شدن آنان در نقاط مختلف ایران، ۲۰۳ هجری.

— شکست‌های یبایی نیروهای یحیی ابن معاذ والی ارمنستان و از سرداران خلیفه، از نیروهای بابک خرمدین در فاصله سالهای ۲۰۱ تا ۲۰۴ هجری.

— شکست نیروهای خلیفه (نیروهای آذربایجان، ارمنستان و بغداد) از ارتش خرمدینان، ۲۰۶ هجری.

(ادامه دارد)

فریاد بی صدا

محمد صیادمش
دست و پا می‌زنم فایده‌ای ندارد
فشار بر گلویم هر لحظه بیشتر می
شود به سختی نفس می‌کشم هیچ
راه امیدی نیست. جلادها مثل این
که پدرشان را کشته باشم محکم مرا
گرفته‌اند.

می‌خواهم حرفی بزنم مجالی
نیست به کودکان گرسنه‌ام که در
خانه منتظر هستند فکر می‌کنم
فشار روسری بر گلویم بیشتر
می‌شود و هم‌چنان تلاش می‌کنم تا
نفسی بکشم اما جلادها انقدر با
مهارت عمل می‌کنند گویا سالهاست
که دوره تخصصی آدم‌کشی را
دیده‌اند.

نمی‌دانم به کدامین گناه باید
این‌گونه گرفتار شوم. من که در یک
خانواده زحمتکش بزرگ شدم. پدر
بیچاره از صبح تا شب جان کند تا ما
را بزرگ کند مادر بدبخت با پادرد
شدیدی که داشت همیشه می‌گفت،
من که از زندگی خیری ندیدم
امیدوارم که شما خوشخت شوید.

پدر و مادرم سالهاست زیر
خوارها خاک خوابیده‌اند خبر از من
ندارند که به لطف و مرحمت نظام
اسلامی نفسهای آخر زندگیم را
چگونه می‌کشم.

با فشار بیشتر روسری به خودم
می‌آیم. به چهره یکی از جلادها
نگاه می‌کنم با حرکت چشمانم از او
خواهش می‌کنم التماس می‌کنم به
خاطر کودکانم مرا رها کنید آنها به
جز من سرپرستی ندارند اما جلاد به
دیگری می‌گوید چقدر سخت‌جان
است روسری را محکم بکش تا
خلاص شود.

ای کاش توان حرف زدن را
داشتم و جواب جلاد را می‌دادم و به
او می‌گفتم که سخت‌جان نیستم
تلاشم برای زنده ماندن به خاطر
بچه‌هایم است. شما فکر می‌کنید با
کشتن من جامعه درست خواهد شد.
من از مادر به دنیا آمدم ولگرد و
خودفروش نبودم سیاست و عملکرد
شما حکومتداران اسلامی مرا به این
کار کشاند گویا جلادها از نگاهم
فهمیدند که چه می‌گویم عسانی
شدند و بر گلویم فشار بیشتری
آوردند نفسهایم رفته رفته کم
می‌شود دیگر توان اولیه را ندارم کم
کم دست و پایم سست و بی حرکت
چشمانم تیره و تار می‌شوند باز هم
به بچه‌هایم فکر می‌کنم سرنوشت
آنها چه خواهد شد.

آیا فریاد بی صدای مرا کسی
خواهد شنید؟

زن بیچاره برای همیشه خاموش
شد و ننگی دیگر بر پرونده سیاه
جمهوری اسلامی ثبت شد. او آخرین
قربانی جوخه‌های ترور آخوندی
نیست و نخواهد بود.

از ماههای اول شروع کشتار
زنان مشهدی کاملاً روشن بود که
قاتلان از نیروهای زبده جمهوری
اسلامی می‌باشند. همان‌طور که قبلاً
طی مطلبی تحت عنوان «قتلهای
زنجیره‌ای در مشهد» نوشته و برای
نشری نبرد خلق ارسال کردم اما به
دلایلی به چاپ نرسید علت و انگیزه
این قتلها و دستور این کشتار از کجا
صادر می‌شود را توضیح داده بودم.
رئیس نیروی انتظامی در یک
مصاحبه خبر از دستگیری قاتل زنان
مشهد داد و انگیزه قاتل را شخصی
اعلام کرد و اضافه نمود که قاتل به
هیچ گروه و سازمانی وابستگی ندارد
اما دو روز بعد سخنگوی قوه قضائیه
رژیم در تلویزیون ظاهر شد و خبر از
یک نشست محفلی در رابطه با
کشتار زنان مشهد را اعلام کرد و در
آخر چنین گفت که ما با هر گونه
خودسری گروهها و سازمانها با
شهروندان مخالفیم و آن را محکوم
می‌کنیم اما هیچ‌گونه اشاره‌ای به
وابستگی محفلیان که ۱۹ زن را به
قربانگاه کشاندند و یا این که فتوای
قتل را کدام مرجع و یا وابستگان
رژیم صادر کرده‌اند، نکرد.

پرونده قتل‌های زنجیره‌ای زنان
مشهدی همانند قتل‌های زنجیره‌ای
دگراندیشان به باگانی سپرده خواهد
شد چرا که هر دو محفل برادر
یکدیگر و رهبرشان ولایت فقیه است
و این آخرین محفل نخواهد بود. تا
روزی که نظام آخوندی بر سر کار
است فتوا و محفل‌بازی با هر گونه
اعتراض حتی با کسانی که به علت
معضل اجتماعی مثل زنان مشهد که
بی‌کفایتی رژیم را در حکومت‌داری
نشان می‌دهد وجود خواهد داشت.

اگر دیروز محفل‌نشینان به سراغ
دگراندیشان و دانشجویان در کوی
دانشگاه و امروز در مشهد رفتند و
انجام وظیفه نمودند، فردا شاید نوبت
کارگران اعتصابی کارخانه‌ها و شاید
چوانان بی‌گناه و به ستوه آمده باشد.
در آخر وظیفه هر انسان
آزادبخواه و وطن‌پرست می‌باشد تا
علیه رژیم آخوندی به پا خیزد و فریاد
حق‌طلبانه مردم ستمدیده را به گوش
جهانیان برساند و تا دیر نشده جلوی
یک فاجعه انسانی دیگر را گرفته و از
اضافه شدن حلقه‌های دیگر به
جنایات رژیم جلوگیری کنند.

شلاق زدن در ملاء عام



رادبو آزادی ۱۷ مرداد: پنج تن دیگر به خاطر نوشیدن
مشروبات الکلی، در ملاء عام در تهران تازیانه زده شدند به
گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، این افراد که بین ۲۷
تا ۳۰ سال داشتند، سه شنبه شب در یک میدان مرکزی
پرتدد تهران و در نزدیکی وزارت کشور هر یک ۷۰ ضربه
تازیانه خوردند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس: ۲۳ مرداد: روز سه شنبه، ۱۴ نفر به
جرم نوشیدن مشروب الکلی با بدن برهنه در ملاء عام
شلاق خوردند. تعداد کسانی که در عرض ۴ روز اخیر شلاق
خورده‌اند، به ۲۰ نفر رسیده است. ۱۴ مرد جوان که با مینی
بوس پلیس به میدان ولی عصر در مرکز تهران آورده شده
بودند، هر یک ۸۰ ضربه شلاق به پشت و شانه هایشان
دریافت کردند. بیش از ۱۰۰۰ نفر که بسیاری از آنها پریشان
و اندوهگین بودند، شلاق خوردن را تماشا کردند. یک مقام
نام‌هر یک از ۱۴ محکوم را اعلام می‌کرد و سپس یک سرباز
حکم را اجرا می‌نمود.

خبرگزاری آسوشیتدپرس: ۲۳ مرداد: یک روزنامه ایران روز
سه شنبه خبر داد که شش مرد در ملاء عام در تهران به خاطر
نوشیدن مشروبات الکلی شلاق خوردند. این شش مرد ایرانی
با دستان زنجیربسته به بزرگترین میدان غرب تهران میدان
آزادی برده شدند و در مقابل چشمان عموم شلاق خوردند.
مقامات در زمان انجام این مجازات در دسترس نبودند و
معلوم نبود که این حکم چه وقت صادر شده است. هفته
گذشته وزارت کشور که در دست اصلاح طلبان است عمل
شلاق زدن را محکوم کرد و گفت افزایش جدید شلاق زدن
در ملاء عام به چهره بین المللی ایران لطمه زده است. شلاق
زدن در ملاء عام در ایران به امری نادر تبدیل شده بود اما در
هفته‌های اخیر رو به افزایش گذاشته است و دهها نفر در
تهران به جرم نوشیدن مشروبات الکلی و تخلفات جنسی
شلاق خورده‌اند.

خبرگزاری فرانسه: ۲۴ مرداد: به نوشته روزنامه خراسان در
روز چهارشنبه، ۴ مرد به اتهام دزدی و برقراری رابطه جنسی
نامشروع در ملاء عام در خراسان در شرق ایران شلاق
خوردند.

خبرگزاری ایرنا (انگلیسی) ۲۳ مرداد: بنا به مشاهده خبرنگار
ایرنا در صحنه، به رغم انتقادات مقامات رفرمیست نسبت به
شلاق زدن در ملاء عام، سیزده جوان پسر در مرکز تهران،
غروب سه شنبه در نزدیکی یک میدان پررفت و آمد به جرم
نوشیدن مشروبات الکلی و جیب‌بری شلاق زده شدند. این
نهمین مورد شلاق زدن در ملاء عام طی ماه گذشته بوده
است. رضا مرادی یک عابر دیگر هشدار داد که "با ادامه این
کارها، مردم ممکن است یکرز دست به قیام بزنند.

سرکوب و اعدام
به دار آویخته شدن

۱۱ نفر

روزنامه توسعه ۲۴ مرداد:
با تأیید دیوانعالی کشور
۱۱ نفر متهم به قتل که
در دادگاه جنایی تهران به
قصاص نفس (اعدام)
محکوم شده‌اند، با
حضور اولیای دم (خاندان
شاکی) به دار مجازات
آویخته خواهند شد.

آتن از محکومان اعدامی
در ملاء عام و ۹ تن از
آنان در محوطه زندان
قصر قصاص خواهند
شد. بر اساس گزارش
خبرنگار ما، متهمان
اعدامی که در شمع‌های
مختلف دادگاه جنایی

تهران به اتهام قتل عمد
محاکمه شدند که قاضی
دادگاه پس از استماع
دفاعیات به استناد مدارک
و مستندات پرونده ۱۱ تن
مجرم را به اعدام محکوم
کرد. پرونده محرمان در
دیوان عالی کشور مورد
رسیدگی قرار گرفت و
حکم قصاص آنان نیز
تأیید شد. گفتنی است
حکم اعدام محکومان
صبح و بعدازظهر امروز
به مرحله اجرا گذاشته
خواهد شد.

اعدام سه جوان

روزنامه نوروز ۲۴ مرداد:
بامداد امروز سه جوان به
اتهام قتل عمد به دار
مجازات آویخته می
شوند. به گزارش خبرنگار
ما بعد از طی جلسات
متعدد دادرسی به پرونده
عدالله - ر، محسن -

الف و ولی الله، قاضی
کوه کمره ای حکم
قصاص متهمان را صادر
کرد که این حکم بعد از
ارسال به دیوان عالی
کشور تأیید و برای اجرا
به اجرای احکام ارسال
شد این سه قاتل با
حضور قاضی کوه کمره
ای ریاست شعبه ۱۶۰۱
که حکم هر سه متهم را
صادر کرده بود به در
آویخته خواهند شد.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

اروپا معادل ۳۰ دلار
آمریکا و کانادا و سوئد ۳۵ دلار آمریکا
استرالیا ۵۰ دلار
تک شماره معادل ۱/۵ دلار

آدرس نبرد خلق

در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

اخبار روزانه در جنگ خبر مطالعه کنید

از بخش تصویرهای مربوط به جنبش مردم

فلسطین دیدن کنید

از بخش تصویرهای مربوط به جنبش ضد جهانی شدن دیدن کنید.

اخبار و تفسیر خبری و سیاسی رویدادهای هر هفته را بر روی شبکه اینترنت گوش دهید.

WWW.jonge-seda.com

کمکهای مالی و حق اشتراک

آقای عبدالزاده ۲۵ گلدن حق اشتراک
آقای عبادی ۱۰ پوند حق اشتراک
آقای ارش از کانادا ۱۰۰ دلار کمک مالی و حق اشتراک
آقای غلام از سوئد ۳۰۰ کرون کمک مالی

بیانیه شورای ملی مقاومت

بقیه از صفحه ۱۱

اوران ارتش آزادی) و اثر آقای منوچهر سخایی (ای جوانان وطن در بزرگداشت قهرمانان واحدهای عملیاتی و جوانان به پا خاسته در ایران زمین) بخش شد که با استقبال شرکت کنندگان در اجلاس مواجه گردید.

مسئول شورا از تلاشهای پراچ همه هنرمندان عضو شورا، در یکی از سخت ترین مقاطع حیات ایران زمین، سپاسگزاری و قدردانی کرد.

مسئول شورا در جمع بندی تاریخچه ۲۰ ساله مقاومت ایران افزود: در این ۲۰ ساله همه نیروها و جریانات سیاسی در ایران آزمایش پس دادند و ثابت و بارز گردید که این مقاومت برترین حقیقت نهفته در دل تاریخ و فرهنگ این خلق و این میهن بوده و تبلور همه ارزشهای آزادیخواهانه و میهن پرستانه ملت ایران می باشد.

دردقایق پایانی اجلاس، پهلوان مسلم اسکندر فیلابی، وارث بازوبند جهان پهلوان تختی و مسئول کمیسیون ورزش شورای ملی مقاومت، طی سخنان شورانگیز و پراحساسی، بازوبند پهلوانی خود را به عنوان حاصل یک عمر فعالیت و تلاش در میدانهای ورزشی به شیرزنان و رادمردان ارتش آزادیبخش ملی اهدا کرد و شهیدان و رزم اوران این ارتش میهنی را یاوران ستمدیدگان و پهلوانان حقیقی تاریخ معاصر ایران زمین در برابر اهریمنان حاکم توصیف کرد.

اجلاس شورا با بزرگداشت دو عضو فقید شورا، محمود مهدوی (فرمانده محمود قائمشهر) و مالک کلبی (حقوقدان) و با اجرای سرود ای ایران به پایان رسید.

شورای ملی مقاومت ایران

۳۰ تیر ۱۳۸۰

درگذشت محمد علی گلشن ابراهیمی

محمد علی گلشن ابراهیمی از استادان موسیقی ایران روز دوشنبه ۲۲ مرداد بر اثر عارضه قلبی درگذشت. وی که ۸۱ سال داشت از شاگردان ابوالحسن صبا بود و ۶۰ سال از عمر خود صرف جمع آوری، پژوهش و آموزش موسیقی ایرانی کرد. این استاد موسیقی صاحب مجموعه بزرگی از آثار مهم موسیقی ایرانی بود که در مدت زندگی خود این آثار را از نقاط مختلف ایران جمع آوری کرد. محمدعلی گلشن همچنین در زمان حیاتش بیش از هزار مقاله درباره موسیقی منتشر کرد.

روستوتسکی در گذشت

استانیسلاو و روستوتسکی

کارگردان مشهور سینمای روسیه روز جمعه در سن ۷۸ سالگی درگذشت. آرمن مددوف مدیر هنری نهمین جشنواره فیلم پنجره ای به سوی اروپا در مصاحبه ای با خبرنگاری روسی اینترتاس در مسکو، درگذشت روستوتسکی را خسارت عظیمی برای فرهنگ روسیه توصیف کرد.

این کارگردان مشهور سینمای روسیه در حالی که عازم مراسم گشایش جشنواره یاد شده در ویسبورگ بود درگذشت. روستوتسکی اولین فیلم خود را به نام زمین و مردم در سال ۱۹۵۶ کارگردانی کرد. این فیلم مربوط به زندگی روستایی بود. جنگ و زندگی مردم، محور فیلم های بعدی او مثل هفت باد ستاره های ماه مه و سحرهای خاموش بود که از شهرت بین المللی برخوردار شدند. کارگردان فقید روسی در دوران حیاتش چند جایزه دولتی از جمله جایزه لنین را دریافت کرد.

حکم تنفیذ خاتمی که توسط رفسنجانی قرائت شد

تلویزیون رژیم ۱۱ مرداد «رفسنجانی متن حکم تنفیذ رهبر عظیم الشان انقلاب رو قرائت می کنم.

بسم الله الرحمن رحیم. به یاری الطاف کریمانه خداوند متعال و دعای مستجاب حضرت بقیة الله، روحی فدا، اکنون دوره ی تازه ای از مسئولیت اجرایی کشور آغاز می شود. این هشتمین بار است که ملت بزرگ ایران، در از مومن انتخاب رئیس جمهور موفق و سربلند گشت و دخالت سرنوشت ساز خود در اداره کشور را به نمایش نهاده و اقتدار ملی نظام اسلامی را به جهانیان نشان می دهد. کشور بزرگ و کهنسال ما این افتخارات را مرهون انقلاب اسلامی و رهبر کبیر آن و فداکاری شهیدان و ایثارگران و مؤمنان صادق و صابری است که جان و توان خود را در مبارزه با رژیم زور و فساد و استبداد و نظام بین المللی سلطه جو و غارتگر پشتیبان آن میزول کردند.

خداوند متعال را بر هدایت و رحمتش سپاس می گویم و به ملت عالیقدر ایران که با هوشمندی و پایداری خود پرچم حاکمیت اسلامی را برافراشتند و در طوفانها و گردبادها سرفراز نگاه داشته اند، درود می فرستم.

مردم ایران در فضایی آرام، و با رفتاری متین و با اکثریتی قاطع و شورانگیز، شخصیتی انقلابی و فرزانه و منتسب به بیت سیادت و علم و تقوی را که اینک چهار سال تجربه مدیریت کلان بر مزایای ایشان افزوده است، به ریاست جمهوری برگزیده اند و پایبندی خود را به دین و اخلاق و ارزشهای معنوی و دلبستگی خود را به روحانیت و سیادت نشان دادند. اینک که به حمدالله این فرصت تازه و فضای پر نشاط در کشور پدید آمده، جای آن است که لحظه لحظه وقت مسئولان و نخبگان و امنای ملت به خدمت و تلاش مخلصانه سپری شود و عزم و همت همگان به سوی بسط عدالت و ارتقای معرفت و معنویت و گشایش امر اقتصاد و معیشت عمومی معطوف گردد و فقر و فساد و تبعیض که محصول حاکمیت جهل و ظلم و خودکامگی توابی در روزگاری بس طولانی است، از صفحه زندگی ملت ایران زدوده شود. بی شک هر اقدام مجاهدت آمیز رئیس جمهور محترم و دیگر مسئولان در این راه، مشمول کمک و پاداش الهی و پاسخ شایسته به حضور و صمیمیت مردم و مورد تأیید و همکارای این خدمتگزار ناچیز خواهد بود.

اینجانب با سپاس خداوند متعال و عرض تبریک به ملت عزیز و با معرفت و مراتب شایستگی اندیشمند فرزانه جناب حجت الاسلام، آقای سیدمحمدخاتمی دامت معالی، رأی ملت را تنفیذ و ایشان را به ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب می کنم. بدیهی است که تنفیذ اینجانب و رأی ملت تا زمانی است که ایشان به تعهد خود و صراط مستقیم که تاکنون در پیش داشته اند، یعنی راه اسلام و احکام نورانی آن، و دفاع از مستضعفان و مظلومان و ایستادگی در برابر دشمنان مستکبر و حق ستیز و زورگو پایبند باشند که با توفیق الهی همواره چنین خواهد بود. انشاءالله.

رئیس محترم جمهور را به یاد خدا و اغتنام فرصت زودگذر و اخلاص در عمل توصیه می کنم. و قدردانی از ملت و مراقبت از منافع ملی و اولویت دادن به نیاز قشرهای مستضعف و گرامی شمردن ارزشهای والای دین و انقلاب را به ایشان متذکر می گردم و توفیق و هدایت و کمک الهی را برای ایشان و همه مسئولان کشور مسئلت می کنم. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته. سیدعلی خامنه ای»

NABARD - E - KHALGH

No : 195 23. August . 2001 / Price: \$ 1 - 2 DM - 7 Fr

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: USA / 1- 703 904 78 10 / Italia / 39 - 085 802 23 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE
NABARD / Postbus 593 / 6700 AN-Wageningen / HOLLAND
NABARD / P.O Box / London N7 / 7HX - ENGLAND
NABARD / Post fach 102001 / 50460 Köln / GERMANY
NABARD / P.O Box , 710631 / Herndon, VA / 20171 U.S.A
NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

Name of Bank ... SOCIETE GENERALE / Address: Boulogne - S - Seine / FRANCE

Bank Code: 30003 / Post Code: 03760 / Account No: 00050097851 / Beneficent Name: Mme. Talat R.T

مصداق - کاشانی کودتای ننگین ۲۸ مرداد و نقش آیت الله کاشانی در آن از زبان جلیل بزرگمهر، وکیل مدافع دکتر محمد مصداق

خبرگزاری دانشجویان (ایسنا) به مناسبت سالروز کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مصاحبه‌ای با سرهنگ جلیل بزرگمهر، وکیل مدافع زنده یاد دکتر محمد مصداق در دادگاه نظامی انجام داده که در بخشی از این مصاحبه، بزرگمهر به نقش ارتجاعی و خائنانه آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی و دارو دسته او در ضدیت با دکتر مصداق اشاره‌ای کوتاه می‌کند. جلیل بزرگمهر می‌گوید: «سید ابوالقاسم کاشانی می‌خواست ۷-۸ نفر از پسرها و قوم و خویشانش نماینده مجلس شوند ولی دکتر مصداق زیر بار نمی‌رفت. می‌خواست اختیارات بیشتری داشته باشد و روی چند وزیر نظر داشته باشد. در رؤسای ادارات تغییراتی بدهد که مصداق قبول نمی‌کرد، این بود که با مصداق اختلافاتی پیدا کرد.» بزرگمهر ادامه می‌دهد که: «با این وجود دو بار آمدند و اشتهای کردند، اما در نسیم اسفند علیه مصداق اعلامیه داد و این کسی بود که در مجلس اول یا دوم (سال ۱۳۰۵) به سلطنت رضا شاه رای داد و بعد از کودتا نیز به دیدن زاهدی رفت و به زاهدی تبریک گفت، زاهدی قبل از این که سر کار بیاید، در مجلس متحضر شد.

کاشانی که رئیس مجلس بود، به مجلس آمد و خوش و بش کرد و به کار پرداز گفت از مهمان خوب پذیرایی کنید. یعنی زاهدی همان کسی که انگلیس و امریکا توافق کرده بودند تا نخست‌وزیر شود، تمام مخالفین مصداق همچون شمس قنات‌آبادی و حسین مکی هم می‌آمدند با زاهدی مشورت می‌کردند که چگونه دکتر مصداق را برکنار کنیم.» سرهنگ بزرگمهر در ادامه مصاحبه در باره مخالفین مصداق و نقش بقایی که از دست پروردگان آیت الله کاشانی می‌گوید: «مخالفین مصداق می‌خواستند جای او را بگیرند و محرک اصلی آنها دولت انگلیس بود که صنایع نفت را از دست داده بود. عواملی هم در ایران مثل جمال امامیها و دکتر بقائیه‌ها، حسین مکیها از داخل مجلس و شاه هم به وسیله عوامل خود، این کودتا را فراهم آوردند.»

یادآوری می‌کنیم که خمینی نیز پس از پیروزی کودتای ننگین ۲۸ مرداد به شاه پیام تبریک فرستاد و پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی از کودتای ننگین ۲۸ مرداد به عنوان «سلیبی اسلام» بر مصداق یاد کرد. خمینی و طرفداران ولایت فقیه همواره از آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به نیکی یاد کرده‌اند و هیچ یک از آنان و متجمله دوم خردادیها که در مواردی از مصداق یاد می‌کنند از نقش خائنانه کاشانی در جنبش ملی شدن صنعت نفت حرفی نمی‌زنند.

اخبار ترور و سرکوب —

دستگیری ۸ مرد و زن روزنامه ابرار: ۱۳ مرداد - مأموران انتظامی حوزه شرق شهرستان مشهد پس از یک سری عملیات اطلاعاتی و پلیسی موفق به انهدام یک باند فساد و دستگیری اعضای آن شدند. به گزارش دفتر اطلاع رسانی نیروی انتظامی این استان، مأموران حوزه انتظامی شرق مشهد پس از کسب اطلاعاتی مبنی بر فعالیت غیرقانونی و انجام مجالس لهو و لعب افرادی در یک رستوران واقع در انتهای جاغرق واقع در شرق مشهد ضمن هماهنگی با مقام قضایی محل را زیر نظر گرفته و به شناسایی افراد آن پرداختند. سرانجام پس از تکمیل اطلاعات و مدارک در اوایل نامداد دوشنبه گذشته به محل عزیمت و در یک اقدام ضربتی هشت مرد و دو زن را که مجلس لهو و لعب برگزار کرده بودند را دستگیر نمودند.

اعدام در اصفهان

روزنامه قدس ۱۴ مرداد: دزد جوانی که در حین سرقت جوان ۲۰ساله‌ی را در مارچین اصفهان با وارد آوردن ضربات کارد به قتل رسانده بود، سحرگاه دیروز در ملاء عام به دار مجازات آویخته شد.

اعدام در مشهد

روزنامه کیهان ۲۴ مرداد: سارقان مسلح طلافروشی‌های مشهد صبح امروز در ملاء عام به دار مجازات آویخته شدند. اعدام شدگان " کاظم علایمی " سرکرده و " رضا نادری "عامل اجرایی سرقت‌های مسلحانه از

طلافروشی‌های شهر مشهد بودند که بیش از یک سال در این شهر به طور پیچیده ای مرتکب قتل طلافروشان و سرقت اموال آنها شده بودند. به موجب این گزارش، در پی اعتراض متهمان به رأی دادگاه و ارجاع آن به دیوان عالی کشور، شعبه ۲۲ دیوان عالی کشور نیز حکم اعدام را تأیید کرد و با دستور آیت الله شاهرودی رئیس قوه قضائیه، حکم اعدام این افراد کاظم علایمی و رضانادی در محدوده وقوع قتلها یعنی در چهار راه آزادشهر با حضور مردم، خانواده مقتولان و مقامات قضایی قرائت شد. سپس طابان دار به گردن کاظم و رضا بسته شد.

اعدام سه تن در سمنان

سایت واحد مرکزی خبر ۲۵ مرداد: سه سارق مسلح درملاء عام به دار مجازات آویخته شدند. رئیس دادگاه انقلاب اسلامی سمنان امروز با اعلام این خبر گفت: در طول سه ماه گذشته در استان سمنان چهار نفر دستگیر شدند که با حکم دادگاه انقلاب اسلامی سمنان و با تایید دیوان عالی کشور سه نفر از آنان به جرم افساد فی الارض، محاربه و سرقت مسلحانه در نقاط مختلف کشور، به اعدام محکوم شدند. آقای سلامی همچنین افزود: محکومین به اعدام عباس بیرانوند فرزند درویش سی و یک ساله، محمد خرسند فرزند شیرزاد بیست و پنج ساله و سید فخرالدین موسوی فرزند سید طهماسب بیست و پنج ساله که هر سه نفر ساکن خرم آباد بودند.

شهدای فدایی شهریور ماه

رفقای فدایی: یعقوب (امیر) تقدیری - ایرج سپهری - علی میرشکاری - انور اعظمی - محمود بابااعلی - اعظم السادات روحی آهنگران - حسن سعادت - پروین فاطمی - طهمورت اکبری - جمیل یحجالی - شهیار و احسن ناهید - محمد مجیدی - حمید رضا مالکی - احمد صادقی - محمدتقی برومند - بهنام رهبر - بهمن رهبر - محمدرضا فریدی - سعیده کریمان - پرویز داوری - غلامحسین بیگی - حسن صالحی - علی رضا بابایی - ناصر فتوتی - محمد سیاسی - حمیدرضا ماهیگیر - عباس کابلی - جواد کارشی - نادره نوری - علیرضا پناهی - قاسم معروفی - ابوبکر ارمان - هوشنگ احمدی - رشید یزدان پناه (سمکو) - بیژن چنتی - مرتضی خدامرادی - مصطفی شمس الدینی - قاسم سیدباقری - عبدالرضا غفوری - عزیز محمد رحیمی - محمد تمدن - اصغر جعفری جزایری - خسرو مبارکی - سعید رهبری - علیرضا یراق چی - محمدرضا ستوده - احمدرضا شعاعی - مهدی سمعی - ابوالفضل غزال ایاق - رشید آهنگری - محمد تمدن - جمشید میرحیدری - یونس رضایی - جلال فتاحی - محمدعلی ابرندی - سیاوش حسنوند - ایرج سلیمانی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و به وسیله مزدوران رژیمهای تهاه و خمینی به شهادت رسیدند.